

بسمه تعالی

جزوه حقوق جزای عمومی

مطابق با قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲

جهت شرکت در آزمون های
«وکالت، کارشناسی ارشد، قضاوت، سردفتری»

فخرالدین عباسزاده

مقدمه

باعرض سلام و ادب و احترام خدمت دانش‌پژوهان کرامی

مدتی است که در خدمت شاعر عزیزان، بستیم و سعی بر این بود تا جایی که در توان داریم و مطالبی که از بزرگان و اساتید خود فرا گرفته ایم را در اختیار تان قرار دهیم. هر چند این مطالب باغزای بیشتر در بسیاری از آثار تالیفی موجود می‌باشد اما هدف ما تسهیل و تجميع مطالب مربوط به این بزرگان است ولی همچنان خاطر نشان می‌شویم بهترین شیوه برای خودآموزی رجوع به اصل کتب و آثار این اندیشمندان و استادان خواهد بود.

آثار متعددی در زمینه حقوق جزای عمومی تحت عنوان «کجک آزمون» مگاشته شده است و هزینه‌ی آن با بزرگنمای است که شاید در وسع مالی برخی از عزیزان نباشد. پیشنهادی هم در خصوص تبدیل این جزوه به کتاب از جانب برخی از ناشران صورت گرفت ولی در نهایت تصمیم گرفتیم این مجموعه همانند گذشته به صورت رایگان در اختیار شاعر عزیزان قرار گیرد، با این باور که گوشه‌چشمی بتواند از هزینه‌هایی که برای اهداف تحصیلی خود متحمل می‌شود بکاهد. خصوصاً این که عده‌ی مراحین به این مجموعه اصولاً دانشجویان فاقد مشاغل و درآمد کافی هستند و این همان تعلقری است که از اساتید بزرگوارمان جناب آقای دکتر آرمایش آموخته ایم و امید داریم همواره دعای خیرتان حافظ سایه‌ی پربرکتشان بر جامعه‌ی حقوقی مان باشد. نسخه‌های قبلی این مجموعه مورد لطف و عنایت خیل کثیری از دوستان حقوقی قرار گرفت؛ علاوه بر این که دقت و نکته‌سنجی دوستان کرامی سودنی است لذا توجهات و عنایات همه شما بزرگواران شایسته تقدیر و تشکر می‌باشد.

در نسخه جدید این مجموعه نیز سعی بر آن شده است تا از نظریات اساتید بزرگ این رشته که آثارشان مطابق با قانون مجازات اسلامی جدید مگاشته شده است؛ از جمله کتاب حقوق جزای عمومی استاد ساولانی، ۳ جلد حقوق جزای عمومی دکتر اردبیلی، محشای قانون مجازات اسلامی دکتر گلکدوزیان و در مواردی که همچنان می‌توان از نظریات اساتیدی که در رابطه با قانون مجازات سابق قلم زده اند از جمله زمینه‌ی حقوق جزای عمومی دکتر نوربها؛ حقوق جزای عمومی پرویز صانعی، محمد باحری و دیگر اساتید این رشته نیز استفاده شده است. همچنین چنانچه در مقام ارجاع موردی مطالب به اساتید صاحب نظر مطلبی از قلم افتاده باشد، صرفاً از باب غفلت بوده و مگارنده به بیچ عنوان قصد اسباب نظریات اساتید محترم به خود، که نتیجه سالها تدریس و تحقیق آن بزرگواران می‌باشد را ندارد.

بدی است مگارش مجموعه‌ای در رابطه با قانونی که در راستای تفسیر و تشریح با کبود منابع مواجه است بسیار دشواری نماید و بیچ مگارنده‌ای را مصون از اشتباه نخواهد گذاشت؛ لذا از همه‌ی عزیزانی که در حین مطالعه این مجموعه با ایراداتی مواجه می‌شوند خواهشمند است با بیان انتقادات و پیشنهادات خود از طریق پست اینترنتی fakhroddin.ab@gmail.com اینجانب را در بهبود کیفیت این مجموعه یاری نمایند.

فصل اول (حقوق جزای عمومی ۱)

شامل:

کلیات (تعریف، تقسیم بندی و منابع حقوق جزا)

عنصر قانونی

اصول تعیین کننده صلاحیت کیفری

عوامل موجهه جرم

عنصر مادی

عنصر معنوی (جرائم عمدی و غیر عمدی)

گفتار اول: کلیات

بند اول: تقسیمات حقوق جزای داخلی

حقوق کیفری رشته ای از حقوق عمومی داخلی است و به تنظیم روابط فرد با دولت می پردازد^۱ و تقسیماتش به شرح زیر است:

- ۱- حقوق جزای عمومی: «حقوق کیفری عمومی به مطالعه قواعد کلی و مشترک جرایم و مجازات ها می پردازد. به طور کلی شروط تحقق بزه و عناصر جرم (عنصر قانونی، مادی و روانی) در ابواب حقوق کیفری عمومی مطالعه می شود».^۲
- ۲- حقوق جزای اختصاصی: «حقوق کیفری اختصاصی به مطالعه و چگونگی اصول کلی حقوق کیفری نسبت به هر یک از جرایم خاصی که در نصوص مختلف قانون آمده است می پردازد».^۳
- ۳- آیین دادرسی کیفری: ماده ۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد «آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضائی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه وضع می شود».

بند دوم: تعریف حقوق جزا عمومی

در یک تعریف کلی حقوق جزای عمومی به تفسیر و بررسی مجموعه قوانین، مقررات و قواعدی اطلاق می گردد که نظم عمومی را تامین می کند.^۴

بند سوم: ویژگی های حقوق جزا

الف) وجود ضمانت اجراهای خاص: این ضمانت اجراها یا به صورت مجازات است یا اقدامات تامینی و تربیتی.

۱- اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، انتشارات میزان، چاپ سی ام، سال ۹۲، ص ۵۳

۲- همان، ص ۶۴

۳- همان، ص ۶۶

۴- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات دادافرین، چاپ ششم، ص ۱۸

ب) **آمره بودن (الزامی بودن) قوانین کیفری:** در حقوق جزا قواعد اختیاری و تکمیلی وجود ندارد و افراد نمی توانند برخلاف آن با یکدیگر توافق نمایند.

پ) **کلی و عام بودن قوانین کیفری:** به معنای تساوی تمام افراد در مقابل قانون است.

ت) **سرزمین و شخصی بودن قواعد حقوق جزا:** منظور از سرزمینی بودن قواعد حقوق جزا، اجرای قوانین کیفری در نقاطی است که تحت سلطه و حاکمیت دولت قرار دارد و منظور از شخصی بودن قواعد حقوق جزا آن است که قوانین کیفری در مورد اتباع ایرانی، اعم از اینکه در کشور ساکن باشند یا در خارج، قابل اجرا می باشد.^۱

بند چهارم: منابع حقوق جزا

ج) منظور از منابع حقوق جزا، نصوص قابل استنادی است که متضمن قاعده ای از قواعد کیفری باشد.^۲

<p>۱- قانون</p> <p>۲- معاهدات بین المللی (ماده ۹ قانون مدنی)</p> <p>۳- رویه قضایی در معنای خاص (آراء وحدت رویه)</p> <p>۴- مصوبات قوه مجریه (آیین نامه اجرایی)</p> <p>۵- مصوبات کمیسیون تخصصی مجلس</p>	}	<p>۱- منابع اصلی یا الزامی (صوری)</p>	}	منابع حقوق جزا
<p>۱- رویه قضایی در مفهوم عام (عرف دادگاه ها)</p> <p>۲- عرف و عادت</p> <p>۳- دکترین</p>	}	<p>۲- منابع فرعی یا ارشادی (مکمل)</p>		

نکته: برخی از حقوق دانان (منابع فقهی) را جزو منابع فرعی حقوق جزا^۳ و برخی دیگر جزو منابع اصلی می دانند.^۴

گفتار دوم: جرم و عناصر تشکیل دهنده آن

بند اول: تعریف جرم

ماده ۲ ق.م.ا در مقام تعریف جرم مقرر می دارد «**هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می گردد.**» درج عبارت «رفتار» در ماده اقدام صحیحی از جانب مقنن است اما در ادامه محدود کردن رفتار به «فعل» و «ترک فعل» همچنان قابل انتقاد خواهد بود چراکه عنصر مادی جرایم محصور در فعل و ترک فعل نمی باشد.^۵

۱- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ سیزدهم، ص ۳۰ و ۳۱

۲- اردبیلی، پیشین، ص ۱۸۵

۳- همان، ص ۲۰۲؛ همچنین ر.ک. گلدوزیان، پیشین، ص ۴۳

۴- نوربها، پیشین، ص ۴۰

۵- آقایی نیا، حسین، تقریرات کلاسی درس حقوق جزای اختصاصی، دوره دکترا حقوق جزا و جرم شناسی، نیمسال دوم ۹۲-۹۳

بند دوم: عناصر تشکیل دهنده جرم

- ۱- رکن قانونی: وصف مجرمانه باید به تعیین قانون باشد.^۱ (بنابراین تحقق جرم منوط به نص صریح قانون است)^۲
- ۲- رکن مادی: عمل خارجی انسان است. شامل تحقق عملیات خارجی حاکی از رفتار مجرمانه می باشد.^۳
- ۳- رکن معنوی: رفتار مجرمانه باید همراه با قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی باشد.^۴

گفتار سوم: عنصر قانونی

- ⊖ عنصر قانونی یعنی اینکه عمل ممنوعه در قانون پیش بینی شده باشد.
- ⊖ این مطلب بیان گر یکی از اصول حاکم بر حقوق جزا یعنی همان اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها می باشد.
- ⊖ اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، یعنی اینکه هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه در قانون برای آن مجازات پیش بینی شده باشد.
- ⊖ اصل قانونی بودن از یافته های مکتب کلاسیک و از دیدگاه های بکاریا و منتسکیو ناشی می شود.^۵
- ⊖ اصل قانونی بودن در ایران نخستین بار در سال ۱۳۲۵ در قانون اساسی پذیرفته شد.^۶
- ⊖ اصل قانونی بودن شرایط لازم برای تحقق جرم است اما شرط کافی نیست. (یعنی باید عنصر معنوی و عنصر مادی نیز وجود داشته باشد)

* اصل قانونی بودن در اسلام: در اسلام، منابع زیر حاکی از لزوم عنصر قانونی برای تحقق جرم می باشد:^۷

- ۱- لا یُکَلِّفُ اللهُ نَفْساً اَلاً ما آتیها (خداوند هیچ کس را جز به آنچه توانایی دارد تکلیف نمی کند)^۸
- ۲- و ما کُنَّا مُعَذِّبِینَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُوْلاً (ما هیچ کس را پیش از برانگیختن پیامبر به کیفر نمی رسانیم)^۹
- ۳- قاعده قبح عقاب بلا بیان (قبح است مجازات کردن، قبل از اینکه بیان شود)
- ۴- حدیث رفع
- ۵- اصل اباحه
- ۶- قاعده درأ

۱- گلدوزیان، پیشین، ص ۷۹

۲- اردبیلی، پیشین، ص ۱۸۰

۳- گلدوزیان، پیشین، ص ۷۹

۴- اردبیلی، پیشین، ص ۱۸۰

۵- همان، ص ۱۸۱

۶- همان؛ همچنین اصل قانونی بودن در اصول ۲۲، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۱۶۶ و ۱۶۹ قانون اساسی نیز پیش بینی شده است (ر.ک. گلدوزیان، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، سال ۸۵، ص ۳۱۲ و ۳۱۳)

۷- گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد، چاپ اول، سال ۹۲، زیر نویس شماره ۳ ماده ۱۰ ق.م.ا

۸- آیه ۷ از سوره طلاق

۹- آیه ۱۵ از سوره اسراء

* نتایج و آثار اصل قانونی بودن:

۱- تفسیر مضیق

۲- عطف به‌سابق نشدن

۱- تفسیر مضیق:

⊖ تفسیر مضیق یعنی پایبندی قاضی دادگاه به قدر متیقن قوانین و خودداری از توسعه آن.^۱

⊖ تفسیر مضیق در برابر تفسیر موسع قرار دارد.

⊖ تفسیر مضیق قوانین جزایی، مربوط به قوانین ماهوی است و شامل قوانین شکلی نمی‌شود. به عبارت دیگر، در قوانین

شکلی کیفری که اصولاً به منظور اجرای بهتر عدالت و سهولت کشف حقیقت وضع می‌شوند تفسیر موسع پذیرفته شده

است.^۲

۱. تفسیر قانون اساسی: با شورای نگهبان است.

۲. تفسیر قانون عادی: با مجلس است

تفسیر قانونی

۱. تفسیر منطقی یا توضیحی (احراز نظر واقعی مقنن)

۲. تفسیر مضیق: از آثار تفسیر مضیق، تبرئه درحالت شک و منع دلیل تراشی به

وسیله قیاس است (نوربها، پیشین، ص ۱۵۴)

۳. تفسیر به نفع متهم: تفسیر به نفع متهم، ریشه در اصل برائت دارد (اردبیلی،

پیشین، ص ۲۱۸)

تفسیر قضایی

انواع تفسیر^۳

(به اعتبار مقام تفسیر کننده)

تفسیر شخصی ← یا همان دکترین، تفسیری که حقوق دانان از قوانین ارائه می‌دهند.

۲- عطف به‌سابق نشدن

مطابق با ماده ۱۰ ق.م.ا «در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم

مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی

محکوم کرد...»

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۲۱۷

۲- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، ص ۱۳، ۱۳۹۲

۳- گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۷۶

Ⓒ از این ماده، قاعده ای به نام عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری ماهوی استنتاج می گردد.

Ⓒ عطف بماسبق نشدن بدین معنا است که اثر قانون نسبت به آینده است و به گذشته تسری نمی یابد.^۱

Ⓒ اگر قوانین کیفری را به گذشته عطف کنیم، یعنی اعمالی را مجازات کنیم که در زمان وقوع، جرم نبوده است، این کار با اصل قانونی بودن منافات دارد. به همین دلیل عطف بماسبق نشدن از آثار اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها ناشی می گردد.

Ⓒ در حقوق اسلام قاعده جبّ (الاسلام یجب ما قبله)، ناظر به عطف بماسبق نشدن قوانین است.^۲

Ⓒ اصل ۱۶۹ قانون اساسی، همچنین ماده ۱۰ قانون مجازات و ماده ۴ قانون مدنی بیانگر اصل عطف بماسبق نشدن می باشند.

Ⓒ استثنائاتی وجود دارد که قوانین کیفری به گذشته عطف می شوند. اما در این بین باید بین قوانین شکلی و قوانین ماهوی قائل به تفکیک شد:

الف) قوانین کیفری ماهوی:

قوانین کیفری ماهوی اصولاً به گذشته عطف نمی شوند. (اصل بر عطف به ما سبق نشدن است)^۳ مگر در برخی موارد استثنایی^۴:

- ۱- قانون جدید مبتنی بر عدم مجازات یا اقدامات تامینی و تربیتی باشد،
- ۲- قانون جدید مبتنی بر تخفیف باشد،
- ۳- قانون جدید از جهات دیگر مساعد به حال متهم باشد،
- ۴- خود مقنن تصریح به عطف شدن قانون جدید به گذشته نماید.

ب) قوانین کیفری شکلی:

قوانین کیفری شکلی (برخلاف قوانین کیفری ماهوی) اصولاً به گذشته عطف می شوند. مگر در برخی موارد استثنایی:

- ۱) قانون شکلی جدید بر خلاف حقوق مکتسبه باشد،
- ۲) خود قانونگذار تصریح کرده باشد که به گذشته عطف نشود. (مانند تبصره ۳ ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک)

۱- همان، ص ۲۲۹

۲- شمس ناتری، محمد ابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، انتشارات میزان، سال ۹۲، زیر نویس شماره ۱ ماده ۱۰ ق.م.ا.

۳- ویژگی این اصل به این شکل است که هرگاه مقنن در مورد عطف شدن یا نشدن قانون کیفری ماهوی به گذشته تصریحی ننموده باشد، به اصل باز می گردیم و می گوئیم قانون جدید به گذشته عطف نمی شود.

۴- این استثنائات در ماده ۱۰ ق.م.ا. پیش بینی شد است. نکته ای که باید به آن توجه داشت این که عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری ماهوی برابر با صدر ماده ۱۰ همان قانون و نیز رای وحدت رویه شماره ۴۵، مختص مقررات و نظامات دولتی است (تعزیرات). بنابراین حدود، قصاص و دیات همواره عطف به ما سبق می شوند. اما در مورد تعزیرات منصوص شرعی در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ تصریحی وجود ندارد.

© مطابق با ماده ۱۱ ق.م.ا قوانین زیر نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می شود:

- ۱- قوانین مربوط به تشکیلات قضایی و صلاحیت
- ۲- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم (در این مورد پرونده برای بررسی به دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال می شود)^۱
- ۳- قوانین مربوط به شیوه دادرسی
- ۴- قوانین مربوط به مرور زمان

<ol style="list-style-type: none"> ۱- قانون جدید بر خلاف حقوق مکتسبه افراد باشد. ۲- خود قانون گذار تصریح کرده باشد که به گذشته عطف نشود. 	}	۱- شدن قوانین کیفری شکلی است مگر اینکه	}	اصل بر عطف بماسق
<ol style="list-style-type: none"> ۱- تخفیف ۲- عدم اجرای مجازات یا اقدامات تامینی ۳- از هر جهت مساعد به حال متهم ۴- خود مقنن تصریح کرده باشد 	}	۲- نشدن قوانین کیفری ماهوی است مگر اینکه قانون ماهوی جدید مبتنی بر		

نکته: قوانین و احکام شرعی (حدود، قصاص و دیات) همواره عطف بماسبق می شوند.^۲

نکته: قوانین تفسیری همواره عطف بماسبق می شوند مگر اینکه مقنن در مقام تفسیر، مورد جدیدی را پیش بینی کرده باشد که در این حالت مورد جدید زمانی عطف می شود که شرایط فوق (مساعد بودن به حال متهم) را داشته باشد.^۳

* مواعد عطف بماسبق شدن قوانین کیفری:

الف) اگر پیش از صدور حکم قطعی باشد: حکم متناسب با قانون جدید صادر خواهد شد. (قرار منع تعقیب صادر می گردد)

ب) اگر پس از صدور حکم قطعی باشد: (در این فرض ۲ حالت وجود دارد)

۱- تبصره ی ماده ۱۱ ق.م.ا

۲- رأی وحدت رویه ۴۵ مورخ ۱۳۶۵

۳- اردبیلی، پیشین، ص ۲۳۴

- ۱- حالتی که قانون لاحق آن عمل را دیگر جرم نداند (قانون جرم زدا باشد)
۱. اگر مجازات اجراء نشده باشد، دیگر اجراء نخواهد شد.
 ۲. اگر در حال اجراء باشد، اجراء متوقف خواهد شد.
 ۳. اگر اجراء تمام شده باشد، فقط آثار آن از بین خواهد رفت.

۱- طبق ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی، قاضی اجرای حکم مکلف است قبل از شروع به اجرا یا در حین اجرا از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، اصلاح رای را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم علیه نیز (پیش بینی این حق برای محکوم علیه مسقط تکلیف قاضی اجرای حکم نیست و عبارت «نیز» بیانگر این موضوع می باشد) از دادگاه صادر کننده می تواند تقاضای تخفیف نماید.

۲- دادگاه مکلف است مطابق با قانون جدید مجازات را تخفیف دهد. (تکلیف برای دادگاه در راستای تفسیر به نفع متهم استنباط می گردد)

۳- این مقررات در مورد اقدامات تامینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجرا می شود هم جاری است (اقدامات تامینی در مورد مجانین مشمول حکم ماده نخواهد بود). در این صورت ولی یا سرپرست او نیز (عبارت «نیز» بیانگر این مطلب است که این افراد در کنار قاضی اجرای حکم این حق برایشان پیش بینی شده است و همچنان در این مورد نیز تکلیف قاضی اجرای حکم دائر بر درخواست اصلاح رای مطابق با قانون جدید از دادگاه صادر کننده رای قطعی برقرار می باشد)

۲- حالتی که قانون لاحق، مجازات مندرج در سابق را تخفیف می دهد

بند ۳ ماده ۱۱ ق.م.ا.مصوب ۷۰ مقرر می داشت «اگر مجازات جرمی به موجب قانون جدید به اقدامات تامینی و تربیتی تبدیل گردد فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت». این مقرر در قانون مجازات اسلامی جدید حذف گردیده است.^۱

گفتار سوم: قلمرو قوانین کیفری در مکان (اصول تعیین کننده صلاحیت کیفری)

* در رابطه با قلمرو قوانین کیفری در مکان ما با چهار نوع از صلاحیت سروکار داریم:

- ۱- صلاحیت سرزمینی
- ۲- صلاحیت شخصی
- ۳- صلاحیت واقعی
- ۴- صلاحیت جهانی

۱- برخی از حقوق دانان دلیل حذف این بند را انتفاء موضوعی ذکر کرده و قائل به عدم کاربرد آن در قانون مجازات اسلامی جدید هستند (مصدقی، حمید، شرح قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل، چاپ چهارم، سال ۹۲، زیر نویس شماره ۱۰ ماده ۱۰ ق.م.ا؛ اما برخی دیگر حکم این بند را در قوانین فعلی هم جاری می دانند (گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، زیر نویس شماره ۳-۸ ماده ۱۰ ق.م.ا)

بند اول: صلاحیت سرزمینی

مطابق با ماده ۳ ق.م.ا «قوانین جزائی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد».

این ماده بیان‌گر اصل صلاحیت سرزمینی است.

مطابق با اصل سرزمینی بودن جرایم قوانین جزایی نسبت به کلیه ساکنین کشور اعم از اتباع داخلی یا خارجی قابل اجراست ولی در خارج از سرحد کشور نفوذی ندارد.^۱

مبنای صلاحیت: محل وقوع جرم (قلمرو حاکمیت)

مرتکب جرم: کلیه اشخاص (ایرانی و غیر ایرانی)

نکته: عبارت «کلیه کسانی» مقرر در ماده ۳ ق.م.ا سابق، در قانون مجازات اسلامی جدید به «کلیه اشخاص» تغییر پیدا کرده است که هم شامل اشخاص حقوقی می‌شود و هم اشخاص حقیقی.^۲

ذیل ماده ۳ که مقرر می‌دارد «... مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد» در مقام بیان استثنائات صلاحیت سرزمینی است؛ یعنی مواردی که جرمی در داخل قلمرو حاکمیت ما واقع می‌شود اما صالح به رسیدگی نیستیم.^۳

۱- مصونیت سیاسی: یعنی نمی‌توان دیپلمات‌ها، ماموران سیاسی و دیگر افرادی که از این مصونیت برخوردار هستند را تحت تعقیب، رسیدگی و مجازات قرار داد. البته این امر شامل جرایم مشهود توسط مأمورین کنسولی نمی‌شود. طبق بند ۴ م ۳۱ کنوانسیون وین، به جرایم این افراد در کشور فرستنده رسیدگی خواهد شد.

همچنین به موجب ماده ۶ ق.م.ا اگر مأمورین سیاسی ما که در خارج از کشور از مصونیت برخوردارند مرتکب جرم شوند، در ایران به جرایم آن‌ها رسیدگی خواهد شد.

۲- مصونیت ناشی از ایفای وظایف نمایندگی: اصل تعرض ناپذیری در مورد نمایندگان در ایران بطور مطلق پذیرفته نشده و آن‌ها در صورت ارتکاب جرایم عادی (یعنی جرایمی غیر از ایفای وظایف نمایندگی) قابل تعقیب می‌باشند.

استثنائات صلاحیت سرزمینی

۱- گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۹۲

۲- گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، زیر نویس ماده ۳ ق.م.ا

۳- گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۹۹

۴- گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، زیر نویس شماره ۶ ماده ۳ ق.م.ا؛

نوع دیگری از صاحبیت سرزمینی در ماده ۴ ق.م.ا پیش بینی شده است که مطابق با آن «هر گاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است».^۱

Ⓒ برای تعیین محل وقوع جرم یا محل وقوع قسمتی از جرم، عنصر مادی ملاک می باشد و عنصر معنوی را از نظر جغرافیایی نمی توان از عنصر مادی جدا کرد.^۲

Ⓒ ماده ۴ صرفاً در مورد جرایم مقید و مرکب کاربرد دارد و مطلقاً مشمول جرایم مطلق و ساده نخواهد بود.^۳

بند دوم: صلاحیت شخصی

Ⓒ محل وقوع جرم: خارج از ایران

Ⓒ مبنای صلاحیت: تابعیت مرتکب

Ⓒ صلاحیت شخصی بر اساس تابعیت بزهکار و بزه دیده قابل تفکیک خواهد بود.

صلاحیت شخصی

۱. بزهکار محور: ارتکاب جرم توسط یکی از اتباع دولت (صلاحیت شخص فعال یا مثبت)

۲. بزه دیده محور: ارتکاب جرم علیه یکی از اتباع دولت در خارج از کشور (صلاحیت شخصی غیر فعال یا منفی)

۱- صلاحیت شخصی فعال یا مثبت (بزهکار محور)

مطابق با ماده ۷ ق.م.ا «علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هریک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود. در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد. طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می شود مشروط بر اینکه:

الف- رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.

ب- در صورتی که جرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر باشد. متمم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت. مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

پ- طبق قوانین ایران موجبی برای منح یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد. طبق این اصل قوانین جزایی نسبت به کلیه اتباع یک کشور قابل اعمال است اعم از اینکه در داخل یا خارج از کشور اتفاق افتاده باشد».

Ⓒ مبنای صلاحیت : تابعیت مرتکب (ایرانی)

۱- منظور از قسمتی از جرم، بخشی از عملیات اجرایی است نه تهیه مقدمات. بنابراین اگر شخصی در ایران اسلحه ای بخرد و در کشور همسایه مرتکب قتل شود نمی توان گفت قسمتی از جرم در ایران واقع شده است. (گلدوزیان، محشای قانون مجازات، زیر نویس شماره ۲ ماده ۴ ق.م.ا) ما اگر در ایران متوسل به وسایل متقلبانه شده و در ترکیه مال دیگری را ببرد، چون قسمتی از عملیات اجرایی (توسل به وسایل متقلبانه) در ایران واقع شده بنابراین در حکم جرم واقع شده در ایران محسوب و قابل تعقیب برابر با صلاحیت سرزمینی در ایران خواهد بود.

۲- همان، زیر نویس شماره ۵ ماده ۴ ق.م.ا

۳- همان، زیر نویس شماره ۱ ماده ۴ ق.م.ا

نکته: ترک تابعیت ایران پس از ارتکاب جرم مانع از محاکمه وی در ایران نخواهد بود.^۱

محل وقوع جرم: خارج از ایران

نکته: طبق ماده ۷ ق.م.ا، محاکمه و مجازات مرتکب در ایران منوط به یافت شدن وی یا اعاده او به ایران است. بنابراین

امکان رسیدگی غیابی وجود ندارد.

نکته: بر خلاف مواد ۳، ۵ و ۸ ق.م.ا، مقنن در این ماده از اصطلاح «اتباع» به جای «اشخاص» استفاده نموده بنابراین این ماده شامل اشخاص حقوقی نمی شود.

نکته: رفتار ارتكابی باید به موجب قانون ایران جرم باشد. (قانون ایران ملاک می باشد)

نکته: در مورد این نوع صلاحیت شخصی، مقنن **قاعده منع محاکمه مجدد** را در **تعزیرات** پیش بینی کرده است. به موجب این قاعده اگر مرتکب **در جرایم تعزیری در خارج از ایران** (فقط محل وقوع جرم) محاکمه یا مجازات شده یا تبرئه گردیده، دیگر در ایران قابل محاکمه و مجازات نخواهد بود.

م به موجب قانون ایران (در جرایم تعزیری)، موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن باشد، در ایران مرتکب قابل محاکمه و مجازات نخواهد بود.

نکته: قاعده منع محاکمه مجدد در تعزیرات پیش بینی شده ولی در مورد تعزیرات هم استثنائاتی وجود دارد. به موجب تبصره ۲ م ۱۱۵ ق.م.ا شامل **تعزیرات منصوص شرعی نخواهد شد**^۲. بنابراین اگر ایرانی در خارج از ایران مرتکب تعزیر منصوص شرعی شود، قاعده منع محاکمه مجدد اعمال نخواهد شد.

نکته: مرتکبین مشمول ماده ۷ ق.م.ا در **دادگاه محل دستگیری** محاکمه خواهند شد. مطابق با ماده ۳۱۶ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲ «به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند، حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و چنانچه از اتباع بیگانه باشند حسب مورد، در دادگاه تهران رسیدگی می شود».

۱- نظریه مشورتی ۷/۸۰۷۳ مورخ ۸۲ اداره حقوقی قوه قضائیه

۲- مطابق با نظریه مشورتی ۱۰۱۹/۷ مورخ ۹۲، تعزیرت منصوص شرعی به تعزیراتی گفته می شود که در شرع مقدس اسلام، برای یک عمل معین، نوع و مقدار کیفر مشخص شده باشد. بنابراین مواردی که در روایات و یا هر دلیل شرعی دیگر، به طور کلی و مطلق برای عملی تعزیر مقرر گردیده و نوع و مقدار آن معین نگردیده است، تعزیر منصوص شرعی محسوب نمی گردد.

۲- صلاحیت شخصی غیر فعال یا منفی (بزه دیده محور)

مطابق با ماده ۸ ق.م.ا «هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود. مشروط بر اینکه:

الف- متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

ب- رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد».

⊖ مبنای صلاحیت : تابعیت بزه دیده

نکته: مرتکب باید غیر ایرانی و بزه دیده ایرانی باشد. در صورتی که مرتکب ایرانی باشد مشمول ماده ۷ خواهد بود.^۱

⊖ محل وقوع جرم : خارج از قلمرو حاکمیت ایران

⊖ نوع جرم : هر جرمی (در مورد جرایم علیه کشور ایران، به جز جرایم مندرج در مواد ۵ و ۶ این قانون)

نکته: عبارت «هر شخص» مقرر در صدر ماده ۸ ق.م.ا، هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی را در بر می‌گیرد.^۲

⊖ مرتکب زمانی در ایران محاکمه خواهد شد که در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد. (امکان رسیدگی غیابی وجود ندارد)

⊖ در این مورد نیز قاعده منع محاکمه مجدد پیش بینی شده است. (در تعزیرات به غیر از تعزیرات منصوص شرعی)

⊖ رفتار ارتكابی باید به موجب قانون هر دو کشور جرم باشد. (اصل مجرمیت متقابل)^۳

⊖ محتوای بند «پ» ماده ۷ ق.م.ا، در ماده ۸ همان قانون پیش بینی نشده است.^۴

⊖ در این نوع صلاحیت (بزه دیده محور) یک غیر ایرانی در خارج از ایران بر روی یک ایرانی مرتکب جرم می‌شود. دقت شود اگر مرتکب جرم ایرانی باشد، بر اساس صلاحیت شخص فعال (بزه‌کار محور) در ایران قابل محاکمه خواهد بود.

نکته: مرتکبین مشمول ماده ۸ ق.م.ا حسب مورد در دادگاه تهران محاکمه خواهند شد.^۵ مطابق با ماده ۳۱۶ ق.آ.د.ک

مصوب ۹۲ «به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می‌شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های

ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند، حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و چنانچه از اتباع بیگانه باشند حسب مورد، در دادگاه تهران رسیدگی می‌شود».

۱- همسو با این نظر ر.ک. شمس ناتری، پیشین، زیر نویس شماره ۴ ماده ۸ ق.م.ا.

۲- گلدوزیان، پیشین، زیر نویس شماره ۱ ماده ۵ ق.م.ا.

۳- بر خلاف ماده ۷ ق.م.ا که فقط قانون ایران ملاک می‌باشد.

۴- طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.

۵- مراد از «حسب مورد، در دادگاه تهران»، دادگاه‌های کیفری ۱، ۲، انقلاب یا اطفال و نوجوانان تهران بسته به نوع جرم و ویژگی مرتکب صلاحیت خواهند داشت.

بند سوم: اصل صلاحیت واقعی

طبق ماده ۵ ق.م.ا «هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد. طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود. دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می‌کند:

الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران

ب- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن

پ- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس جمهور یا استفاده از آنها

ت- جعل آراء مراجع قضائی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها

ث- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادر شده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل»

● **مبنای صلاحیت:** منافع عالی حاکمیت

● **نوع جرم:** جرایم مندرج در ماده ۵ ق.م.ا یا جرایم مقرر در قوانین خاص

● **مرتکب جرم:** ایرانی یا غیر ایرانی

● **محل وقوع جرم:** خارج از قلمرو حاکمیت ایران

● **جرایم مقرر در ماده ۵ ق.م.ا:** حصری است.

نکته: عبارت «هر شخص» مقرر در صدر ماده ۵ ق.م.ا، هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی را در بر می‌گیرد.^۱

نکته: در مورد رهبری هم مصادیق رسمی و هم مصادیق غیر رسمی را شامل می‌شود اما در مورد اشخاص مندرج در بند «پ» فقط مصادیق رسمی را شامل خواهد شد.

نکته: به موجب بند «پ»، ماده فقط شامل رئیس مجلس خبرگان می‌شود و اعضاء آن را در بر نمی‌گیرد.

نکته: مراجع قضایی مراجعی است که تصدی گری آن را قضاوت بر عهده دارند (دادسرا، دادگاه).^۲

نکته: اجرائیه‌های صادر شده از «سایر مراجع قانونی» مانند شورای حل اختلاف^۳ یا غیر آن مانند اداره ثبت.

نکته: منظور از اسکناس و مسکوکات «رایج»، پول قانونی یک کشور بوده و آنهایی که داخل در چرخه پولی کشور می‌باشند را شامل می‌گردد.^۴ بنابراین جعل اسکناس ها و تهیه و ترویج مسکوکاتی که از چرخه پولی کشور خارج گردیدند (مانند اسکناس و سکه ۲۰۰ ریالی) مشمول ماده نخواهند بود.

۱- گلدوزیان، پیشین، زیر نویس شماره ۱ ماده ۵ ق.م.ا

۲- خالقی، پیشین، ص ۳۴۸؛

۳- دکتر خالقی شورای حل اختلاف را یک مرجع غیر قضایی می‌داند. (همان)

۴- صادقی، میر محمد، حقوق کیفری اختصاصی، جلد ۳، انتشارات میزان، سال ۸۷، ص ۲۶۹

نکته: ترویج سکه قلب یعنی این که کسی با علم به فساد سکه آن را داخل در چرخه پولی کشور نماید، حتی صدقه دادن آن هم نوعی ترویج است.^۱

نکته: جعل اسکناس خارجی برابر با ماده ۵ ق.م.ا، و بر اساس صلاحیت واقعی پیش بینی نشده است. بنابراین اگر ایرانی اسکناس خارجی را در خارج از کشور جعل نماید بر اساس صلاحیت شخصی در ایران قابل مجازات است نه صلاحیت واقعی. اما اگر اسکناس مجعول، اسکناس رایج ایران باشد، ایرانی بر اساس صلاحیت واقعی در ایران قابل مجازات خواهد بود نه صلاحیت شخصی.

نکته: در مورد مصادیق بند «ث» فقط جعل پیش بینی شده و استفاده از مصادیق مجعول مندرج در این بند، بر مبنای صلاحیت واقعی در ایران قابل مجازات نخواهد بود. در مورد مسکوکات، مقنن از مصادیق «ساختن»، «ضرب»، «مورد معامله قرار دادن» و ... به «تهیه» و «ترویج» اکتفا نموده است.^۲

نکته: دادگاه ایران در تعیین مجازات **تعزیری** فقط **محکومیت اجرا شده** را لحاظ خواهد کرد. (بر خلاف ماده ۷ و ۸ ق.م.ا که مقنن قاعده منع محاکمه مجدد را با شرایطی مورد پذیرش قرار داده است اما در مورد ماده ۵ ق.م.ا قاعده منع مجازات مضاعف را به صورت مشروط می پذیرد)^۳

نکته: ماده اشعار می دارد «هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجراء آن منتهی شده باشد». اما در ماده ۷ و ۸ مقرر داشته «متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه ...». در اینجا رسیدگی «خارج از ایران» بر خلاف ماده ۷ و ۸ محدود به رسیدگی در «محل وقوع جرم» نیست و هر کجا رسیدگی شده باشد در مجازات مجدد احتساب خواهد شد.

نکته: منظور قانون گذار از جرایم مندرج در قوانین خاص مشخص نیست. به نظر منظور از «جرایم مندرج در قوانین خاص»، مواردی مانند ماده ۷ قانون قاچاق انسان مصوب ۸۳ می باشد که ارتکاب جرم های موضوع این قانون در خارج از کشور را مشمول قانون فوق می داند.^۴

نکته: در این مورد محاکمه مرتکب به اعاده یا یافت شدن وی در ایران محدود نگردیده و می توان به صورتی غیابی به جرایم وی رسیدگی کرد.^۵

۱- همان، ص ۳۴۳

۲- فصل چهارم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی به عنوان «تهیه و ترویج سکه قلب» اختصاص داده و ذیل آن مصادیق دیگری مانند «مورد معامله قرار دادن» را هم شامل می گردد. حال آیا منظور مقنن اشاره به فصل مقرر در کتاب پنجم و همه مصادیق آن فصل می باشد یا صرفاً ذکر مصادیق نموده است؟ تفسیر به نفع متهم برداشت اخیر را تداعی می نماید و محدود به مصادیق مذکور در بند «ث» ماده ۵ ق.م.ا خواهد بود.

۳- همسو با این نظر ر.ک. شمس ناتری، پیشین، زیر نویس شماره ۳ ماده ۵ ق.م.ا.

۴- آقایی جنت مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، جلد نخست، انتشارات جنگل، سال ۹۱، ص ۱۸۵

۵- همسو با این نظر ر.ک. گلدوزیان، پیشین، زیر نویس شماره ۲ ماده ۵ ق.م.ا.

*** نوع دیگری از صلاحیت واقعی در ماده ۶ ق.م.ا پیش بینی شده است.**

طبق ماده ۶ ق.م.ا «به جرائم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیرایرانی که در رابطه با شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده اند و به جرائم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران رسیدگی می‌شود».

⊖ **مرتکب جرم:** مستخدمان دولت (اعم از ایرانی و غیر ایرانی)

نکته: رابطه استخدامی اعم از رسمی یا غیر رسمی - دائم یا موقت

⊖ **محل وقوع جرم:** خارج از قلمرو حاکمیت ایران

⊖ **نوع جرم:** هر جرمی که به مناسبت شغل یا وظیفه باشد

⊖ قسمت اول ماده در مورد مستخدمان دولت، نوع دیگری از صلاحیت واقعی و ذیل ماده در مورد مأموران سیاسی، کنسولی و... داخل در صلاحیت شخصی^۱.

نکته: قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در این ماده پیش بینی نشده است.

نکته: از واژه «جرائم» مشخص نمی‌شود که عمل باید به موجب قانون ایران جرم باشد یا کشور بیگانه اما به نظر می‌رسد جرم بودن عمل در ایران شرط باشد.^۲

بند چهارم: صلاحیت جهانی (بین المللی)

مطابق با ماده ۹ ق.م.ا «مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود. اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد».

⊖ این ماده بیانگر اصل صلاحیت جهانی یا بین المللی است.

⊖ **مرتکب جرم:** غیر ایرانی^۳

⊖ **محل وقوع جرم:** محل وقوع جرم (که باید خارج از ایران واقع شده باشد) در این مورد ملاک نیست و آنچه

اهمیت دارد یافت شدن مرتکب در ایران می‌باشد. (محل دستگیری ملاک است)

۱- شمس ناتری، پیشین، زیر نویس شماره ۱ ماده ۶ ق.م.ا

۲- گلدوزیان، پیشین، زیر نویس شماره ۱ ماده ۶ ق.م.ا

۳- این صلاحیت یک صلاحیت تکمیلی است و در صورت عدم اعمال صلاحیت های سه گانه دیگر (سرزمینی، شخصی یا واقعی) قابل اعمال خواهد بود (شمس ناتری،

پیشین، زیر نویس شماره ۱-۵ ق.م.ا

© برخی از جرایم علیه دولت معینی نیستند بنابراین در هر جا متهم دستگیر شد صرف نظر از محل وقوع جرم، در دادگاه محل دستگیری محاکمه می شود. از مهمترین این جرایم می توان به قاچاق مواد مخدر، دزدی دریایی، هواپیما ربایی و ... اشاره کرد.^۱

* استرداد:

اینکه در برخی مواد مربوط به صلاحیت، محاکمه متهم منوط به اعاده وی به ایران شده است، باید گفت که این اعاده به موجب قانون استرداد صورت می گیرد. دولت ها می توانند براساس صلاحیت سرزمینی، شخصی و واقعی تقاضای استرداد نماید. مثلا شخصی در ترکیه مرتکب جرم شده و به ایران متواری گردیده است، دولت ترکیه می تواند بر اساس صلاحیت سرزمینی تقاضای استرداد نماید چون جرم در قلمرو حاکمیت آن کشور واقع شده است.

استثنائات پاسخ به تقاضای استرداد

۱- غیر قابل استرداد بودن اتباع داخلی
 ۲- غیر قابل استرداد بودن مجرمین سیاسی و نظامی
 ۳- قابل تعقیب بودن شخص مورد تقاضا در ایران

اگر چند کشور در مورد یک مرتکب تقاضای استرداد نمایند، ایران به موجب حق تقدم (ماده ۱۲ قانون استرداد مصوب ۱۳۳۹) به این تقاضاها رسیدگی خواهد کرد.

۱. اهمیت جرم
 ۲. محل وقوع جرم
 ۳. تاریخ تقاضای استرداد
 ۴. تعهداتی که دولت تقاضا کننده نسبت به رد مجرم می نماید

۱- گلدوزیان، پیشین، زیر نویس شماره ۲ ماده ۹ ق.م.ا.

گفتار چهارم: عوامل موجه جرم

- Ⓒ در راستای بررسی عنصر قانونی و آثار آن (تفسیر مضیق و عطف بمسابق نشدن) عواملی را بررسی می کنیم که باعث زوال عنصر قانونی می شوند که از آنها به عنوان عوامل موجه جرم یاد می شود.
- Ⓒ از عوامل موجه جرم به اسباب اباحه و نیز اسباب عینی عدم مسئولیت نیز یاد کرده اند.^۱
- Ⓒ عوامل موجه جرم کیفیاتی هستند عینی و خارجی.
- Ⓒ علاوه بر مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی را هم زایل می کند. (البته استثنائاتی هم دارند)
- Ⓒ عوامل موجه به فعل مرتکب مربوط می شود نه به شخص او.
- Ⓒ علاوه بر فاعل، شریک و معاون جرم را نیز از مجازات و مسئولیت معاف می کند.^۲

*عوامل موجه جرم عبارت است از:

۱. امر قانونی مقام ذی صلاح،
۲. حکم قانون،
۳. اجازه قانون،
۴. اجرای قانون اهم
۵. دفاع مشروع
۶. ضرورت
۷. رضایت مجنی علیه

بند اول) امر قانونی مقام ذی صلاح

- Ⓒ به استناد بند پ ماده ۱۵۸ ق.م.ا «در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد» قابل مجازات نخواهد بود.

- | | | |
|--|---|---|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱. امر آمر، خلاف شرع نباشد (قانونی باشد) ۲. امر نیز قانوناً حق صدور آن امر را دارا باشد (ذی صلاح) | } | بنابراین برای اینکه امر آمر از علل موجهه جرم محسوب گردد |
|--|---|---|

- Ⓒ شرط دیگری که در ماده به آن اشار نشده این است که مامور هم قانوناً مکلف به اجرای امر باشد. بنابراین انجام تفتیش و بازرسی توسط مدیر دفتر دادگاه مشمول ماده نخواهد بود. هر چند که امر قانونی و آمر ذی صلاح باشد.

۱- اردبیلی، پیشین، جلد ۱، ص ۲۴۸

۲- همان

⊖ امر آمر قانونی اختصاص به کارمندان و ماموران دولتی اعم از کشوری و لشکری دارد. بنابراین شامل دستور شوهر به زن یا کارفرما به کارگر و ... نمی شود.^۱

⊖ منظور از امر، دستور الزامی است.

⊖ امر باید قانونی باشد، یعنی در چهارچوب مقررات صادر شده باشد.

⊖ مقام ذی صلاح کسی است که به موجب قانون صلاحیت صدور دستور را داشته باشد.

⊖ بنابراین ضابطین دادگستری که در مقام اجرای دستور مقام قضایی فردی را جلب می نمایند، چون این اقدام در مقام اجرای امر آمر قانونی و ذی صلاح انجام گرفته است، جرم محسوب نمی گردد.

نکته: اگر به امر غیر قانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود مسئولیت متوجه هر دو (هم آمر و هم مامور) می گردد. به حکم ماده ۱۵۹ ق.م.ا «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند لکن مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجراء کرده باشد، مجازات نمی شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است».

نکته: «اشتباه» مامور در صورتی وی را از مسولیت مبرا خواهد نمود که «قابل قبول» باشد و تشخیص قابل قبول بودن اشتباه، امری موضوعی و با دادگاه است.^۲

نکته: منظور از «اشتباه»، همان شبه حکمی است.

نکته: در برخی موارد علت عدم مسئولیت مامور، به علت اکراه وی می باشد. ماده ۵۸۰ ق.م.ا مقرر می دارد «هریک از مستخدمین و مامورین قضائی یا غیرقضائی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجراء خواهد شد...».

نکته: مقنن امر «قانونی» آمر را زمانی از عوامل موجهه لحاظ می نماید که امر مذکور خلاف «شرع» نباشد. آیا این تاکید از باب تمییز بین قانون با شرع می باشد؟ آیا توقع آگاهی مامور از احکام شرعی توقع به جایی است؟ به عقیده برخی از حقوق دانان مفهوم شرع اعم از قانون است چراکه اعتبار قوانین موکول به عدم مغایرت آنها با شرع گردیده.^۳

نکته: اگر امر قانونی بوده و آمر نیز ذی صلاح باشد، مسئولیت مدنی نیز مرتفع خواهد بود. در این خصوص ماده ۴۷۳ ق.م.ا مقرر می دارد «هرگاه مأموری در اجرای وظایف قانونی، عملی را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود، دیه برعهده بیت‌المال است».^۴

۱- گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی، ص ۱۱۲

۲- اردبیلی، پیشین، جلد ۱، ص ۲۶۹

۳- گلدوزیان، پیشین، ص ۱۱۲

۴- اردبیلی، پیشین، جلد ۱، ص ۲۷۰

بند دوم (حکم قانون

- ⊖ طبق بند «الف» ماده ۱۵۸ ق.م.ا «در مواردی که ارتکاب عمل به حکم یا ... قانون باشد» قابل مجازات نیست.
- ⊖ اعمالی که انجام دادن آنها در شرایط عادی جرم تلقی می شود اگر به حکم قانون انجام یابد، قابل مجازات نخواهد بود.
- ⊖ مثلاً طبق ماده ۶۴۸ ق.م.ا کتاب تعزیرات، افشای اسرار حرفه ای، جرم محسوب می گردد. از طرف دیگر مطابق با ماده ۳ قانون طرز جلوگیری از بیماری های آمیزشی و بیماری های واگیردار مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۲۰، پزشک مکلف شده در صورت مشاهده بیماری های واگیردار مراتب را به وزارت بهداشت و درمان گزارش کند. در این حالت افشای اسرار حرفه ای، با استناد به ماده ۳ قانون اخیرالذکر قابل مجازات نخواهد بود چون دلیل مباح بودن عمل پزشک، حکم قانونگذار می باشد.^۱

بند سوم (اجازه قانونی

- ⊖ قانونگذار در بندهای «الف» و «ت» ماده ۱۵۸ ق.م.ا، اجازه قانون را نیز از اسباب اباحه شناخته است.
- ⊖ طبق بند «الف» ماده ۱۵۸ ق.م.ا، «در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد» قابل مجازات نخواهد بود. همچنین بند «ت» همان ماده مقرر می دارد «اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می شود، منوط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و مجازات باشد».
- ⊖ اقدامات باید با هدف «تأدیب» یا «حفاظت» انجام می شود.
- ⊖ اقدامات باید در حد «متعارف» و «حدود شرعی» انجام گیرد.
- ⊖ منظور از والدین، پدر و مادر هستند.
- ⊖ منظور از اولیاء قانونی، پدر، جد پدری و وصی منصوب از جانب آن ها است.^۲

نکته: منظور از سرپرستان، پدر و مادرانی هستند که با توافق یکدیگر کودک را با تصویب دادگاه و به موجب قانون حمایت از کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۵۳ به سرپرستی پذیرفته اند. به موجب ماده ۱۱ همین قانون «وظایف و تکالیف سرپرست طفل تحت سرپرستی او از لحاظ نگهداری، تربیت، نفقه و احترام، نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر است». همچنین ماده ۳ قانون نحوه ی اهدا جنین به زوجین نابارور مصوب ۸۲، زوج هایی که بچه دار نمی شوند و جنین اهدایی دیگران را پرورش می دهند از حیث نگهداری و تربیت و سایر حقوق و تکالیف همانند پدر و مادر شناخته است.^۳

۱- اردبیلی، پیشین، جلد ۱، ص ۲۶۰

۲- برابر با مواد ۱۱۸۰، ۱۱۸۱ و ۱۱۸۲ قانون مدنی، اولیای قانونی منحصراً پدر و جد پدری است. بنابراین اشخاص دیگر از جمله آموزگاران، اولیای قانونی محسوب نمی شوند و از مجازات معاف نیستند. برای مثال آموزگاری که شاگردی را در کلاس حبس کند ممکن است به دلیل حبس و توقیف غیر قانونی موضوع ماده ۵۸۳ ق.م.ا از کتاب تعزیرات مورد تعقیب قرار گیرد (گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی، ص ۱۳۶)

۳- اردبیلی، پیشین، ص ۲۶۱

بند چهارم) ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم

- ⊖ طبق بند «ب» ماده ۱۵۸ ق.م.ا «در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد» قابل مجازات نخواهد بود.
- ⊖ در این فرض اجرای حکم قانون مستلزم نقض حکم قانون دیگر است. این حالت را اصطلاحاً تراحم اهم و مهم می نامند. منظور از اجرای قانون اهم، فرونشاندن اجرای قانون مهم است.^۱
- ⊖ تخریب در جهت اطفای حریق و نجات دیگری، سلب آزادی شخص متعرض در هنگام عمل جراحی توسط پزشک یا نقض مقررات راهنمایی برای نجات بیمار مصادیقی از اجرای قانون اهم می باشد.^۲ مثلاً تخریب، در شرایط عادی جرم است اما اگر در جهت اطفای حریق یا نجات جان دیگری باشد یا نقض مقررات راهنمایی و رانندگی برای نجات بیمار باشد، قابل مجازات نخواهد بود.
- ⊖ تشخیص قانون مهم از اهم همیشه کار آسانی نیست به همین دلیل برخی از حقوق دانان حکم این بند را با توجه به وظیفه ی اجرای قانون توسط مامورین دولتی محدود بر ایشان می دانند^۳ و از منظر برخی دیگر در مورد افراد عادی نیز پذیرفته شده است.^۴

بند پنجم) دفاع مشروع

- طبق ماده ۱۵۶ ق.م.ا «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود. که طبق قانون جرم محسوب می شود. در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نخواهد شد:
- الف) رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.
- ب) دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.
- پ) خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.
- ت) توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در فح تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود».

- ⊖ دفاع مشروع قدرتی بازدارنده است که با هدف جلوگیری از خطراتی است که رهایی از آن جز با ارتکاب جرم ممکن نیست.^۵
- ⊖ عامل تهدید در دفاع مشروع باید «انسان» باشد و این خصوصیت را می توان از وجوه تمایز بین دفاع مشروع و ضرورت دانست.^۶

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۲۶۳

۲- گلدوزیان، پیشین، ص ۱۱۷

۳- نوربها، پیشین، ص ۲۷۳

۴- گلدوزیان، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، ص ۲۸

۵- اردبیلی، پیشین، ص ۲۸۵

۶- شمس ناتری، پیشین، زیر نویس شماره ۵-۲-۱-۴ ماده ۱۵۶ ق.م.ا

* شرایط مقرر برای دفاع مشروع:

۱- تجاوز فعلی یا قریب الوقوع باشد:

- ⊖ این شرط در این قسمت از ماده ۱۵۶ ق.م.ا؛ «در برابر هرگونه تجاوز فعلی یا قریب الوقوع» مقرر شده است.
- ⊖ تجاوز یا خطر باید به مرحله «فعلیت» رسیده باشد یا برای مدافع یقین حاصل شود که تعرض و تجاوز «قریب الوقوع» است و این یقین مستند به «قرائن معقول» یا «خوف عقلایی» باشد.^۱
- ⊖ دفاع در مقابل حمله ای که در گذشته بوده (انتقام جویی) جایز نیست، همچنین دفاع در مقابل خطر محتمل در آینده (پیشگیری) جایز نمی باشد.^۲

۲- تجاوز باید غیر قانونی باشد:

- ⊖ این شرط در صدر ماده ۱۵۷ ق.م.ا پیش بینی شده است «مقاومت در برابر قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی شود».
- ⊖ علی رغم این که دفاع در برابر تجاوز قانونی داخل در مباحث دفاع مشروع نیست، بلکه به موجب ماده ۶۰۷ ق.م.ا ترمرد محسوب می گردد؛ «هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مامورین دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید ترمرد محسوب می شود».
- ⊖ استثناء در برخی موارد مقنن دفاع در برابر مامورین دولتی را اجازه داده است. به حکم ماده ۱۵۷ ق.م.ا «هرگاه قوای انتظامی و دیگر ضابطین دادگستری از حدود وظایف خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل، جرح^۳، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد دفاع جایز خواهد بود».

نکته: شرایطی که می توان در برابر مأمورین نظامی و انتظامی به دفاع متوسل شد:

- | | | | | |
|-----------|---|---------------|---|--|
| خواه شد . | { | قتل | } | (الف) از حدود وظایف خارج شوند. |
| | | جرح | | |
| | | تعرض به عرض | | |
| | | تعرض به ناموس | | |
| | | تعرض به مال | | (ب) حسب ادله و قرائن خوف آن باشد که عمل آنها منجر به |

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۲۹۰

۲- گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی، ص ۱۲۳

۳- دفاع از «ضرب» و «آزادی تن» در برابر مامورین دولتی پیش بینی نشده است.

۳- ضرورت دفاع:

⊖ به حکم بند الف ماده ۱۵۶ ق.م.ا؛ باید «رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد»

⊖ ضرورت دفاع یعنی این که ارتكاب جرم تنها راه رهایی از عواقب خطر باشد.

هرگاه مدافع بتواند به طریق غیر از ارتكاب جرم خطر را دفع نماید ولی علیه متجاوز متوسل به جرم شود، دفاع او مشروع نخواهد بود.^۱

⊖ نتیجه ای که از شرط ضرورت دفاع حاصل می گردد این است که هرگاه توسل به قوای دولتی ممکن باشد، دفاع منتفی است.^۲ شاید بتوان اولین شرط استناد به دفاع مشروع را ممکن نبودن «توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت» یا موثر واقع نشدن «مداخله آنان در دفع تجاوز» دانست.

۴- فقدان تحریک قبلی:

⊖ مطابق با بند ث ماده ۱۵۶ ق.م.ا «خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد»

بنابراین دفاع در برابر رد تجاوز و دفع خطری که از تحریک و اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد سرچشمه می گیرد مشروع تلقی نمی گردد. برای مثال کسی که به عنف وارد حریم خانه دیگری شده است نمی تواند در برابر صاحب خانه که چنین رفتاری را مقدمه ای برای تعرض به جان یا مال یا ناموس خود تشخیص داده و برای جلوگیری از وقوع این تعرض، به زور متوسل گردیده و در مقام دفاع بر آمده باشد به دفاع استناد کند ولو اینکه دفاع در برابر صاحب خانه واجد تمام شرایط دفاع مشروع باشد.^۳

۶- رعایت مراحل دفاع:

این شرط در خود ماده ۱۵۶ ق.م.ا که مقرر می کند «...با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود، که طبق قانون جرم محسوب می شود...»

با این که مقنن مراحل را برای دفاع مقرر نکرده است اما به عقیده برخی از حقوق دانان مقنن از مدافع انتظار دارد متناسب با شدت و ضعف تجاوز و خطری که او را تهدید می کند واکنشی مرحله به مرحله از خود نشان دهد. یعنی اگر مثلاً با فریاد زدن و تهدید متجاوز را از رفتار خود منصرف نماید به همین اندازه بستنده نماید و اگر متجاوز ادام دهد در مرحله بعد رفتار شدید تری از خود نشان دهد.^۴

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۲۹۲

۲- همان

۳- همان، ص ۲۹۴

۴- همان، ص ۲۹۵

«رعایت مراحل دفاع» را باید جایگزین بند الف ماده ۶۰ ق.م.ا.پیشین دانست که مقرر می کرد «دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد». مقنن با حذف اصل تناسب دفاع با خطر به رعایت مراحل دفاع اکتفا نموده هر چند ممکن است دفاع با خطر متناسب نباشد اما آنچنان که برخی از حقوق دانان نیز اشاره کرده اند دفاع باید دست کم تجانس با رفتار متجاوز داشت باشد.^۱

* دفاع از دیگری:

برابر با تبصره ۱ ماده ۱۵۶ ق.م.ا. «دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع کننده بوده یا مسؤلیت دفاع از وی برعهده دفاع کننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد».

نکته: شرایط دفاع از دیگری:

- دفاع کننده از نزدیکان مدافع باشد. (منظور از نزدیکان همه ی کسانی است که با مدافع خویشاوندی یا رابطه دوستی دارند)^۲
- مسؤلیت دفاع از وی بر عهده دفاع کننده باشد. (بر عهده بودن مسؤلیت دفاع از دیگری چه به موجب قانون باشد چه به موجب قرارداد فرقی نمی کند)^۳
- مدافع ناتوان از دفاع باشد. (ناتوانی چه از نظر جسمی باشد چه از نظر روحی فرقی نمی کند)
- مدافع تقاضای کمک نماید.
- مدافع در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد. (مثلاً فردی که دست و پا و دهانش بسته شده باشد و بتوان ناله ها و رفتاش را استمداد تلقی نمود)

در غیر موارد فوق «دفاع از دیگری» داخل در دفاع مشروع نخواهد بود.

وجود هر کدام از شرایط مندرج در تبصره ۱ کافی نیست و علاوه بر آن باید شرایط مقرر در ماده ۱۵۶ ق.م.ا. نیز رعایت گردد. مثلاً صرف وجود رابطه خویشاوندی کافی برای دفاع از دیگری نبوده و اگر امکان توسط به قوای دولتی وجود داشته باشد، مداخله خویشاوند در دفع تجاوز، دفاع مشروع تلقی نخواهد شد.^۴

نکته: در مورد مسؤلیت مدنی در دفاع از دیگری ماده ۵۱۰ ق.م.ا. مقرر می دارد «هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن نیست».

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۲۹۵

۲- همان، ص ۲۹۸

۳- همان

۴- تبصره ۱ ماده ۱۵۶ ق.م.ا.

* موضوعات دفاع:

- نفس (هر رفتاری اعم از قتل، جرح، ضرب تجاوز به نفس محسوب می گردد)،
- عرض (یکی از معانی عرض، آبرو و شرافت است؛ هرگونه رفتاری که حیثیت اجتماعی و عفت خانوادگی و شرافت اخلاقی شخص را جریحه دار کند)،^۱
- ناموس (منظور از ناموس، عفت خود یا عصمت خانوادگی انسان است؛ در اصطلاح هرگونه رفتار اعم از ملامسه و برقرار کردن رابطه نامشروع جنسی، تجاوز به ناموس محسوب می گردد)،^۲
- مال، (تجاوز به مال عبارت است از بردن، تخریب عمدی آن و استفاده از آن بدون رضایت. مال اعم از منقول یا غیر منقول)^۳
- آزادی تن (مثل دفاع در مقابل آدم ربایی یا بازداشت غیر قانونی و یا هر رفتاری که مانع از تحرک انسان گردد)

☉ همه این موارد در مورد دفاع از دیگری نیز صادق است.

* سایر مقررات مربوط به دفاع مشروع:

نکته: اگر شخصی برای دفاع و رهایی از اکراه با رعایت شرایط مقرر در دفاع مشروع، مرتکب قتل اکراه کننده شود یا آسیبی به او وارد کند، قصاص، دیه و تعزیر ندارد.^۴

نکته: هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد (شرایط دفاع در صدر ماده و بندهای «الف» الی «ت» ماده ۱۵۶ ق.م.ا پیش بینی شده است) اثبات عدم رعایت شرایط دفاع بر عهده مهاجم است.^۵

نکته: در دفاع مشروع علاوه بر مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی نیز منتفی است. اما در مورد تهاجم دیوانه، دیه از بیت المال پرداخت خواهد شد.^۶

نکته: تبصره ۲ ماده ۳۰۲ ق.م.ا مقرر می دارد «چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص منتفی است، لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می شود».

☉ مواد ۶۲۵ الی ۶۲۹ ق.م.ا از کتاب تعزیرات در رابطه با دفاع مشروع با تصویب ماده ۷۲۸ ق.م.ا جدید نسخ گردیده اند.

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۲۹۷

۲- همان؛ تعرض به ناموس به صورت تجاوز به زنان خانواده اعم از همسر، مادر، خواهر و اولاد دختر و لکه دار نمودن عفت و عصمت آنان است. در همین حال تعرض به برادر و اولاد پسر شخص نیز عرفاً تجاوز به ناموس تلقی می شود. (گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی، ص ۱۲۷)

۳- اردبیلی، پیشین، ص ۲۹۷

۴- ماده ۳۸۰ ق.م.ا

۵- تبصره ۲ ماده ۱۵۶ ق.م.ا

۶- تبصره ۳ ماده ۱۵۶ ق.م.ا

بند ششم: ضرورت

⊖ طبق ماده ۱۵۲ ق.م.ا «هرکس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب الوقوع از قبیل آتش سوزی، سیل، زلزله یا بیماری به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود، قابل مجازات نیست مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد».

⊖ «ضرورت» که برخی از آن به «اضطرار» یاد می کنند هر دو از ریشه ضرر و به یک معنی اند.^۱

⊖ در حقوق جزا وضع اضطرار آمیز آن چنان وضعی است که انسان برای حفظ جان یا مال یا حق خود یا دیگری ناچار از ارتکاب جرم می شود مانند نوشیدن شراب برای رفع تشنگی یا بیماری.^۲

* شرایط تحقق ضرورت:

۱- بروز خطر شدید

⊖ خطر باید شدید باشد.

⊖ مصادیق مقرر در ماده ۱۵۲ ق.م.ا تمثیلی است و خطرات دیگر مانند بمباران هوایی، سقوط هواپیما، گرسنگی و ... را هم شامل می شود.^۳

⊖ منشا خطر یا بیرونی است (مانند آتش سوزی، سیل، زلزله) یا دورنی است (مانند بیماری).^۴

۲- فعلیت یا قریب الوقوع بودن خطر

⊖ عبارت «به هنگام» دلالت بر فعلیت دارد و قید «فعلی» ناظر بر خطری است که فعلیت یافته است.^۵

⊖ عکس العمل در برابر خطراتی که در گذشته بوده یا امکان وقوع آن در آینده است شامل ماده نخواهد شد.

⊖ فعلیت تجاوز را دیوان در آراء متعدد مورد تاکید قرار داده است. «اگر متهم پس از گرفتن داس از دست مقتول با همان داس او را بکشد، چون درحین ایراد جرح منتهی به فوت، خطر جانی برای متهم وجود نداشته نمی توان عمل او را دفاع از نفس دانست، چه پس از اینکه متهم داس را از دست مقتول گرفت. دیگر هیچ گونه خطری برای او باقی نبوده است».^۶

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۲۴۹

۲- همان

۳- همان، ص ۲۵۳

۴- برخی از حقوق دانان بین ضرورت و اضطرار قائل به تفکیک هستند و ضرورت را با توجه به این که در آن خطر واجد منشا بیرونی است از عوامل موجه و اضطرار را با توجه به این که واجد منشا درونی است از عوامل رافع مسئولیت کیفری قلمداد می کنند (گلدوزیان، پیشین، ص ۱۳۱) حال آن که مقنن در ماده ۱۵۲ ق.م.ا با اضافه کردن «بیماری» در کنار مصادیقی مانند «زلزله»، «سیل» و «آتش سوزی» همسو با برخی از حقوق دانان فرقی بین منشاء درونی و بیرونی خطر قائل نیست. (اردبیلی، پیشین، ص ۲۴۹)

۵- اردبیلی، پیشین، ص ۲۵۳

۶- گلدوزیان، پیشین، ص ۱۲۳

۳- ضرورت ارتکاب جرم

- ⊖ قید «... برای دفع آن ضرورت داشته باشد» مقرر در ماده ۱۵۲ ق.م.ا حاکی از این شرط می باشد.
- ⊖ به عبارت دیگر باید حفظ نفس یا مال از راه دیگری غیر از ارتکاب جرم ممکن نباشد.^۱
- ⊖ اگر تجاوز بدون ارتکاب جرم عمل مجرمانه قابل دفع باشد استناد به دفاع مشروع منتفی است.^۲

۴- عدم مداخله عمدی در ارتکاب جرم

- ⊖ عبارت «... مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند...» مقرر در ماده ۱۵۲ ق.م.ا حاکی از این شرط می باشد.

نکته: قید «عمداً» در ماده موارد خطرهای سهوی را خارج کرده است.

- ⊖ اگر خطر سهواً و در نتیجه بی احتیاطی یا غفلت فاعل ایجاد شده باشد تقصیر جزایی ظاهراً متوجه او نیست و می تواند معاف از مجازات گردد.^۳

۵- تناسب جرم با خطر

- ⊖ حالت ضرورت محقق نمی شود مگر این که مطابق با ماده ۱۵۲ ق.م.ا «... عمل ارتكابی با خطر موجود متناسب باشد».

- ⊖ یعنی منطقاً میزان خطر مورد اجتناب بیش از خطر ناشی از فعل ارتكابی بوده یا لا اقل خسارت احتمالی و زیان وارده مساوی باشد.

- ⊖ احراز تناسب میان «عمل ارتكابی» و «خطر موجود» امری موضوعی و بر عهده قاضی است.^۴

نکته: هرگاه جنینی که بقای آن برای مادر خطر جانی دارد به منظور حفظ نفس مادر سقط شود، دیه ثابت نمی شود.

۶- نداشتن وظیفه ی مقابله با خطر

- تبصره ماده ۱۵۲ ق.م.ا مقرر می دارد «کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطر می باشند نمی توانند با تمسک به این ماده از ایفای وظایف قانونی خود امتناع نمایند».

- ⊖ وظیفه می تواند به موجب قانون (ماموران آتش نشانی، ضابطین دادگستری) یا قرارداد (ماموران نجات غریق) باشد.^۵

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۲۵۴

۲- گلدوزیان، پیشین، ص ۱۲۳

۳- اردبیلی، پیشین، ص ۲۵۴

۴- همان، ص ۲۵۵

۵- همان

☉ هر چند در باب ضرورت در مورد سایرین مسئولیت مدنی برقرار خواهد بود اما در مورد مامورین مقنن مسئولیت را متوجه بیت المال کرده است. ماده ۴۷۳ ق.م.ا مقرر می دارد «**هرگاه مأموری در اجرای وظایف قانونی، عملی را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود، دیه برعهده بیت‌المال است.**»

* آثار ضرورت:

☉ هر چند در مورد عوامل موجهه قائل به عدم مسئولیت کیفری و عدم مسئولیت مدنی هستیم اما استثناء در مورد ضرورت مسئولیت مدنی (جبران خسارات مادی و ضمان دیه) همچنان برقرار خواهد بود.^۱

نکته: مطالبه مسئولیت مدنی به عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم منتفی است (چون عمل جرم نیست). با وجود این، جبران خسارت بر اساس قواعد اتلاف و تسبیب امکان پذیر است.^۲

مصادیق قانونی اضطرار (ضرورت) عبارتند از: ۱- سقوط مجازات در سرقت حدی (بند خ ماده ۲۶۸ ق.م.ا) ۲- سقوط مجازات رجم در زنای محصنه (ماده ۲۲۷ ق.م.ا) ۳- سقط جنین برای نجات مادر (ماده ۱۷۰ اصلاحی آیین نامه انتظامی پزشکی) ۴- منع تعقیب کیفری راشی (تبصره ماده ۵۹۲ ق.م.ا کتاب تعزیرات)^۳

بند هفتم: رضایت

☉ قوانین جزایی از جمله قوانین آمره هستند و نمی توان بر خلاف آن تراضی نمود. فردی که رضایت می دهد دیگری وی را به قتل رساند در صورت اقدام مرتکب، قاتل عامد تلقی خواهد شد.^۴

☉ در برخی موارد استثنائاتی رضایت باعث عدم تحقق جرم می شود. (عمل جراحی یا طبی و عملیات ورزشی)

☉ البته در موارد استثنائی هم رضایت باید قبل از ارتکاب جرم باشد. رضایت بعد از ارتکاب جرم گذشت نام دارد و تاثیر آن بسته به نوع جرم (قابل گذشت بودن یا نبودن) و بسته به مرحله ابراز آن (قبل از صدور حکم قطعی و یا بعد از آن) متفاوت خواهد بود.^۵

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۲۵۷؛ البته برخی از حقوق دانان در مورد ضرورت مسئولیت مدنی را نیز مرتفع می دانند (مصدقی، پیشین، ص ۳۰۰ ز یر نویس شماره ۲ ماده ۱۵۹ ق.م.ا)

۲- گلدوزیان، پیشین، ص ۱۳۳؛ البته به عقیده برخی از حقوق دانان بهتر است ضمان مضطر به معنی ضمان مربوط به استفاده ناروا در نظر گرفته شود نه ناشی از اتلاف و تسبیب. (کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی، ص ۴۶)

۳- گلدوزیان، پیشین، زیر نویس شماره ۶ ماده ۱۵۲ ق.م.ا

۴- اردبیلی، پیشین، ص ۲۷۳

۵- همان، ص ۲۷۵

* در تمامی مواردی که رضایت مجنی علیه شرط عدم تحقق جرم است و تقصیری بر عهده مرتکب ثابت نیست، رضایت باید جامع شرایط زیر باشد^۱:

- ۱- پیش از ارتکاب جرم یا مقارن با آن ابراز شده باشد.
- ۲- باید عاری از عیب و آزادانه ابراز شود.
- ۳- رضایت دهنده باید عاقل، بالغ و دارای اهلیت باشد.

* مواردی که رضایت مجنی علیه شرط اباحه عمل می باشد:

مورد اول: عمل جراحی یا طبی

مطابق با بند «ج» ماده ۱۵۸ ق.م.ا «هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگانه قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست».

- | | | |
|---|---|-----------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱. عمل جراحی یا طبی مشروع باشد. ۲. رضایت مجنی علیه یا افراد دارای اختیار وجود داشته باشد. ۳. رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی شده باشد. | } | شرایط مقرر برای رضایت |
|---|---|-----------------------|

⊖ مشروع بودن عمل جراحی یا طبی یعنی اینکه پزشک عمل را به قصد درمان و نجات بیمار انجام دهد. از جمله اعمال جراحی نامشروع که در آنها رضایت بیمار تأثیری در مسئولیت پزشک ندارد، می توان به سقط جنین اشاره کرد. در صورتی که عمل جراحی نامشروع باشد، علی رغم رضایت پزشک و ذی نفع باز هم عمل جرم و مستوجب کیفر است.^۲

⊖ شرط دیگری که لازم است تا عمل جراحی، جرم تلقی نگردد، اخذ رضایت از بیمار یا اشخاص دیگری است که قانون ذکر کرده است (اولیاء قانونی یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی)

⊖ رضایت بیمار یا کسان وی مسئولیت کیفری را از پزشک زایل می کند، برای اینکه پزشک مسئولیت مدنی نیز نداشته باشد باید برائت اخذ نماید.^۳ در عین حال بر خلاف قانون مجازات اسلامی سابق، مطابق با ماده ۴۹۵ ق.م.ا جدید، حتی اگر برائت اخذ نشده باشد اما در عین حال پزشک رعایت موازین علمی و فنی را نموده باشد ضامن نخواهد بود.^۴

۱- همان، ص ۲۷۴

۲- گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی، ص ۱۳۷

۳- ماده ۴۹۵ ق.م.ا

۴- تبصره ۱ ماده ۴۹۵ ق.م.ا مقرر می دارد «در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد، هر چند برائت اخذ نکرده باشد».

نکته: اخذ براءت و رضایت از خود بیمار به عمل می آید مگر اینکه اخذ آن از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او یا به دلایل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد که در این حالت از ولی مریض تحصیل خواهد شد. ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و مادر و ولی عام که مقام رهبری است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضاییه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستان های مربوط به اعطای براءت به طیب اقدام می نماید.^۱

ولی بیمار }
 ۱- ولی خاص : پدر و جد پدری
 ۲- ولی عام : رهبری (در موارد فوری، اخذ رضایت از رهبری نیز لازم نیست)

نکته: در موارد فوری اخذ رضایت لازم نیست.^۲ مثلا اگر مجروح در حالت وخیم باشد و امکان اخذ رضایت وجود نداشته باشد و دسترسی به ولی و سایر اشخاص دیگری که قانونا حق ابراز رضایت را دارند موجب فوت وقت گردد، پزشک بدون اخذ رضایت اقدام خواهد نمود. در موارد فوری اخذ براءت لازم نیست.^۳

نکته: صرف ابراز رضایت مسئولیت پزشک را زایل نخواهد کرد. حتی پزشکی که براءت اخذ نموده، در صورتی که موازین علمی و فنی را رعایت ننموده باشد باز هم ضامن است چرا که شرایط مقرر در بند «ج» ماده ۱۵۸ ق.م.ا، باید همگی باهم جمع باشد، یعنی هم مشروع باشد هم اخذ رضایت شده باشد، هم رعایت موازین فنی شده باشد. از طرف دیگر ماده ۴۹۵ ق.م.ا مقرر می دارد «... مگر این که پزشک رعایت موازین فنی را کرده یا اینکه قبل از معالجه براءت گرفته و مرتکب تقصیری هم نشود ...»

در صورت تلف یا صدمه بدنی اصل بر }
 ۱. رعایت مقررات پزشکی و موازین فنی شده باشد. یا
 ۲. پزشک براءت اخذ نموده و مرتکب تقصیری هم نشده باشد. }
 مسئولیت پزشک می باشد مگر اینکه

⊖ با اخذ براءت مسئولیت مدنی نیز زایل می گردد. در صورت عدم اخذ رضایت، پزشک زمانی مسئولیت مدنی نخواهد داشت که رعایت موازین فنی و نظامات پزشکی کرده باشد.

نکته: اگر پزشک دستور انجام معالجاتی را به خود مریض یا پرستار داده باشد ولی مریض یا پرستار بداند که این دستور اشتباه است و موجب صدمه یا تلف می شود ولی همچنان به این دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست.^۴

۱- تبصره ۲ ماده ۴۹۵ ق.م.ا

۲- تشخیص موارد فوری با پزشک معالج است (نظریه مشورتی ۷/۱۸۳۰ مورخ ۷۱)

۳- ماده ۴۹۷ ق.م.ا

۴- تبصره ۱ ماده ۴۹۶ ق.م.ا

نکته: موردی در قانون مجازات پیش بینی شده که رضایت بعد از ارتکاب جرم و قبل از تحقق نتیجه توسط خود مجنی ابراز می گردد. طبق ماده ۳۱۵ ق.م.ا «در قتل و سایر جنایات عمدی، مجنی علیه می تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیا دم و وارثان نمی توانند پس از فوت او، حسب مورد مطالبه قصاص یا دیه کنند، لکن مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم "تعزیرات" - ماده ۶۱۲ ق.م.ا کتاب تعزیرات - محکوم می شود». نفس قتل همیشه ممنوع است ولی آنچه در این جا مطرح است، اسقاط حق خصوصی قصاص توسط مجنی علیه است.^۱

مورد دوم: عملیات ورزشی

بند «ث» ماده ۱۵۸ ق.م.ا مقرر می دارد «عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد».

<p>۱- منطبق بودن عمل با مقررات خاص آن ورزش</p> <p>۲- عدم مخالفت آن مقررات با موازین شرعی</p>	}	شرایط لازم برای عملیات ورزشی
--	---	------------------------------

نکته: این حوادث باید در اثنای عملیات ورزشی اتفاق بیافتد.

⊖ حوادث ناشی از عملیات ورزشی اعم است از حوادث جسمانی مانند جراحات، قطع عضو یا مرگ و دیگر زیان های مالی مانند خسارت به اتومبیل یا دوچرخه در ورزش های اتومبیل رانی، دوچرخه سواری و ... که به ورزشکاران وارد می شود.^۲

نکته: فعل مورد حادثه باید مطابق مقررات خاص آن ورزش جزء حرکات ورزشی تلقی گردد. بنابراین ضربه مشت که کشتی گیر در اثنای ورزش کشتی به صورت حریف می زند حرکت خاص این ورزش محسوب نمی شود.^۳

نکته: البته شرط ضمنی جرم نبودن حوادث ورزشی که در بند «ث» به آن تصریح نشده است، همان رضایت ورزشکاران و پذیرش آثار احتمالی ناشی از فعالیت های ورزشی است.^۴

۱- به عقیده برخی از حقوق دانان این مورد جزو معاذیر قانونی معاف کننده از مجازات است نه عوامل موجهه جرم. بنابراین شرکاء و معاونین جرم که چنین رضایتی را اخذ نکرده اند همچنان مسئول و مستوجب کیفر باقی می مانند (گلدوزیان، پیشین، ص ۱۴۰)

۲- اردبیلی، پیشین، ص ۲۸۳

۳- همان

۴- همان

گفتار دوم: عنصر مادی

- ⊙ فعل یا عمل خارجی تجلی نیت مجرمانه و یا تقصیر جزایی است عنصر مادی جرم را تشکیل می دهد.^۱
- ⊙ عنصر مادی را پیکره جرم نیز می نامیدند و آن را قالبی می پنداشتند که اراده ارتکاب جرم در آن متجلی می شود.^۲
- ⊙ هر جرمی الزاماً دارای عنصر مادی است.^۳ به عبارت دیگر کافی نیست که رفتار مجرمانه تنها توسط قانون نهی شود بلکه وجود یک تظاهر خارجی ناشی از قصد مجرمانه یا خطای جزایی توسط فاعل که جرم به وسیله آن آشکار شود برای مجازات مرتکب لازم است.^۴

* اجزاء عنصر مادی

۱- اقسام رفتار مجرمانه:

- الف) فعل:** برخی از جرایم صرفاً از طریق فعل واقع می شود (یعنی انجام دادن عمل ممنوعه)؛ مانند سرقت، کلاهبرداری
- ب) ترک فعل:** برخی از جرایم صرفاً از طریق ترک فعل واقع می شود (یعنی انجام ندادن تکالیفی که مقنن پیش بینی کرده است)؛ مانند ترک انفاق، خودداری از انجام دادن وظایف قانونی، خودداری از کمک مصدومین.
- پ) فعل - ترک فعل:** برخی جرایم هم به صورت فعل واقع می شود هم بصورت ترک فعل؛ مانند قتل عمد، خیانت در امانت.
- ت) فعل ناشی از ترک فعل:** عنصر مادی برخی از جرایم بصورت فعل ناشی از ترک فعل است؛ مانند قتل غیر عمد (فعل) ناشی از رانندگی با وسیله نقلیه دارای نقص فنی (ترک فعل).^۵
- ث) وضعیت یا حالت:** گاهی عنصر مادی جرم را وضعیت یا حالت تشکیل می دهد؛ مانند اعتیاد، ولگردی و...
- ج) داشتن یا نگهداری:** گاهی عنصر مادی جرم بصورت داشتن یا نگهداری است؛ مانند نگهداری مشروبات الکلی، مواد مخدر، اسلحه غیرمجاز

۲- ویژگی مرتکب:

در برخی موارد مقنن ویژگی خاصی را برای مرتکب جرم در نظر گرفته است؛ مثلاً در جرم اختلاس مرتکب باید کارمند دولتی باشد ولی در اکثر موارد ویژگی خاصی برای مرتکب شرط نیست.

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۳۰۱

۲- همان، ص ۳۰۲

۳- گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی، ص ۱۵۳

۴- نوربها، پیشین، ص ۱۸۲

۵- همان، ص ۱۶۰؛ برخی از حقوق دانان معتقد بودند در قانون مجازات سابق مصداقی برای فعل ناشی از ترک فعل وجود نداشت اما با تصویب قانون مجازات جدید،

ماده ۲۹۵ این قانون را یکی از مصدایق فعل ناشی از ترک فعل می دانند (اردبیلی، پیشین، ص ۳۰۴)

۳- موضوع جرم:

موضوع جرم، آن چیزی است که جرم بر روی آن واقع می شود. گاهی موضوع جرم انسان است (جرائم علیه اشخاص)، گاهی موضوع جرم مال است (جرائم علیه اموال) و ...

۴- وسیله ارتکاب جرم:

اصل بر این است که تحقق جرم نیاز به وسیله خاصی ندارد مگر در مواردی که مقنن وسیله خاصی را شرط می داند مانند کلاهبرداری که در آن وسیله باید متقلبانه باشد.

۵- نتیجه جرم:

جرائم بر حسب اینکه تحقق نتیجه برای وقوع جرمی موثر است یا نه، به جرائم مطلق و جرائم مقید تقسیم می شوند

الف) جرائم مطلق: صرف فعل یا ترک فعل کافی برای تحقق جرم است و حصول نتیجه را مقنن ضروری نمی داند مانند نشر اکاذیب، شهادت دروغ، غضب عناوین، جعل، آدم ربایی، توهین، محاربه و ...

ب) جرائم مقید: علاوه بر فعل یا ترک فعل، مقنن حصول نتیجه را برای تحقق جرم ضروری می داند. مثل سرقت، کلاهبرداری، تخریب، قتل و ...

* جرائم از لحاظ ساختار به ۳ دسته، تقسیم بندی می شوند:

الف) جرائم ساده: جرایمی است که عنصر مادی آن ها از یک فعل واحد تشکیل شده باشد؛ مثل قتل.

ب) جرائم مرکب: جرمی را مرکب گویند که عنصر مادی آن از افعال متنوع و به قصد تحقق نتیجه واحدی ترکیب یافته باشد. مثلاً کلاهبرداری که عنصر مادی آن عبارت است از توسل به وسایل متقلبانه + بدست آوردن مال دیگری. این دو فعل ذاتاً باهم متفاوتند اما هر یک مراحل متوالی یک رفتار مجرمانه را تشکیل می دهند.^۲

پ) جرائم به عادت: جرم به عادت موکول به وقوع فعل معین در دفعات مکرر می باشد. چون برای صدق عنوان «جرم به عادت» تکرار فعل معین ضروری است و از یکبار ارتکاب فعل مذکور عادت و حرفه فاعل استنباط نمی شود بنابراین دست کم دوبار تکرار برای تحقق جرم به عادت کافی است.^۳ مانند تکدی گری، ولگردی و ...

۱- برخی از حقوق دانان از اصطلاح «جرائم صوری» نیز در این مورد استفاده می کنند (ر.ک. اردبیلی، پیشین، ص ۳۱۲)

۲- همان، ص ۳۰۹؛ به عقیده برخی از حقوق دانان جرم مرکب جرمی است که از چند عمل مختلف تشکیل می شوند که هیچ کدام از آنها به تنهایی جرم نیست ولی مجموعاً جرمی را بوجود می آورند (ر.ک. گلدوزیان، پیشین، ص ۱۶۷؛ البته این تعریف واجد ایراد است چرا که در جرائم مرکب نمی توان گفت همیشه هیچ کدام از اجزا عنصر مادی جرم نیست. مثلاً در همین مثال کلاهبرداری، توسل به وسایل متقلبانه می تواند تحت عناوین جعل یا استفاده از سند مجعول قابل تعقیب باشد)

۳- همان، ص ۳۰۹

* مراحل ارتکاب جرم

برای ارتکاب جرم بزهکار مراحل زیر را طی می کند:

الف) قصد ارتکاب جرم:

⊖ مجرد قصد ارتکاب جرم، بدون تبلور عمل خارجی قابل مجازات نیست. ماده ۱۲۳ ق.م.ا در همین باره مقرر می دارد
«مجرد قصد ارتکاب جرم و... قابل مجازات نمی باشد».

⊖ در مواردی استثنایی مقنن مجرد قصد ارتکاب جرم را به عنوان جرم مستقل قابل مجازات می داند، در این مورد نمی توان به مواد ۶۶۹ ق.م.ا از کتاب تعزیرات اشاره نمود که به موجب آن شخصی تهدید به قتل یا ضرر نفسی یا شرفی یا مالی یا افشای سر می نماید؛ یا ماده ۶۱۰ از همان قانون که اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی و خارجی را مستوجب مجازات می داند.^۱ بنابراین مرتکبی که «تهدید می کند» و همچنین مرتکبی که «اجتماع و تبانی» می نماید، هنوز در مرحله قصد مجرمانه بوده اما مقنن استثنائاً در این موارد تا همین اندازه را قابل مجازات می داند.

ب) تهیه مقدمات :

⊖ تهیه مقدمات اصولاً قابل مجازات نیست زیرا تهیه مقدمات همیشه کاشف از نیت مجرمانه عامل آن نبوده است و اغلب ممکن است عملیات مزبور مشروع و مجاز باشد. تهیه مقدمات، مقدمه جرم می باشد، بنابراین فردی که مقداری طناب خریده تا با آن شخصی را دار بزند قابل مجازات نیست.^۲ به عبارت دیگر زمینه سازی و تهیه وسایل لازم برای ارتکاب جرم گرچه افعال مادی به شمار می رود اما چون قصد مجرمانه مرتکب را به وضوح آشکار نمی سازد نمی توان او را به این دلیل قابل تعقب کیفری و مستوجب مجازات دانست.^۳

⊖ ماده ۱۲۳ ق.م.ا نیز در همین راستا مقرر می دارد «مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات یا اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده ... قابل مجازات نیست».

⊖ در برخی موارد مقنن تهیه مقدمات را به عنوان جرم مستقل قابل مجازات می داند. مانند ماده ۶۱۱ ق.م.ا از کتاب تعزیرات که مقرر می دارد «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجماع و تبانی نمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرایی را نیز فراهم کرده باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند. حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد». یا به موجب ماده ۶۶۴ از همان قانون «هرکس عالماً عامداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله ای برای ارتکاب جرم بسازد، یا تهیه کند به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد .

۱- گلدوزیان، پیشین، ص ۱۵۴

۲- همان، ص ۱۵۵

۳- اردبیلی، پیشین، ص ۳۱۵

پ) مرحله شروع به اجرا:

⊖ شروع به جرم عبارت است از رفتاری که به منظور عملی نمودن قصد مجرمانه انجام شده، لکن به جهت مانع خارجی به تحصیل نتیجه مورد نظر منتهی نگردیده است.^۱

⊖ ماده ۱۲۲ ق.م.ا مقرر می دارد «هر کس قصد ارتکاب جرمی را نماید و شروع به اجرای آن کند، لکن بواسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند مجازات خواهد شد».

نکته: از شرایط تحقق شروع به جرم، قصد مجرمانه قبلی است «هر کس قصد ارتکاب جرمی را نماید...». بنابراین شروع به جرم در جرایم غیر عمدی منتفی است.^۲

نکته: صرف قصد مجرمانه کافی نیست و مرتکب باید شروع به اجرای آن قصد مجرمانه نماید. یعنی عملیات اجرایی جرم را آغاز کند. از طرف دیگر شروع به اجرا مستلزم ارتکاب عمل مادی است و در جرایمی که عنصر مادی آنها بصورت ترک فعل می باشد، محقق و ثابت نیست.^۳

نکته: از شرایط دیگر تحقق شروع به جرم، وجود مانع خارجی است. یعنی مرتکب با اراده خود، عملیات اجرایی را ترک نکرده باشد. انصراف ارادی باعث عدم تحقق شروع به جرم می شود. ماده ۱۲۴ ق.م.ا در این باره مقرر می دارد «هرگاه شخصی شروع به جرمی نماید و به اراده خود آن را ترک کند به اتهام شروع به آن جرم تعقیب نمی شود لکن اگر همان مقدار رفتاری که مرتکب شده است جرم باشد، به مجازات همان جرم محکوم می شود». برای ماده ۱۲۴ می توان این مثال را ذکر کرد که شخصی برای قتل فردی اسلحه ای خریداری کرده و به قصد قتل وی، اسلحه را به سمت او نشانه گیری کرده است اما در این حالت خودش منصرف می گردد. در این مثال شخص مرتکب به اتهام شروع به جرم قابل مجازات نیست (شروع به قتل) اما چون خرید و حمل اسلحه غیر مجاز خود جرم مستقلی است به مجازات آن محکوم خواهد شد. در این فرض ممکن است دادگاه انصراف مرتکب را جبهتی برای تخفیف مجازات وی تشخیص دهد.

نکته: مقنن در تبصره ی ماده ۱۲۲ ق.م.ا، همسو با برخی از حقوق دانان^۴ شروع به جرم را در جرم محال قابل تحقق می داند و آن را در حکم شروع به جرم می داند «هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است».

۱- گلدوزیان، پیشین، ص ۱۶۸

۲- همان؛ برای ملاحظه نظری که شروع به جرم را در جرایم غیر عمدی هم قابل تحقق می داند ر.ک. نوربها، پیشین، ص ۲۵۳

۳- اردبیلی، پیشین، ص ۳۱۶؛ همچنین به عقیده ایشان «غیرممکن» بودن جرم هم ناظر بر محال حکمی است (آنجا که رفتار مرتکب با تعریف قانونی جرم تطبیق نمی کند مانند آن که کسی به دلیل ناآگاهی از مرده بودن به منظور سلب حیات به وی شلیک می کند، چون زنده بودن داخل در تعریف قانونی قتل است بنابراین تحقق نتیجه حکماً محال می باشد) هم ناظر بر محال موضوعی است (مثلاً شخصی که شب هنگام به سمت انسانی که در بستر خوابیده شلیک می کند غافل از این که او لحظاتی پیش از آن اتاق را ترک کرده است)؛ البته برخی از حقوق دانان شروع به جرم را از طریق ترک فعل قابل تحقق می دانند (ر.ک. نوربها، پیشین، ص ۲۴۶)

۴- همان، ص ۳۲۷

* مجازات شروع به جرم :

در برخی موارد مقنن، در فرض شروع به جرم، مجازات خاصی را برای برخی جرایم پیش بینی کرده است. این موارد عبارت است از :

- ۱- شروع به برخی سرقت های تعزیری.^۱
- ۲- شروع به کلاهبرداری.^۲
- ۳- شروع به اختلاس.^۳
- ۴- شروع به ارتشاء.^۴
- ۵- شروع به آدم ربایی.^۵
- ۶- شروع به اسید پاشی.^۶
- ۷- شروع به جرم تخریب و خرابکاری وسایل و تاسیسات مورد استفاده عمومی، مثل شبکه آب، برق و گاز.^۷
- ۸- شروع به حرق عمارت، اشجار و باغ ها و انبار.^۸
- ۹- شروع به جعل و تزویر.^۹
- ۱۰- شروع به قتل عمدی.^{۱۰}
- ۱۱- سوء قصد به جان رهبر و هر یک از روسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید.^{۱۱}
- ۱۲- اقدام به خارج کردن اشیاء عتیقه هر چند منجر به خارج شدن نشود، قاچاق محسوب می گردد.^{۱۲}
- ۱۳- اقدام به اختلال در نظام اقتصادی کشور چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام یا به قصد مقابله با آن یا با علم به موثر بودن اقدام با نظام باشد.^{۱۳}
- ۱۴- شروع به قاچاق انسان و در حکم آن.^{۱۴}
- ۱۵- شروع به کلاهبرداری با صدور اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اعلامیه انتشار اوراق قرضه متضمن اطلاعات نادرست و ناقص.^{۱۵}

۱- فقط سرقت های تعزیری مندرج در مواد ۶۵۱ الی ۶۵۴ ق.م.ا از کتاب تعزیرات به استناد ماده ۶۵۵ از همان قانون

۲- تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۴؛ در مورد صور خاص کلاهبرداری در برخی موارد برای شروع به جرم مجازات خاص پیش بینی گردیده و داخل در تبصره ۲ ماده ۱ قانون اخیر نخواهد بود. مانند شروع به جرم کلاهبرداری کامپیوتری موضوع تبصره ماده ۶۷ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۸۲.

۳- ماده ۶ از قانون اخیر

۴- تبصره ۳ ماده ۳ همان قانون؛ شروع به رشا مشمول این ماده نیست و باید مجازات آن را بر اساس ماده ۱۲۲ ق.م.ا تعیین نمود.

۵- ماده ۶۲۱ ق.م.ا؛ شروع به نوزاد ربایی موضوع ماده ۶۳۱ ق.م.ا کتاب تعزیرات مشمول این ماده نیست و مجازات آن بر اساس ماده ۱۲۲ ق.م.ا تعیین می گردد.

۶- طبق ماده واحده لایحه قانونی مربوط به اسید پاشی مصوب ۱۳۳۷، ۲ تا ۵ سال حبس پیش بینی شده است

۷- تبصره ۲ ماده ۶۸۷ ق.م.ا از کتاب تعزیرات

۸- تبصره ۲ ماده ۶۷۵

۹- ماده ۵۴۲ ق.م.ا از کتاب تعزیرات؛ شروع به استفاده از سند مجعول مشمول این ماده نیست و مجازات آن مطابق با ماده ۱۲۲ ق.م.ا تعیین می گردد.

۱۰- ماده ۶۱۳ ق.م.ا کتاب تعزیرات

۱۱- ماده ۵۱۵ ق.م.ا از کتاب تعزیرات

۱۲- ماده ۵۶۱ ق.م.ا از کتاب تعزیرات؛ در این مورد در واقع مقنن شروع به جرم را جرم تام در نظر گرفته است.

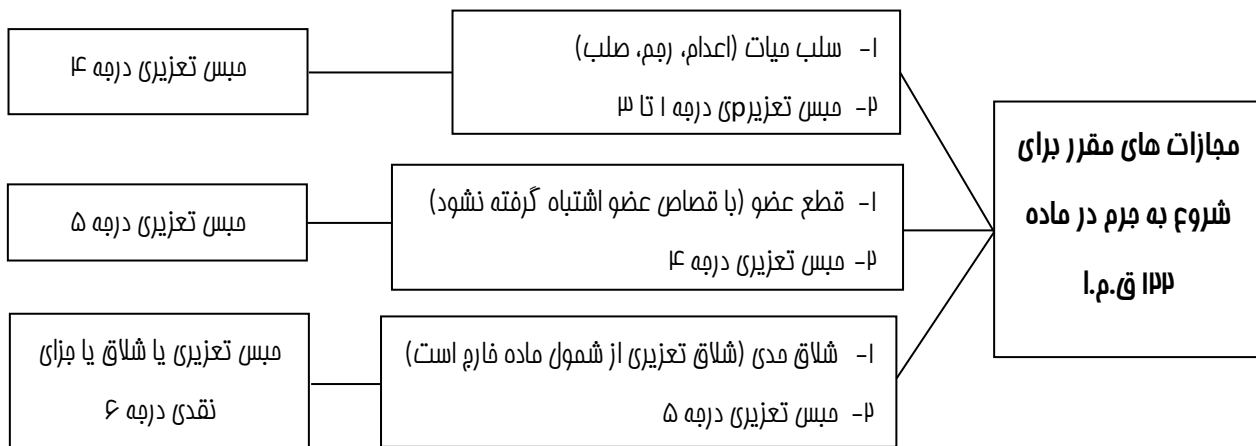
۱۳- ماده ۲ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۶۹

۱۴- تبصره ۲ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۸۳

۱۵- ماده ۲۴۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۴۷

* شروع به جرایم فوق مضمول مجازات های خاص مندرج خواهد بود و در غیر موارد فوق مجازات شروع به جرم بر اساس ماده ۱۲۲ تعیین خواهد گردید.^۱ مطابق با این ماده:

- الف) در جرایمی که مجازات های قانونی آنها سلب حیات^۲ یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است^۳ به حبس تعزیری درجه چهار.
- ب) در جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو^۴ یا حبس تعزیری درجه چهار^۵ به حبس تعزیری درجه پنج.
- پ) در جرایمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج^۶ است. به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش محکوم می گردد.



۱- ساولانی، اسماعیل، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، ص ۱۵۸؛ همسو با این نظر ر.ک. گلدوزیان، پیشین، زیر نویس شماره ۱۹ ماده ۱۲۲ ق.م.ا؛ همچنین برای مشاهده نظری که مطابق با نظریه مشورتی جدید التصویب معتقد است اراده مقنن حاکی از نسخ کلیه قوانین مغایر با ماده ۱۲۲ ق.م.ا است، ر.ک. شمس ناتری، پیشین، زیر نویس شماره ۸-۱ ماده ۱۲۲ ق.م.ا؛ اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه ۷/۹۲/۹۶۴ مورخ ۹۲ اشعار می دارد «با توجه به اینکه مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مقام ایجاد نظم خاصی برای مجازات "شروع به جرم" است لذا در تمام مواردی که مضمول ماده ۱۲۲ مذکور است مجازات هایی به شرح بندهای ذیل این ماده تعیین نموده است. همچنین با توجه به لزوم یکسان سازی نحوه رسیدگی در امور قضائی که در بند ۷ سیاست های کلان مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته است و با توجه به ماده ۷۲۸ قانون مزبور در خصوص لغو کلیه مقررات و قوانین مغایر با این قانون، به نظر این اطلاق شامل کلیه قوانین و مقررات خاص و عام در خصوص موضوع سوال است زیرا چنانچه قائل به عدم نسخ موارد خاص مندرج در قوانین جزائی در خصوص تعیین مجازات شروع به جرم باشیم، شاهد تفاوت و شدت وضعف میزان مجازات و عدم تناسب آن خواهیم بود در نتیجه کلیه مقرراتی که در قانون به طور خاص برای "شروع به جرم" مجازات تعیین شده است با تصویب و لازم الاجراء شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ملغی و مجازات شروع به جرم در تمام جرائم مطابق بندهای ذیل ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با رعایت ماده ۱۰ همان قانون تعیین می شود».

۲- مجازات های سالب حیات شامل مجازات های اعدام، قصاص نفس، رجم و صلب می شود. البته قصاص نفس مجازات قتل عمدی است که مقنن در ماده ۶۱۲ ق.م.ا کتاب تعزیرات مجازات خاصی برای شروع به آن پیش بینی کرده است.

۳- حبس بیش از ۱۰ تا ۲۵ سال

۴- قطع عضو مجازات قانونی سرقت حدی برای بار اول و دوم و نیز یکی از مجازات های چهارگانه محاربه است

۵- حبس بیش از ۵ تا ۱۰ سال

۶- حبس بیش از ۲ تا ۵ سال

نکته: جرم محال از حیث مجازات در حکم شروع به جرم بوده و مجازات آن بر اساس ماده ۱۲۲ ق.م.ا تعیین خواهد شد اما در مورد جرم عقیم برخی از حقوق دانان قائل به این نظر می باشند که به دلیل عدم تصریح مقنن و رعایت اصل قانونی بودن جرایم و امتناع از تفسیر موسع قوانین کیفری در مقررات کنونی حکم خاصی برای جرایم عقیم پیش بینی نشده است.^۱

نکته: برای تعیین مجازات شروع به جرم، مجازات های قانونی ملاک می باشد. مقنن در بندهای سه گانه ماده ۱۲۲ ق.م.ا از عبارت «مجازات قانونی جرم ارتكابی»

نکته: شروع به جرم در جرایم مطلق نیز قابل تحقق است.^۲

نکته: دیوان عالی کشور در تحقق شروع به جرم، از نظریه عینی تبعیت کرده است.^۳

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۳۳۵؛ جرم عقیم جرمی است که مقصود بزهکار از ارتکاب جرم حاصل نشده باشد مانند تیر اندازی به قصد کشتن شخصی و به خطا رفتن آن.

۲- همان، ص ۳۲۹؛ برای مشاهده نظری که شروع به جرم را در جرایم مطلق قابل تحقق نمی داند ر.ک. صانعی، پیشین، ص ۳۵۰

۳- نوربها، پیشین، ص ۲۴۹

گفتار سوم: عنصر معنوی

- ⊖ علاوه بر عنصر قانونی مبتنی بر پیش بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا و عنصر مادی جرم شامل وقوع عمل در خارج باید عمل مزبور از اراده مرتکب ناشی شده باشد. در واقع باید میان عمل و مرتکب رابطه روانی وجود داشته باشد.^۱
- ⊖ جرایم بر حسب عنصر معنوی به جرایم عمدی و غیر عمدی تقسیم بندی می شوند. «عمد» عنصر معنوی آن دسته از جرایمی است که اصطلاحاً «عمد» شناخته می شود و «خطای جزایی» عنصر معنوی «جرایم خطایی» (غیر عمدی) است.^۲
- ⊖ در همه ی جرایم اعم از عمدی و غیر عمدی اراده ارتکاب عمل ضروری است.^۳ بنابراین رفتارهایی که خارج از اراده مرتکب واقع می شود، مسئولیتی را برای مرتکب در پی نخواهد داشت. در همین راستا می توان به ماده ۵۰۲ ق.م.ا استناد نمود که مقرر می دارد «...لکن اگر فعلی از او سر نزند و به علل قهری همچون طوفان و زلزله پرت شود و به دیگری بخورد و صدمه به او وارد کند، کسی ضامن نیست». یا به موجب ماده ۵۰۵ همان قانون «...در صورتی که سبب حادثه، علل قهری همچون زلزله و سیل نبوده و مستند به راننده باشد، راننده ضامن دیه است...».

بند اول: عنصر معنوی در جرایم عمدی

- ⊖ عنصر معنوی در جرایم عمدی، عمد است. (قصد مجرمانه)
- ⊖ عمد عبارت است از هدایت اراده انسان به سوی منظوری که انجام یا عدم انجام آن را قانونگذار منع یا امر نموده است.^۴
- ⊖ مقصود از جرایم عمدی، جرایمی است توأم با اراده که به وصف مجرمانه مقید است و نه هر اراده ای به طور مطلق.^۵
- ⊖ قانونگذار قصد مجرمانه را تعریف نکرده اما با عباراتی مانند «قصد»، «سوء نیت»، «سوء قصد»، «عالمانه و عامداً»، «عمداً» و «به عمد» برای این منظور استفاده نموده است.^۶ البته نیازی به این کار نیست چرا که اصل بر عمدی بودن جرایم است و قانون گذار در برخی موارد محدود و مصرح، جرایم غیر عمدی را مجازات می کند.

۱- گلدوزیان، پیشین، ص ۱۷۸

۲- اردبیلی، پیشین، ص ۳۳۶

۳- گلدوزین، پیشین، ص ۱۷۸

۴- همان، ص ۱۸۰

۵- همان، ص ۳۳۷

۶- همان

* اجزاء عمد:

(الف) آگاهی (علم)

منظور از آگاهی در اینجا معرفت فاعل هم به ماهیت و پیامدهای رفتار مجرمانه و هم به نا مشروع بودن آن است. به عبارت دیگر، فرض را باید بر این گذاشت که فاعل درک درست رفتار مجرمانه را داشته و خواسته است دقیقاً رفتاری مرتکب شود که قانونگذار آن را منع کرده است. در یک کلام، فاعل نه به موضوع و نه به حکم قانون جهل نداشته باشد.^۱

۱- علم به حکم:

⊖ علم به حکم در اکثر نظام های حقوقی مفروض است. بنابراین هیچ کس نمی تواند با توسل به جهل خود نسبت به قانون از خود رفع تقصیر نماید و چنین ادعایی در دادگاه از او پذیرفته نیست.^۲ قانون گذار ما نیز به تبعیت از اصل مفروض بودن علم حکمی در ماده ۱۵۵ ق.م.ا مقرر می دارد «جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست». البته این اصل به صورت مطلق نیست و در برخی موارد استثنائاتی نیز به آن وارد شده است. مثلاً مقنن در مورد حدود، علم به حکم را از شرایط مسئولیت کیفری می داند. ماده ۲۱۷ ق.م.ا مقرر می دارد «در جرایم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد». منظور از وقوف مرتکب به حرمت شرعی رفتار ارتكابی، همان علم به حکم است. از طرف دیگر ماده ۲۱۸ از همین قانون، ادعای جهل به حکم را به صرف احتمال صدق گفتار، بدون شاهد و سوگند می پذیرد.

در مورد سایر جرایم همان طور که ماده ۱۵۵ قانون اخیرالذکر بیان کرد «جهل به حکم، رافع مسئولیت نیست» ولی باز هم مواردی استثنائاتی دائر بر پذیرش جهل به حکم پیش بینی شده است «...مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود».

۱- تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد. یا ۲- جهل به حکم شرعاً عذر محسوب گردد.	}	استثنائات پذیرش جهل به حکم از سوی مرتکب
---	---	---

نکته: جهل به نوع یا میزان مجازات، مانع از مجازات نیست.^۳

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۳۳۹

۲- همان

۳- تبصره ماده ۱۵۵ ق.م.ا

۲- علم به موضوع :

⊖ موضوع آن چیزی است که جرم بر روی آن واقع می گردد.

⊖ علم به موضوع از شرایط تحقق مسئولیت کیفری در جرایم عمدی است. قانونگذار در ماده ۱۴۴ ق.م.ا مقرر می دارد «در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم باید قصد او در ارتکاب رفتار احراز گردد...» پس مقنن علم به موضوع را برای تحقق جرم ضروری می داند.

⊖ جهل موضوعی منجر به عدم تحقق جرم خواهد شد. فردی کتابی را به تصور اینکه متعلق به خودش است برداشته، در اینجا نسبت به موضوع (کتاب) جهل وجود دارد و جرم سرقت محقق نخواهد شد. اما در برخی موارد جهل موضوعی جرم را از عمدی به غیر عمدی تبدیل می نماید. مثلاً در مورد جرم قتل، به موجب بند «ب» ماده ۲۹۱ ق.م.ا «هرگاه مرتکب جهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان یا افراد مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد». شبه عمد محسوب می گردد. در اینجا جهل موضوعی قتل را از عمد به شبه عمد (غیر عمد) تبدیل می کند.

نکته: جهل به موضوع در جرایم غیر عمدی بی تأثیر است.

(ب) سوء نیت

سوء نیت یعنی عزم ارتکاب رفتاری که قانونگذار آن را منع کرده است.^۱

۱- سوء نیت عام

⊖ سوء نیت عام یعنی خواست انجام عمل.

⊖ در جرایم مطلق، صرف خواست انجام عمل برای تحقق عمل ممنوعه کفایت می کند و نیازی به احراز نتیجه مجرمانه نیست. مثلاً کارمندی چکی را بعنوان رشوه دریافت کرده است اینکه محل چک خالی از وجه باشد تأثیری در مسئولیت کارمند ندارد و برگشت خوردن چک، سلب عنوان مجرمانه نخواهد کرد.

۲- سوء نیت خاص:

⊖ سوء نیت خاص یعنی خواست تحقق نتیجه که صرفاً در جرایم مقید مطرح می گردد.

⊖ برای جرایمی که نتیجه خاصی در تعریف جرم منظور شده است، افزون بر سوء نیت عام، دادگاه باید حسب قرائن و اوضاع و احوال، سوء نیت خاص مرتکب را در وقوع جرم احراز نماید.^۲ مضمون ماده ۱۴۴ ق.م.ا چنین است که «... در جرائمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است. قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود».

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۳۴۹

۲- همان

پ (انگیزه:

⊖ داعی یا انگیزه شامل نفع یا ذوق یا احساسی که بزهدکار را به طرف ارتکاب جرم می کشاند، اصولاً در تحقق جرم تأثیری ندارد.^۱

با این همه قاعده عدم تأثیر انگیزه در تحقق جرم مطلق نیست. قانونگذار گاه در مواردی انگیزه ارتکاب جرم را جزو عناصر تشکیل دهنده آن قلمداد کرده است. برای مثال در ماده ۲۷۹ ق.م.ا محاربه کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها به نحوی که موجب نا امنی در محیط گردد تعریف شده است. در همین ماده در ادامه آمده است «هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد. ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود. محارب محسوب نمی شود». در این ماده مقنن فرض را بر این گذاشته است که مرتکب قصد ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم را ندارد بلکه مثلاً به قصد تهدید و به انگیزه وصول مطالبات خود از بدهکار به روی او سلاح کشیده است. در جرم نشر اکاذیب نیز علاوه بر علم مرتکب به کذب و نادرست بودن اظهار یا اسناد و عمد او در فعل، به انگیزه یا داعی مجرم یعنی اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی توجه خاص نموده است و آن را از شرایط تحقق جرم می داند.^۲ ماده ۶۹۸ ق.م.ا در این خصوص مقرر می دارد «هرکس به قصد اضرار یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات...» (قصد اضرار یا تشویش) باید وجود داشته باشد اما در ذیل ماده مقرر می دارد «اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه»، در اینجا مقنن حدوث ضرر مادی یا معنوی را لازم نمی داند پس نشر اکاذیب جرمی مقید نیست و عبارت صدر ماده «قصد اضرار یا تشویش» انگیزه این جرم می باشد که برای تحقق جرم وجود آن ضروری است.

* موارد استثنائی تأثیر انگیزه:

⊖ انگیزه در تعیین مجازات تعزیری، تأثیر دارد.^۳

⊖ انگیزه شرافتمندانه از جهات تخفیف مجازات تعزیری است.^۴

⊖ انگیزه شرافتمندانه در تعلیق، تعویق و... نیز تأثیر دارد.^۵

۱- گلدوزیان، پیشین، ص ۱۸۱

۲- اردبیلی، پیشین، ص ۳۴۷

۳- بند الف ماده ۱۸ ق.م.ا.

۴- بند پ ماده ۳۸ ق.م.ا.

۵- مادتهای ۴۰ و ۴۶ ق.م.ا.

بند دوم: عنصر معنوی در جرایم غیر عمدی

- ⊖ در حقوق جزا، اصل بر عمدی بودن جرایم است مگر در موارد استثنایی که نتیجه واقع شده برای قانونگذار آن چنان اهمیتی دارد که غیر عمدی بودن آن را هم جرم تلقی می کند. بنابراین غیر عمدی بودن جرم باید تصریح شود.
- ⊖ تقصیر یا خطای کیفری عنصر معنوی جرایمی است که اصطلاحاً غیر عمد نامیده می شود.^۱
- ⊖ عنصر معنوی در جرایم غیر عمدی، تقصیر است. ماده ۱۴۵ ق.م.ا مقرر می دارد «تحقق جرایم غیر عمدی منوط به احراز تقصیر مرتکب است» و مطابق با تبصره ی همان ماده «تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی مبالاتی محسوب می شود».
- ⊖ در قوانین خاص، گاهاً مقنن از اصطلاحاتی مانند مسامحه، اهمال، غفلت، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی و... استفاده شده که به استناد تبصره ماده اخیر، همه آن ها حسب مورد از مصادیق بی احتیاطی یا بی مبالاتی محسوب می شود.

فصل دوم (حقوق جزای عمومی ۲)

شامل:

مجرم (فاعل، شریک و معاون)

شرایط مسئولیت کیفری

موانع مسئولیت کیفری

مبحث اول: بزهار

بزهار یا مجرم در نظام کیفری ما کسی است که رفتاری مغایر با اوامر و نواهی قانون گذار انجام مرتکب می شود.^۱ حقوق دانان اشخاص را به حقیقی و حقوقی تفکیک می نمایند. در ارتکاب جرم توسط اشخاص حقیقی تردیدی وجود ندارد اما در خصوص اشخاص حقوقی، نظام کیفری ما هیچ گاه به صراحت مسئولیت کیفری را تا پیش از قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸ پیش بینی نکرده بود. نهایتاً این که مقنن با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲؛ به عنوان یک قاعده کلی پذیرفت اما تحقق شرایط مسئولیت کیفری شخص حقوقی را مشروط به اجتماع یک رشته اوصافی دانسته است که در دو ماده پراهم (ماده ۲۰ و ماده ۱۴۳) به بیان آن پرداخته است.^۲

ماده ۱۴۳ ق.م.ا مقرر می دارد: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست».

☞ **نماینده قانونی** کسی است که یا به موجب قانون و یا به موجب قرارداد اختیاراتی به او داده شده تا برای دیگری کار یا کارهایی را انجام دهد.^۳

☞ **منافع**، جمع منفعت در ماده ۱۴۳ اعم از مادی و معنوی، احتمالی یا قطعی است.^۴

☞ **به نام**، لفظی است که معنی آن دقیقاً مشخص نیست. ظاهراً عبارت ماده ۱۴۳ مفید این معنی است که مدیر، نماینده و یا هر شخص حقیقی دیگر که سمت قانونی دارد در جهت جلب منفعت شخص حقوقی یا به حساب آن تلاش کرده باشد.^۵

☞ ماده ۲۰ از ق.م.ا هم به مجازات اشخاص حقوقی اختصاص دارد که در فصل آتی به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

☞ مرتکب جرم با عناوین فاعل، شریک و معاون شناخته می شود.

۱- اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، ص ۵۳

۲- همان، ص ۵۸

۳- همان، ص ۶۷

۴- همان

۵- همان، ص ۶۸

گفتار اول: فاعل

⊖ اصطلاح فاعل یا کننده به کسی اطلاق می شود که فعل از او سر زده است.^۱

⊖ در اصطلاح فقهی و حتی در برخی موارد قانونی، به فاعل جرم، مباشر نیز گفته می شود. مطابق با ماده ۴۹۴ ق.م.ا «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود».

اصطلاح مباشرت در مقابل تسبیب به کار می رود که به موجب ماده ۵۰۶ ق.م.ا: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند».

* فاعل جرم به فاعل مادی و فاعل معنوی تقسیم می شود:

۱- **فاعل مادی:** کسی است که رفتار مادی و معنوی او با توصیف قانونی جرم کاملاً مطابقت دارد. مانند کسی که مال دیگری را می رباید. فرقی نمی کند که عمل او مسقیماً (مانند کسی که دست ببرد و مال را از حرز خارج نماید) و یا با واسطه باشد (مثلاً پرنده ای دست آموزی را وسیله ای برای خارج کردن مال قرار دهد) که اصطلاحاً مسبب نامیده می شود.

۲- **فاعل معنوی:** فاعل معنوی در برابر فاعل مادی کسی است که جرم را توسط دیگری مرتکب شود. فاعل معنوی را باید نسبت به فاعل مادی که بازوهای اجرایی جرم محسوب می شوند، مغر و اندیشه به شمار آورد و به همان اندازه از رفتار وی بیمناک بود. مانند ماده ۶۲۱ ق.م.ا از کتاب تعزیرات که مقرر می دارد: «هرکس... شخصاً یا توسط دیگری شخصی را بر باید یا مخفی کند...» که در این مقرره بودن توسط شخصی دیگری را فاعل معنوی قلمداد می نمایند.^۲

⊖ مقنن ۲ روش را برای مسئولیت فاعل معنوی در نظر گرفته است:

الف) زمانی که مجازات فاعل معنوی تشدید می شود: مانند ماده ۱۲۸ ق.م.ا که مقرر می دارد «هرکس از افراد نابالغ بعنوان وسیله جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می گردد».

ب) در برخی موارد تفاوتی میان فاعل مادی و معنوی قائل نشده است و به یک میزان مجازات محکوم می گردند: مانند ماده ۶۲۱ ق.م.ا از کتاب تعزیرات که مقرر می دارد «هرکس شخصاً یا توسط دیگری شخصی را بر باید» که ارتکاب این جرم توسط دیگری، همان فاعل معنوی است و در مجازات فرقی نمی کند که شخصاً بر باید یا توسط دیگری.

۱- همان، ص ۷۵

۲- همان، ص ۹۲

گفتار دوم: شرکت در جرم

ماده ۱۲۵ ق.م.ا مقرر می دارد: «هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرائی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرائم غیرعمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است».

⊖ شرکت در جرم، عبارت است از همکاری دست کم دو یا چند نفر در اجرای جرمی خاص، به طوری که رفتار هر یک سبب وقوع آن شود. همکاران را شریک در جرم و رفتار آنان را شرکت در جرم می نامند.^۱

نکته: در قانون مجازات اسلامی سابق، شرکت در جرم محدود به جرائم تعزیری و بازدارنده شده بود. اما قانون مجازات اسلامی جدید این قید را حذف نموده و دامنه ی آن را به تمام جرائم تعمیم داده است.

⊖ البته حکم ماده ۱۲۵ هر چند کلی است و تمام جرائم را شما می شود اما احکام مجازات برخی از جرائم در خصوص شرکت در جرم تابع قواعد خاص خود می باشد. به موجب تبصره ماده ۱۲۵ ق.م.ا: «اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتابهای دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می گیرد».^۲

⊖ البته امکان شرکت در برخی جرائم منتفی است و ارتکاب آنها قائم به فرد می باشد. مانند حد قذف، شرب خمر و سب النبی. دسته دوم هم جرایمی است که فقط با مداخله ۲ نفر قابل تحقق می باشد و هیچ گاه به تنهایی قابل تحقق نیست مانند زنا، لواط، تفضیح و مساحقه.^۳

* شرایط تحقق شرکت در جرم:

- ۱- مداخله حداقل ۲ نفر در عنصر مادی جرم؛ هر چند تاثیر مداخله آنها مهم نیست؛^۴
- ۲- مستند بودن جرم به عمل همه شرکا، یعنی رفتار هر کدام جزعی از علت وقوع جرم باشد؛^۵
- ۳- علم و عمد همه شرکا ضروری است؛ البته در خصوص جرایمی که فروض غیر عمدی آنها نیز جرم انگاری گردیده است باید خاطر نشان شد که رفتار مجرمانه می تواند از جانب یکی از شرکا عمدی و از جانب دیگری غیر عمدی باشد. این موضوع هر چند در ماده ۱۲۵ پیش بینی نگردیده است اما می توان در این خصوص به ماده ۳۶۹ ق.م.ا

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۷۸

۲- همان، ص ۸۱

۳- همان

۴- همان

۵- همان

در باب شرکت در جنایات استناد نمود که مقرر می دارد: «قتل یا هرجنایت دیگر، می تواند نسبت به هر یک از شرکا حسب مورد عمدی، شبه عمدی یا خطای محض باشد».

نکته: شرکت در جرایم عمدی و غیر عمدی قابل تصور است.

نکته: شرکت در جرم هم بصورت فعل و هم بصورت ترک فعل قابل تحقق است.

نکته: مجازات شرکای در جرم، مجازات فاعل مستقل است. (اعم از اینکه جرم عمدی یا غیر عمدی باشد)

نکته: به طور کلی تحقق شرکت در جرم منوط به هیچ گونه توافقی نیست (تبانی در شرکت در جرم شرط نیست).^۱

نکته: میزان مداخله شرکا شرط نیست اما مداخله ضعیف به موجب بند ج م ۳۸ ق.م.ا از جهات تخفیف مجازات تلقی می گردد.

مسئولیت کیفری شریک در جرم کاملاً شخصی است و به هیچ نحو به مسئولیت کیفری شرکای دیگر ربطی ندارد. بنابراین هر یک از شرکای جرم می توان به تنهایی مورد تعقیب قرار گیرد. مانند آن که پدری با برادر خود مبادرت به سرقت اموال فرزند خود نماید که در این حالت، هر چند خود پدر طبق بند ج ماده ۲۶۸ ق.م.ا از حد معاف است اما برادر وی با احراز سایر شرایط، مشمول حد خواهد بود.^۲

نکته: رفتار مجرمانه می تواند از جانب یکی از شرکا عمدی و از جانب دیگری غیر عمدی باشد. این موضوع هر چند در ماده ۱۲۵ پیش بینی نگردیده است اما می توان در این خصوص به ماده ۳۶۹ ق.م.ا در باب شرکت در جنایات استناد نمود که مقرر می دارد: «قتل یا هرجنایت دیگر، می تواند نسبت به هر یک از شرکا حسب مورد عمدی، شبه عمدی یا خطای محض باشد».

گفتار سوم: معاونت در جرم

ماده ۱۲۶ ق.م.ا مقرر می دارد: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می شوند:

الف- هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند».

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۸۶

۲- گلدوزیان، پیشین، زیر نویس شماره ۲ ماده ۱۲۵

ملاحظه می گردد که مقنن تعریقی در مورد معاونت ارائه نکرده و صرفاً مصادیقی از آن را ذکر نموده است که این مصادیق حصری است.

معاون در جرم کسی است که شخصاً در ارتکاب عنصر مادی قابل استناد به مباشر یا شرکای جرم دخالت نداشته و تنها در ارتکاب جرم از طریق رفتار مادی (ولی متمایز از عنصر مادی نفس جرم)، با قصد مجرمانه همکاری داشته است.^۱

* شرایط تحقق معاونت :

۱- **جرم بودن عمل فاعل از شرایط تحقق معاونت در جرم است؛** فعل معاون در صورتی که فعل مباشر اصلی قانوناً جرم نباشد، قابل مجازات نیست.^۲ مثلاً خودکشی در قوانین جزایی ما جرم محسوب نمی شود، بنابراین معاونت در خودکشی هم جرم نیست.^۳

۲- **معاونت در جرم تنها بصورت فعل واقع می شود** (برخلاف شرکت در جرم)؛ همه ی مصادیق مقرر در ماده ۱۲۶ از طریق فعل قابل تحقق است. بنا براین ترک فعل و خوداری از عمل را نمی توان به عنوان معاون جرم مجازات کرد.^۴ البته معاونت در جرایمی که عنصر مادی آنها به صورت ترک فعل می باشد قابل تحقق است. ما کسی که شوهر را به ندادن نفقه زوجه (ترک فعل از جانی مباشر) ترغیب یا تحریک (فعل از جانب معاون) می کند.^۵

۳- **مباشر باید عمل مجرمانه را انجام داده یا شروع به اجرای آن کرده باشد؛** جرم بودن فعل اصلی به تنهایی شرط تحقق معاونت نیست بلکه باید فعل مذکور به اجرا درآید. به عبارت دیگر فاعل جرم تمام مراحل تهیه مقدمات را پشت سر گذاشته و دست کم جرم را شروع کرده باشد. تا مسئولیت متوجه معاون گردد. از سوی دیگر جرم شناختن رفتار معاون منوط به اجرای کامل آن است. اگر معاونت به هر دلیلی صورت نگیرد یا متوقف بماند رفتار مذکور جرم نیست. زیرا چنانکه مشهور است معاونت در شروع به جرم مجازات دارد اما شروع به معاونت مجازات ندارد. مگر اینکه رفتار معاون فی نفسه جرم باشد.^۶

۴- **عمل معاون باید در وقوع جرم مؤثر باشد؛** یعنی بین عمل معاون و فاعل جرم رابطه علیت وجود داشته باشد. مثلاً اگر چاقویی را برای کشتن دیگری به فاعل تحویل دهد اما فاعل، مجنی علیه را با اسلحه به قتل برساند، معاون به دلیل عدم تأثیر عمل او (دادن چاقو) در ارتکاب جرم قابل مجازات نخواهد بود.

۱- گلدوزیان، پیشین، زیر نویس شماره ۱ ماده ۱۲۶

۲- همان، زیر نویس شماره ۱۰ ماده ۱۲۶

۳- البته در یک مورد معاونت در خودکشی جرم انگاری شده و آن بند «ب» ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه است که معاونت در خودکشی از طریق رسانه های رایانه ای یا مخابراتی یا حامل های داده، جرم محسوب می گردد.

۴- همان، زیر نویس شماره ۳ ماده ۱۲۶؛ برای مشاهده نظر مخالف ر.ک. نوربها، رضا، حقوق جزای عمومی، ص ۲۴۰

۵- اردبیلی، پیشین، ص ۹۶؛ در یک مورد معاونت از طریق ترک فعل قابل تحقق است و آن ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر است که به موجب آن «اگر مالک از وقوع معامله مطلع شده و تا یک ماه پس از حصول اطلاع اظهاریه برای ابلاغ به انتقال گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود به اداره ثبت اسناد یا دفتر بدایت یا صلحیه یا یکی از دوائر دیگر دولتی تسلیم ننماید معاون جرم محسوب خواهد شد»؛ این موضوع همچنین با لزوم تقدم یا اقتران زمانی بین فاعل و معاون در تعارض است.

۶- اردبیلی، پیشین، ص ۹۶؛ همسو با این نظر ر.ک. گلدوزیان، پیشین، زیر نویس شماره ۴ ماده ۱۲۶

۵- باید بین عمل معاون و فاعل تقدم یا اقتران زمانی وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر اعمال موخر بر ارتکاب جرم مانند اخفای آثار و ادله ی جرم، مخفی کردن تبهکاران و بطور کلی کمک و مساعدت های پس از ارتکاب جرم معاونت به شمار نمی آید.^۱ با این حال اعمال پس از وقوع جرم هر چند مرتبط با جرم اصلی باشد، ممکن است موضوع جرم مستقلی قرار گیرد.^۲ برای مثال اگر شخصی مالی را ربوده و سپس برای حمل و نگهداری آن از دوست خود مساعدت گیرد، فرد اخیر هرچند به دلیل عدم تقدم و اقتران زمانی معاون در سرقت نیست اما به عنوان جرم مستقل (ماده ۶۶۲ ق.م.ا از کتاب تعزیرات) قابل تعقیب خواهد بود. این شرطی است که در تبصره ماده ۱۲۶ پیش بینی گردیده است.

۶- باید بین معاون و فاعل جرم وحدت قصد وجود داشته باشد. لزوم مشارکت عالمانه در جرم اقتضاء می کند که بین قصد معاون و افعالی که فاعل اصلی جرم مرتکب می شود وحدت کامل وجود داشته باشد. این خواست در تبصره ماده ۱۲۶ با این عبارت که «برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد ... شرط است»؛ پیش بینی گردیده است. البته منظور از وحدت قصد این نیست که لزوماً توافق پیشینی بین معاون و مباشر وجود داشته باشد. بلکه همین اندازه که معاون مباشر اصلی جرم را قاصد بداند یا او را قاصد بسازد و در جهت تحقق این قصد به وی یاری رساند وحدت قصد بین این دو به وجود آمده است. برای مثال اگر ناظری در اثنای زد و خورد بین دو نفر چاقویی در کف یکی از طرفین قرار دهد که دیگری را با این وسیله مجروح سازد عمل وی معاونت در ایراد ضرب و جرح است حتی اگر پیش از آن هرگز ضارب را ندیده و نشناخته باشد. با اسن حال اگر مرتکب جرم اصلی از حدود توافق ضمنی با معاون خارج شود، در این خصوص تبصره ماده ۱۲۶ مقرر می دارد: «چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیفتر محکوم می شود».^۳ که در این صورت اگر معاون وسیله ای را برای ایراد ضرب و جرح در اختیار مباشر قرار دهد ولی مباشر با همان وسیله مجنی علیه را به قتل برساند، معاون صرفاً به آنچه که بین وی و مباشر مقصود بوده و محقق گردیده محکوم خواهد شد و نمی توان وی را معاون در قتل تلقی نمود. حال اگر مباشر جرمی را خفیف تر از آنچه که بین وی و معاون مقصود بوده مرتکب شود، مثلاً معاون وسیله ای را برای ارتکاب قتل در اختیار مباشر قرار می دهد اما مباشر به هر دلیلی فقط می تواند ایراد ضرب نماید، در این صورت که دقیقاً عکس آنچه در تبصره ماده ۱۲۶ پیش بینی گردیده است رخ داده که در فرض مذکور به نظر می رسد معاونت در حدود فعل انجام شده قابل مجازات باشد چرا که محکوم نمودن معاون به معاونت در قتل که رخ نداده است با اصول حقوقی سازگار نخواهد بود.

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۱۱۱

۲- گلدوزیان، چیشین، زیر نویس شماره ۵ ماده ۱۲۶

۳- اردبیلی، پیشین، ص

نکته: لزوم وحدت قصد به معنی لزوم تبانی نیست. بنابراین در معاونت هم، همانند شرکت در جرم، تبانی شرط نیست.

نکته: از لزوم وجود وحدت قصد بین معاون و مباشر می توان دریافت، معاونت در جرایم غیر عمدی محقق نمی گردد.^۱

* مجازات معاون جرم:

مقنن در ماده ۱۲۷ ق.م.ا، مجازات معاون را بسته به نوع و میزان مجازات فاعل تعیین کرده است. اما اعمال ماده ۱۲۷ منوط به تعیین نشدن مجازات خاص در قانون یا شرع برای معاون شده است.

بند اول: وجود مجازات خاص در شرع یا قانون

۱- وجود مجازات خاص شرع:

در شرع برای معاونت در قتل دو مجازات پیش بینی شده است. برای ممسک، یعنی کسی که شخصی را نگه می دارد تا دیگری او را بکشد، حبس ابد در نظر گرفته شده و برای دیده بان در قتل، مجازات کور کردن تعیین شده است. همچنین رده (کسی که در ضبط و حمل و نگهداری اموال کاروانیان به راهنان کمک می کند) و طلیح (کسی که برای محارب دیدبانی می دهد) برخی از فروض معاونت در شرع است که عناوین خاص دارند که این دو در جرم محاربه یار و کمک راهنان به حساب می آیند.^۲

۲- وجود مجازات خاص در قانون:

در پاره ای موارد، مقنن مجازات خاصی را برای معاونت در جرم در قانون پیش بینی کرده است. مانند ماده ۵۸۴ ق.م.ا که مقرر می دارد «کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم توقیف غیر قانونی مکانی تهیه کرده و بدین وسیله معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات محکوم می گردد».

بند دوم: عدم وجود مجازات خاص در شرع یا قانون

اگر در قانون یا شرع مجازات خاص برای معاون پیش بینی نشده باشد، طبق ماده ۱۲۷ ق.م.ا عمل می گردد:

۱- در جرایم تعزیری:

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۱۱۳؛ برای مشاهده نظری که معاونت را در جرایم غیر عمدی نیز قابل تحقق می داند ر.ک. گلدوزیان، پیشین، زیر نویس شماره ۲۴ ماده ۱۲۶

۲- اردبیلی، پیشین، ص ۱۲۴

الف) اگر مجازات جرم ارتكابی سلب حیات یا حبس دائم باشد معاون به حبس تعزیری درجه ۲ یا ۳ محكوم خواهد شد.
 ب) در سایر جرایم موجب تعزیر يك تا ۲ درجه پایین تر از جرم ارتكابی خواهد بود. البته مطابق با تبصره ۱ همان ماده، مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است. مثلاً اگر مجازات فاعل حبس باشد، مجازات معاون هم باید حبس باشد. در مورد جزای نقدی و شلاق هم به همین شکل است. اما اگر مجازات قانونی جرم ارتكابی، مصادره اموال، انفصال دائم و یا انتشار حکم محكومیت باشد، مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه ۴، ۶، و ۷ خواهد بود.

© ماده ۷۲۶ ق.م.ا از کتاب تعزیرات با ماده ۷۲۸ ق.م.ا نسخ شده است

۲- در مورد سایر جرایم :

- الف) در جرایم سلب حیات و حبس دائم ← مجازات معاون ← حبس تعزیری درجه ۲ یا ۳
 ب) در جرایم سرقت حدی و قطع عمدی عضو ← مجازات معاون ← حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶
 پ) در جرایم شلاق حدی ← مجازات معاون ← ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری

نکته: اگر قصاص نفس یا عضو اجرا نشود، مجازات معاون، ۱ تا ۲ درجه از مجازات تعزیری مقرر پایین تر خواهد بود. مثلاً در فرض عدم اجرای قصاص مطابق با ماده ۶۱۲ ق.م.ا از کتاب تعزیرات، ۳ تا ۱۰ سال حبس برای مرتكب پیش بینی شده است که در این حالت مجازات معاون را باید بر اساس همین میزان مشخص کرد (۱۰ سال حبس تعزیری درجه ۴ است، در این حالت مجازات معاون حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶ خواهد بود).^۱

نکته: هر کس در رفتار مجرمانه شخص نابالغ معاونت نماید، به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محكوم خواهد شد.^۲

نکته: ماده ۱۲۹ ق.م.ا مقرر می دارد: «هرگاه در ارتكاب رفتار مجرمانه، مرتكب به جهتی از جهات شخصی مانند صغر و جنون، قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به جهتی از این جهات، موقوف گردد تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد». مقصود مقنن از «جهات» مذکور در ان ماده اوصافی است که کاملاً شخصی است و فقط در مرتكب اصلی جرم جمع می باشد. مانند عذرهای معاف کننده، مصونیت ها، علل اسناد ناپذیری (طفولیت، جنون) که موجب موقوفی تعقیب یا اجرای مجازات می شود. ولی جهات عینی که جرم بودن رفتار و وصف آن را تغییر می دهد بر عکس جهات شخصی بر سرنوشت معاون تأثیر می گذارد؛ مانند اسباب اباحه.^۳

۱- این مورد در تبصره ۲ ماده ۱۲۷ ق.م.ا پیش بینی شده است که باید آن را ناسخ تبصره ی ماده ۶۱۲ ق.م.ا از کتاب تعزیرات بدانیم.

۲- ماده ۱۲۸ ق.م.ا

۳- اردبیلی، پیشین، ص ۱۲۷

* سردستگی

⊖ سردستگی چه بصورت معاونت باشد چه بصورت شرکت، از کیفیات شخصی تشدید مجازات است.

⊖ هر کس سردستگی گروه مجرمانه را بر عهده بگیرد، در این صورت مجازات وی حداکثر:

۱- شدیدترین مجازات جرم ارتكابی توسط اعضاء گروه خواهد بود، در صورتی که جرم ارتكابی آنها غیر از حد، قصاص یا دیه باشد.

۲- شدیدترین مجازات معاونت در آن جرم خواهد بود، اگر جرم ارتكابی اعضاء گروه از نوع حد، قصاص یا دیه باشد.

۳- اگر عنوان محاربه یا فساد فی الارض به سر دسته گروه صدق کند، فقط به مجازات محاربه یا فساد فی الارض محکوم می گردد.

نکته: گروه مجرمانه، گروهی نسبتاً منسجم متشکل از ۳ نفر یا بیشتر است که برای ارتكاب جرم تشکیل شده یا پس از تشکیل، هدف آن ها برای ارتكاب جرم منحرف شده است.^۱

نکته: سر دستگی عبارت است از تشکیل، طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه.^۲

مبحث دوم: مسؤلیت کیفری

مسؤلیت در لغت به معنی موظف بودن به انجام دادن امری است.^۳

در قلمرو حقوق کیفری باید ابتدا تقصیری که فرد مرتکب شده است را به حساب وی گذاشت و سپس از وی حساب خواست. توانایی پذیرفتن بار تقصیر را در اصطلاح حقوق دانان قابلیت انتصاب می نامند و آن را برخورداری فاعل از قدرت ادراک و اختیار تعریف کرده اند. بنابراین اگر مجرم مدرک و مختار نباشد مسؤل رفتار خود نیست و در قبال اوامر و نواهی مقنن تکلیفی ندارد.

از دیدگاه قانونی، برخورداری از صفاتی مانند عقل، بلوغ و اختیار شرط مسؤلیت کیفری است. صفاتی که اگر فاعل حین ارتكاب جرم فاقدان باشد مجازات وی منتفی است. این موضوع در ماده ۱۴۰ ق.م.ا به این نحو پیش بینی گردیده است:

«مسؤلیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتكاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد...»

۱- تبصره ۱ ماده ۱۳۰

۲- تبصره ۲ همان

۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی، مسؤلیت

مطابق با ماده ۱۴۱ ق.م.ا: «مسئولیت کیفری شخصی است» این مطلب بیان گر اصل شخصی بودن جرایم و مجازات هاست. به عبارت دیگر مجازات فقط در حق مرتکب اعمال خواهد شد.

نکته: مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر زمانی قابل تحقق است که^۱:

الف) شخص به طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد (یا)

ب) در رابطه با نتیجه رفتار دیگری مرتکب تقصیر شده باشد.

نکته: اصل بر مسئولیت کیفری شخص حقیقی است و شخص حقوقی زمانی مسئولیت کیفری دارد که^۲:

الف) نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا

ب) در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود.

نکته: مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست^۳.

* شرایط تحقق مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری:

۱- رفتار ارتكابی، تخلف از نقض مقرراتی باشد که مسئول کیفری رفتار دیگری شخصا ملتزم به رعایت و اجرای آن بوده است.

۲- نقض مقررات عمدی نباشد.^۴

گفتار اول: شرایط مسئولیت کیفری

☉ قانونگذار شرایطی را برای مسئولیت کیفری در فصل اول بخش چهارم از کتاب تعزیرات، پیش بینی کرده است.

۱- عقل

۲- بلوغ

۳- اختیار

شرایط مسئولیت کیفری^۵

۴- قصد (قصد مجرمانه برای تحقق جرایم عمدی است - ماده ۱۴۴ ق.م.ا)

۱- ماده ۱۴۲ ق.م.ا

۲- ماده ۱۴۳ ق.م.ا

۳- همان

۴- اردبیلی، پیشین، ص ۱۴۱

۵- ماده ۱۴۰ ق.م.ا

گفتار دوم: اسباب مانع مسئولیت کیفری

عواملی که شرایط مسئولیت کیفری را در مرتکب خدشه دار نماید تحت عنوان عوامل مانع مسئولیت کیفری شناخته می گردد. این عوامل در فصل دوم بخش چهارم از کتاب اول تحت عنوان موانع مسئولیت کیفری پیش بینی گردیده است.

نکته: علل رافع مسئولیت کیفری، کیفیاتی هستند شخصی و درونی (برخلاف عوامل موجهه که کیفیاتی عینی و خارجی هستند)

نکته: اثر رفع مسئولیت کیفری معافیت از مجازات است ولی عمل همچنان جرم می باشد و مرتکب به دلایلی مجازات نخواهد شد.^۱ (در عوامل موجهه جرم به دلیل زوال عنصر قانونی عمل جرم نیست)

نکته: علل رافع مسئولیت کیفری باعث مبری شدن مرتکب از مسئولیت کیفری است ولی مسئولیت مدنی به قوت خود پا برجاست. (در عوامل موجهه هم مسئولیت کیفری زایل می شود و هم مسئولیت مدنی - البته استثنائاتی هم وجود دارد)

نکته: علل رافع مسئولیت کیفری به دلیل ویژگی شخصی و درونی بودن آن فقط در حق مرتکبی که از علل رافع برخوردار است، تأثیر دارد و شامل حال شرکاء و معاونان نخواهد شد.^۲

<p>۱- علل تام: عدم بلوغ، جنون، اجبار ۲- علل نسبی: اشتباه، خواب، مستی</p>	}	علل رافع مسئولیت کیفری
--	---	------------------------

بند اول: علل تام

۱- عدم بلوغ

☉ در حقوق ایران مسئولیت کیفری از سن معینی شروع می شود. این معیار بر اساس بلوغ شرعی است که به موجب ماده ۱۴۷ ق.م.ا: «سن بلوغ در پسران ۱۵ سال تمام قمری و در دختران ۹ سال تمام قمری است».

☉ مطابق با ماده ۱۴۶ ق.م.ا «افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند». و معاف از مجازات هستند لیکن این معافیت مانع از اتخاذ تدابیر تامینی و تربیتی به موجب ماده ۱۴۸ و تبصره ۲ ماده ۲۲۱ نخواهد بود.

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۱۴۹

۲- همان، ص ۱۵۱

بنابراین ملاحظه می گردد که مطابق با ماده ۱۴۰ ق.م.ا. بلوغ از شرایط مسئولیت کیفری است و عدم آن مستفاد از ماده ۱۴۶ همان قانون مانعی برای تحمیل مسئولیت کیفری نیز خواهد بود.

*** مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در مورد اطفال و نوجوانان در ماده ۸۸ ق.م.ا. پیش بینی شده است و عبارت می شوند از :**

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز أخذ نماید:

- ۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان
- ۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی
- ۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک
- ۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه
- ۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محلهای معین

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند(الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده(۱۱۷۳)قانون مدنی

تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

*** اعمال این اقدامات بسته به نوع جرم ارتكابی و بسته به سن اطفال متفاوت است:**

الف) در صورت ارتكاب جرم تعزیری:

۱- اگر سن آن ها بین ۹ تا ۱۱ سال شمسی باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای «الف» تا «پ»

۲- اگر سن آن ها بین ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی باشد ۲ فرض پیش بینی شده است :

فرض اول: اگر جرم تعزیری درجه ۱ تا ۵ باشد ← به اقدام مقرر در بند «ث» محکوم خواهند شد.

فرض دوم: اگر جرم تعزیری درجه ۶ تا ۸ باشد ← به یکی از اقدامات مقرر در بندهای «الف» الی «ث» محکوم خواهند شد.

نکته: دادگاه فقط یکی از اقدامات مقرر در ماده را می تواند اعمال نماید.

ب) اگر جرم ارتكابی حدی یا قصاص گردد:

۱- اگر سن مرتکب بین ۹ تا ۱۱ سال تمام قمری باشد ← به یکی از اقدامات مندرج در بندهای «الف» تا «پ» محکوم می گردد.

۲- اگر سن مرتکب بین ۱۲ تا ۱۵ سال تمام قمری باشد ← به یکی از اقدامات مندرج در بندهای «ت» یا «ث» محکوم می گردد.

⊖ اعمال اقدامات مقرر در بندهای «الف» الی «ث»، فقط در مورد جرایم عمدی است. در مورد جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا هر ضمان مالی دیگری است، دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوط به پرداخت دیه و خسارت حکم می کند. همچنین در خصوص مسئولیت مدنی صغیر، هیئت عمومی دیوان عالی کشور به موجب رأی وحدت رویه شماره ۲ مورخ ۶۰، در مورد ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه جزا، مقرر می دارد که به عهده شخص متهم صغیر است و محکوم به مالی، از اموال خود او استیفاء خواهد شد و ولی او به عدم علت اهلیت صغیر، نماینده قانونی وی می باشد. دادخواست باید به طرفیت ولی او تقدیم شود.^۱

*** مقنن در مورد اشخاص ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی نیز در صورت ارتكاب جرم تعزیری قائل به اعمال مجازات های خاصی می باشد که این مجازات ها در ماده ۸۹ ق.م.ا، پیش بینی شده است:**

الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است.

۱- مطابق با ماده ۱۱۸۳ و ۱۲۱۶ قانون مدنی

ت- پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان درمورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ث- پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱- ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲- دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین میکند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

⊖ اشخاص ۱۵ تا ۱۸ سال در صورت ارتكاب جرم حدی یا قصاص، اگر حرمت جرم ارتكابی یا ماهیت آن را درک نکنند یا در رشد و کمال عقلی آنان شبه وجود داشته باشد، حسب مورد به مجازات های مقرر در ماده ۸۹ محکوم خواهند شد.^۱

۱- حرمت جرم ارتكابی یا ماهیت آن را درک نکنند (یا) ۲- در رشد و کمال عقلی آنان شبه وجود داشته باشد	}	در مورد اشخاص بیش از ۱۵ تا ۱۸ سال در صورت ارتكاب جرم مستوجب قصاص یا حد، اصل بر این است که مجازات این جرایم اعمال می‌گردد مگر
--	---	--

نکته: دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگری که مقتضی بداند، استفاده کند.^۲

* بازنگری در مورد احکام صادره در خصوص اطفال و نوجوانان :

۱- در مورد اطفال (۹ تا ۱۵ ساله):

مطابق با تبصره ۳ ماده ۸۸ ق.م.ا «تصمیمات مورد اشاره در بندهای «الف» و «ب» این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند، در تصمیم خود تجدید نظر کند».

۱- ماده ۹۱ ق.م.ا

۲- تبصره ماده ۹۱ ق.م.ا

۲- در مورد نوجوانان (بیش از ۱۵ تا ۱۸ ساله)

مطابق با ماده ۹۰ ق.م.ا «دادگاه می تواند با توجه به گزارش های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رأی خود تجدید نظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل کند. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدید نظر در صورتی اتخاذ می شود که طفل یا نوجوان حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع از استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آن ها نیست .

۲- جنون

هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم، دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد، مجنون محسوب می شود و مسئولیت کیفری ندارد.^۱

⊖ با توجه به تصریح ماده ۱۴۹، اختلالات روانی باید در حین ارتکاب جرم موجود باشد تا مانعی برای مسئولیت کیفری تلقی گردد. به عبارت دیگر، اختلالات روانی، عقل را که یکی از شرایط مسئولیت کیفری است (ماده ۱۴۰) زایل می کند.

⊖ اگر مرتکب در حین ارتکاب جرم مجنون باشد، مطابق با ماده ۲۰۲ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲، قرار موقوفی تعقیب صادر می گردد اما اگر مجنون با جلب نظر متخصص واجد حالت خطرناک تشخیص داده شود و آزاد بودن وی نیز موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی باشد به تشخیص دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می گردد.^۲

⊖ مطابق با بند «ب» ماده ۲۹۲ ق.م.ا، جنایت ارتكابی توسط مجنون، خطای محض محسوب می گردد. همچنین مطابق ماده ۳۰۵ ق.م.ا، «مرتکب جنایت عمدی نسبت به مجنون، علاوه بر پرداخت دیه، به تعزیر مقرر در کتاب پنجم نیز محکوم می گردد».

⊖ هرگاه مجنون مالی را تلف کند مطابق با ماده ۱۲۱۶ ق.م.ا، از مال خود مجنون جبران می گردد. این ضرر هزینه های دادرسی دعوای خصوصی را نیز شامل می گردد.^۳

* در خصوص جنون متهم سه فرض وجود دارد:

۱- جنون در حین ارتکاب جرم: اگر فرد در حین ارتکاب جرم دارای اختلالات روانی یا به اصطلاح قانونی، مجنون باشد چون برابر با ماده ۱۴۹ ق.م.ا، این فرد از موانع مسئولیت کیفری برخوردار بوده و قابل تعقیب کیفری نمی باشد. بنابراین در صورت احراز چنین امری، قاضی دادرسی به موجب ماده ۲۰۲ ق.آ.د.ک و قاضی دادگاه به استناد ماده ۳۷۰ همان

۱- ماده ۱۴۹ ق.م.ا

۲- ماده ۱۵۰ ق.م.ا

۳- اردبیلی، پیشین، ص ۱۵۷

قانون قرار موقوفی صادر می نماید و به استناد ماده ۱۵۰ ق.م.ا اگر مجنون دارای حالت خطرناک باشد تا رفع این حالت در محل مخصوصی نگهداری می شود.

۲- جنون قبل از صدور حکم قطعی: برای این فرض نسبت به نوع جرم ارتكابی واکنش های متفاوتی در قانون پیش بینی شده است که تفکیک به بررسی آنها می پردازیم؛

الف) جرایم حدی: در حدود باید بین حدودی که جنبه حق الهی دارند با حدودی که جنبه حق الناسی دارند قائل به تفکیک شد. تعقیب جرایم حدی واجد جنبه حق الناسی با جنون مرتکب در این فرض متوقف نمی شود اما اگر جرم مذکور واجد جنبه حق الهی باشد، جنون مانع تعقیب دعوی عمومی خواهد بود (تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا) مگر آن که ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی توانست از خود رفع اتهام کند (تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک).

ب) جرایم مستوجب قصاص: در جرایم مستوجب قصاص جنون مرتکب مانع تعقیب نخواهد بود (تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا).

پ) جرایم مستوجب دیه: در این فرض جنون مرتکب مانع تعقیب مرتکب نخواهد بود (تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا).

ت) جرایم تعزیری: در جرایم مستوجب تعزیر باید به صدر تبصره ۲ ماده ۱۳ استناد نمود و جنون مرتکب پیش از صدور حکم قطعی را، تا زمان افاقه، موجب توقف تعقیب و دادرسی دانست مگر اینکه ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند (تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک).^۱

ث) ضرر و زیان ناشی از جرم: جنون مرتکب در مورد مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم تاثیری ندارد (تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا).

نکته: در فروض فوق می توان ملاحظه نمود که جنون پس از ارتکاب جرم در جرایم تعزیری و جرایم حدی واجد جنبه حق الهی مانعی برای تعقیب مرتکب می باشد. نکته ای که باید به آن اشاره نمود این است که مقنن اعمال اقدامات تامینی (نگهداری در تیمارستان) را فقط به جرایم تعزیری محدود نموده است. همچنان که ماده ۱۵۰ ق.م.ا اشعار می دارد «هرگاه

مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی مخل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می شود». بنابراین برابر با مفاد این ماده اگر مرتکب جرم حدی حق الهی بعد از ارتکاب جرم مبتلا به جنون گردد نگهداری در تیمارستان و اعمال مقررات ماده ۱۵۰ ق.م.ا موضوعیت نخواهد داشت.

۱- در قسمت اخیر تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا مقرر است «نسبت به مجازاتهایی که جنبه حق الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست». حال سوال این است که آیا این موضوع در مورد تعزیرات نیز حاکم می باشد یا خیر و به عبارتی آیا جنون مرتکب در مجازات های تعزیری که جنبه حق الناسی دارند همانند قصاص، دیه و .. بی تاثیر می باشد یا نه؟ این در حالی است که مقنن هیچ تفکیکی بین جرایم حق الهی و حق الناسی به عمل نیاورده و از طرفی، ماده ۸ ق.آ.د.ک کلیه جرایم را واجد جنبه حق الهی می داند!!!! در این خصوص باید منتظر نظریات اساتید صاحب نظر بود.

نکته: با عنایت بر مطالب پیش گفته می توان گفت جنون بعد از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی در ۲ فرض مانعی برای تعیب دعوای عمومی به شمار می رود: ۱- جرایم تعزیری ۲- جرم حدی حق الهی

نکته: مشخص نیست که در این فرض با چه قراری تعقیب تا زمان افاقه متوقف خواهد شد!

۳- جنون بعد از صدور حکم قطعی: این فرض نیز همانند عارض شدن جنون پیش از صدور حکم قطعی، باید به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد؛

الف) جرایم حدی: هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمی شود. (تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا).

ت) جرایم مستوجب قصاص: در این فرض جنون مرتکب مانع تعقیب نیست به طریق اولی مانع اجرای حکم هم نخواهد بود (تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا).

پ) جرایم مستوجب دیه: در این فرض نیز استدلال مندرج در بند ت (بند اخیر) حاکم می باشد (تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا).

ت) جرایم تعزیری: هرگاه محکوم علیه در جرائم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می افتد؛ مگر در مورد مجازات های مالی - مانند جزای نقدی - که از اموال محکوم علیه وصول می شود (ماده ۵۰۳ ق.آ.د.ک).

ث) ضرر و زیان ناشی از جرم: علی رغم اینکه عدم تاثیر جنون مرتکب نسبت به مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم در تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا محدود به مرحله «تعقیب و رسیدگی» گردیده اما با توسل به قیاس اولویت، پس از صدور حکم قطعی نیز می توان جنون مرتکب را در مطالبه ضرر و زیان بی تاثیر دانست.

نکته: بنابراین جنون مرتکب پس از صدور حکم قطعی فقط در جرایم تعزیری غیر مالی، تا زمان افاقه، مانعی برای اجرای حکم تلقی می گردد. این که مرجع کیفری با صدور چه قراری اجرای حکم را به «تعویق» خواهد انداخت، مشخص نگردیده است.

۱- جنون بعد از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم:

الف) اگر جرم تعزیری باشد: مطابق با ماده ۱۵۰ ق.م.ا، در محل مناسب نگهداری می گردد و مطابق با تبصره ماده ۶ ق.آ.د.ک، تعقیب چنین مرتکبی تا زمان افاقه متوقف می گردد.

۱- به عقیده برخی از حقوق دانان در این فرض نیز باید قرار موقوفی تعقیب صادر گردد (آشوری، پیشین، ص ۲۰۲).

۱- حق اللّهی باشد: تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می افتد.
 ۲- حق الناسی باشد: مانع تعقیب و رسیدگی نیست.

ب) اگر جرم حدی باشد^۱

پ) اگر جرم مستوجب قصاص یا دیه باشد: مانع تعقیب و رسیدگی نیست.^۲

۲- جنون بعد از صدور حکم قطعی باشد:

الف) اگر جرم تعزیری باشد: مطابق با ماده ۵۰۳ ق.آ.د.ک: «هرگاه محکوم علیه در جرائم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق میافتد؛ مگر در مورد مجازات های مالی که از اموال محکوم علیه وصول میشود.

تبصره - محکوم به حبس یا کسی که به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می برد، در صورت جنون تا بهبودی در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگری نگهداری می شود. این ایام جزء مدت محکومیت وی محاسبه میشود.

ب) اگر جرم حدی باشد: مطابق با تبصره ۱ ماده ۱۵۰؛ حد ساقط نمی گردد.

پ) قصاص و دیه: چون جنون پس از وقوع جرم و قبل از صدور حکم قطعی مانع تعقیب و رسیدگی نیست، بعد از صدور حکم نیز به طریق اولی مانع رسیدگی نخواهد بود.

۳- اجبار و اکراه:

مطابق با ماده ۱۴۰ ق.م.ا، مختار بودن از شرایط مسئولیت کیفری است. بنابراین عواملی که باعث زوال اختیار می شود مانع مسئولیت کیفری است. بنابراین اجبار و اکراه، از موانع مسئولیت کیفری است.

اختیار در مفهوم جزایی در شمار عناصر مسئولیت کیفری است و در لغت به معنی آزادی عمل و قدرت بر انجام دادن کار به اراده ی خویش تعریف شده است.^۳

سلب اراده در همه ی جرایم اعم از عمدی، غیر عمدی و خطایی و آن دسته از جرایمی که خلاف نامیده می شود یعنی از عدم رعایت نظامات دولتی ناشی می گردد صادق است.^۴

۱- تبصره ۱ ماده ۱۵۰

۲- همان

۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی، اختیار

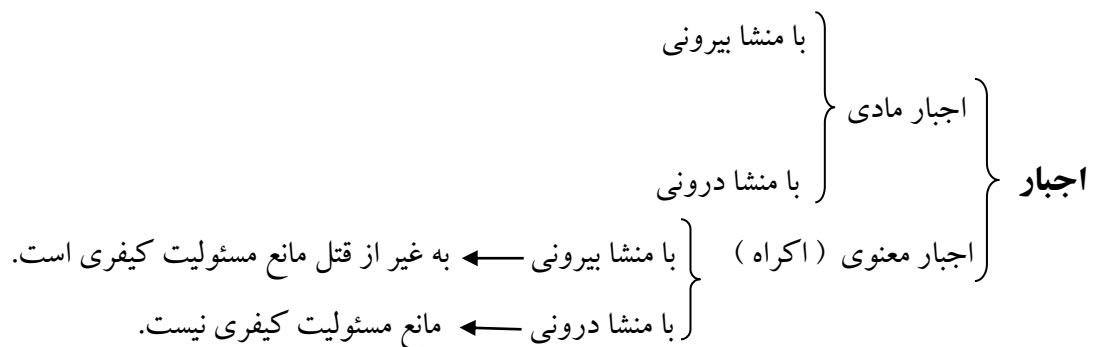
۴- اردبیلی، پیشین، ص ۱۷۲

ماده ۱۵۱ ق.م.ا، در رابطه با اکراه چنین مقرر می دارد «هرگاه کسی در اثر اکراه غیر قابل تحمل، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود مجازات نمی گردد. در جرایم موجب تعزیر، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می شود. در جرایم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط عمل خواهد شد».

علی رغم این که مقنن در ماده ۱۵۱ ق.م.ا فقط به اکراه اشاره کرده است، اجبار نیز در صورت زوال اراده و اختیار مانع مسئولیت کیفری خواهد بود.

اکراه، حالتی است که در آن مرتکب فاقد رضا می باشد.^۱

اجبار، حالتی است که در آن مرتکب فاقد قصد و اراده می باشد.^۲



۱- اجبار مادی با منشاء بیرونی: اجبار مادی بیرونی یا قوه قاهره امری است خارج از مرتکب و غیر مربوط به او، چندانکه تحت تاثیر آن هر انسانی بی آنکه قادر به مقاومت در برابر آن باشد ناگزیر از ارتکاب بزه می گردد.^۳ اجبار در ارتکاب جرایم عمدی به سختی متصور است اما در ارتکاب جرایم غیر عمدی و خطایی مصادیق فراوانی دارد. مانند ماده ۵۳۰ ق.م.ا که مقرر می دارد: «هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید، ضمان منتفی است».^۴

۲- اجبار مادی با منشاء دورنی: گاه نیز ممکن است اجبار علتی مستند به خود فاعل باشد. یکی از این علت ها بیماری است که قانون جرایم نیروهای مسلح مصوب ۸۲ آن را در شمار عذر های موجه به صراحت پیش بینی کرده است. به موجب ماده ۷۶ همان قانون نظامیانی که به علت بیماری بیش از مدتی که در قانون مقرر شده غیبت داشته باشند و یا نتوانند در مهلت های قانونی خود را به نهاد های مربوط معرفی نمایند فراری محسوب نخواهند شد.

خواب نیز فشار الزام آور دیگری است که در صورت غلبه ممکن است انطباق وضع انسان را با قوانین ممتنع سازد. در اینجا مقصود ارتکاب جرم در حالت خواب نیست بلکه تاثیر خواب در ایفای تکالیف مقرر در قانون است که مانع از آن است.

۱- گرجی، ابوالقاسم، حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۱۲۳؛ به نقل از اردبیلی، پیشین، ص ۱۷۳

۲- همان

۳- اردبیلی، پیشین، ص ۱۷۴

۴- همان

مثلاً به موجب ماده ۴۴ قانون اخیر الذکر اگر نگهبان نیروهای مسلح که مراقبت و حفاظت محل یا منطقه ای به او واگذار شده بر اثر خستگی مفرط و کم خوابی در حین نگهبانی مغلوب خواب گردد تکلیف از وی ساقط است.^۱

اجبار مادی خواه منشا بیرونی داشته باشد خواه منشا درونی هنگامی مانع مسئولیت کیفری است که اولاً؛ قابل تحمل نباشد و دوماً؛ معلول خطای خود فاعل به حساب نیاید.^۲

۳- اجبار معنوی (اکراه) با منشاء بیرونی: اجبار معنوی بیرونی که در حالتی می توان از آن به اکراه یاد کرد عبارت است از وادار کردن دیگری به ارتکاب جرم با تهدید یا خوف یا تحریک شدید و یا تلقین.

۴- اجبار معنوی با منشاء درونی: ارتکاب جرم در اثر میل شدید به انتقام جویی، تعصبات خاص خانوادگی، مذهبی هیجانانگیز عشقی و که هیچ کدام از آن ها مانع مسئولیت کیفری نیست. این حالت از موانع مسئولیت کیفری نیست و تحت شرایطی می تواند از جهات تخفیف مجازات (که منحصر به تعزیرات می باشد) محسوب گردد.^۳

* مجازات اکراه کننده :

۱- در جرایم موجب تعزیر: اکراه شونده از مجازات معاف و اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم خواهد شد.^۴

۲- در جرایم موجب حد:

⊖ در مورد زنا ← اکراه یا اجبار کننده اعدام می شود (بند ت ماده ۲۲۴ ق.م.ا).

⊖ در مورد لواط ← اکراه یا اجبار کننده اعدام می شود (ماده ۲۳۴ ق.م.ا).

⊖ همچنین به موجب ماده ۲۱۸ ق.م.ا، «در جرایم موجب حد، هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید، در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید، ارعاب یا شکنجه گرفته شده است، ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می شود».

۳- در جرایم موجب قصاص :

فرض اول : اکراه شونده جنایتی را بر روی دیگری انجام داده است .

الف) اکراه در جنایت بر نفس ← اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب قصاص و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می گردد.^۵

۱- همان، ص ۱۷۵

۲- همان، ص ۱۷۶

۳- اردبیلی، پیشین، ص ۱۸۰

۴- ماده ۱۵۱ ق.م.ا.

۵- ماده ۳۷۵ ق.م.ا.

نکته: اگر اکراه کننده به هر علت به حبس ابد محکوم نشود، به مجازات معاون در قتل محکوم می شود.^۱

ب) اکراه در جنایت بر عضو ← در این فرض مقنن قائل بر اجرای قصاص بر شخص اکراه کننده است.^۲

فرض دوم: اکراه شونده جنایتی را بر روی خودش انجام داده است.

مطابق با ماده ۳۷۹ ق.م.ا «هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شونده گردد جنایت عمدی است و اکراه کننده قصاص می شود مگر اکراه کننده قصد جنایت بر او را نداشته باشد و آگاهی و توجه به اینکه این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می شود، نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبهه عمدی است و اکراه کننده به پرداخت دیه محکوم می گردد».

بند دوم: علل نسبی رافع مسئولیت

۱- اشتباه:

اشتباه از ریشه شبه و در لغت به معنی مانند شدن و یا چیزی یا کسی را به جای چیزی یا کسی گرفتن است و آن عبارات است از تصور خلاف انسان از واقع، چنانکه امر موهومی را موجود و یا موجودی را موهوم پندارد.^۳

علم یا آگاهی از شرایط مسئولیت کیفری است که بنابراین هر انسانی که در ماهیت و اوصاف رفتار ارتكابی مشتبه باشد و یا نتوانسته باشد از دستور مقنن آگاهی یابد مقصر شناخته نمی شود. اشتباه آدمی جلوه ای از این نا آگاهی است که توجه انسان را از واقعیت امور دور می سازد و پیامدهایی دارد. با این همه جهل و اشتباه به یک میزان در تقصیر موثر نیست و در همه احوال از مرتکب رفع مسئولیت نمی کند.^۴

*** علمای حقوق اشتباه را به حکمی و موضوعی تقسیم بندی نموده و آثار متفاوتی را برای آن قائل هستند:**

الف) اشتباه یا همان جهل حکمی: مطابق با ماده ۱۵۵ ق.م.ا «جهل به حکم مانع از مجازات مرتکب نیست»، بنابراین اصل بر این است که جهل به حکم، مانع مسئولیت کیفری نمی باشد اما استثنائاً می تواند از مرتکب سلب مسئولیت نماید.

۱- تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد. یا

۲- جهل به حکم شرعاً عذر محسوب گردد.

استثنائات پذیرش جهل به حکم از سوی مرتکب

۱- ماده ۳۷۶ ق.م.ا

۲- ماده ۳۷۷ ق.م.ا

۳- اردبیلی، پشین، ص ۱۸۳

۴- همان

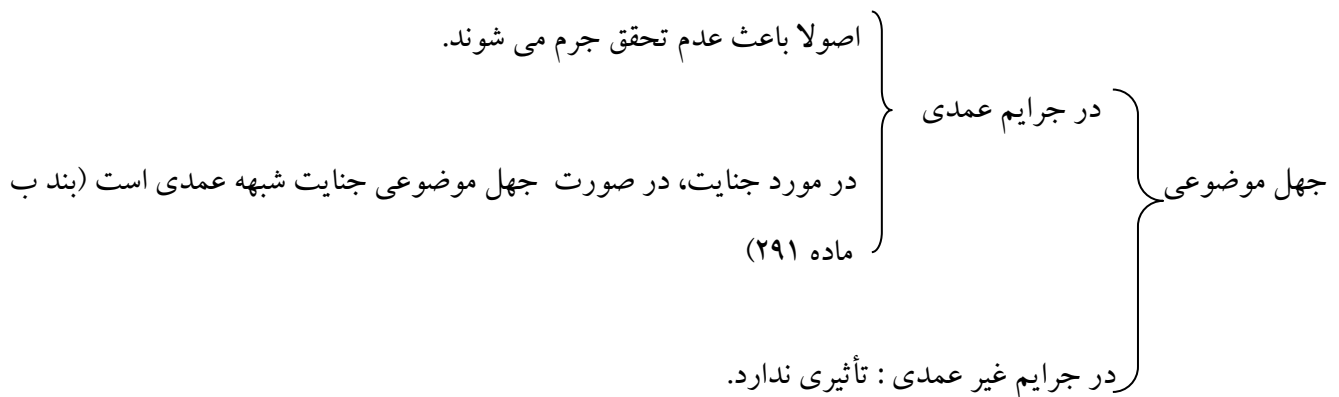
نکته: جهل به نوع یا میزان مجازات، مانع از مجازات مرتکب نیست.^۱

نکته: در جرایم حدی، علم به حرمت شرعی، (علم به حکم) از شرایط تحقق مسئولیت است و در صورت عدم آن، مسئولیت متوجه مرتکب نخواهد بود.^۲

ب) اشتباه موضوعی:

موضوع جرم آن چیزی است که جرم بر روی آن واقع می شود.

اشتباه موضوعی به هنگامی است که انسان در نفس عملی که مرتکی می شود مشتبه باشد. اصل کلی بر این است که این اشتباه عنصر روانی را در **جرایم عمدی** زایل می کند ولی در **جرایم غیر عمدی** چنین اشتباهی به ظاهر بی تاثیر است.^۳ (شبهه موضوعی در جرایم غیر عمدی بی تاثیر است).



نکته: اشتباه در هویت تأثیری در مسئولیت کیفری ندارد. ماده ۲۹۴ ق.م.ا مقرر می دارد: «اگر کسی به علت اشتباه در هویت، مرتکب جنایتی بر دیگری شود در صورتی که مجنی علیه و فرد مورد نظر هر دو مشمول ماده (۳۰۲) این قانون نباشند، جنایت عمدی محسوب می شود».

* اشتباه قاضی و ضمان آن در ماده ۱۳ ق.م.ا، پیش بینی شده است:

- در صورت عمد قاضی ← مسئولیت کیفری متوجه قاضی است.
- در صورت تقصیر قاضی ← مسئولیت مدنی متوجه قاضی است.
- در غیر فروض فوق ← خسارت متوجه دولت است.

۱- تبصره ماده ۱۵۵ ق.م.ا

۲- ماده ۲۱۷ ق.م.ا

۳- اردبیلی، پیشین، ص ۱۸۸

۲- خواب

ارتکاب جرم در خواب چه در خواب طبیعی و چه در خواب تلقینی به دلیل سلب اراده در برابر نیروی قوی به بعضی از حالت های اجبار شباهت دارد. انسان در حالت خواب درک و شعور ندارد و حرکات او در خواب در اختیار وی نیست. پس اگر در خواب رفتاری از او سر بزند که طبق قانون جرم باشد و یا بر اثر حرکت و غلتیدن جنایتی به دیگری وارد کند مسئولیتی متوجه او نیست.^۱

مطابق با ماده ۱۵۳ ق.م.ا «هرکس در حال خواب، بیهوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود. مجازات نمی گردد مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می شود، عمداً بخوابد یا خود را بیهوش کند».

نکته: مطابق با بند الف ماده ۲۹۲ ق.م.ا جنایت در حال خواب یا بیهوشی **خطا محسوب می شود**. اما تبصره ماده اخیر مقرر می دارد «اگر مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می گردد، جنایت عمدی محسوب می گردد».

۳- مستی

مستی عبارت است از حالتی که از مصرف مسکر مانند شراب، خمر و ... در انسان پدید آید. مقنن مصرف مسکر را اعم از این که مست کند یا نکند جرم شناخته است.^۲ (ماده ۲۶۴ ق.م.ا)

⊖ اصل بر این است که مستی جزء موانع مسئولیت کیفری نیست.^۳

⊖ استثنائاتی که در آن مستی از موانع مسئولیت کیفری محسوب می گردد، این است که در اثر استعمال مواد مذکور، در حین ارتکاب جرم، **به کلی مسلوب الاراده شده باشد**. (در این حالت فقط مجازات مصرف مواد مسکر اعمال خواهد شد)

⊖ اگر مصرف مواد مذکور به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر نیز **واقع شود**، به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد. (این نوع مستی تعددی است که هم مجازات مصرف مواد مسکر و هم مجازات جرم ارتكابی اعمال خواهد شد).

۱- اردبیلی، پیشین ص ۱۶۵

۲- همان، ص ۱۶۶

۳- ماده ۱۵۴ ق.م.ا

فصل سوم (حقوق جزای عمومی ۳)

شامل:

مجازات ها و انواع آن

مجازات های جایگزین

کیفیات مخففه و مشدده

تعویق صدور حکم

تعلیق صدور حکم

آزادی مشروط

عوامل سقوط مجازات ها

مبحث اول: مجازات ها

- در یک تقسیم بندی مجازات ها به سه دسته تقسیم بندی می شوند
- ۱- مجازات های اصلی
 - ۲- مجازات های تکمیلی (تتمیمی)
 - ۳- مجازات های تبعی

گفتار اول: مجازات های اصلی

برای هر جرم قانون گذار یک یا چند مجازات تعیین کرده که اجرای آنها فقط به موجب حکم قطعی دادگاه ممکن است. این مجازات ها اصلی اند از این حیث که ضمانت اجرایی امر ونهی قانون گذار به شمار می آیند و تابع مجازات دیگری نیستند.^۱

در قانون مجازات اسلامی مجازات اشخاص حقیقی از مجازات اشخاص حقوقی متمایز شده و در دو مبحث جداگانه بررسی می گردد.

۱- مجازات های اصلی برای اشخاص حقیقی :

- مجازات های اصلی به چهار دسته تقسیم بندی می شوند^۲
- ۱- حدود
 - ۲- قصاص
 - ۳- دیات
 - ۴- تعزیرات

حد : «مجازات است که موجب نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است»^۳

قصاص : «مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می شود»^۴

دیه: اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می شود.^۵

تعزیر: مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرّمات شرعی یا نقض مقررات

۱- اردبیلی، پیشین، ج ۳، ص ۶۶

۲- ماده ۱۴ ق.م.ا. با عنایت به ماده ۱۴ ق.م.ا. جدید و مقایسه آن با ماده ۱۲ ق.م.ا. سابق ملاحظه می گردد که مجازات های بازدارنده از عداد مجازات های مصرح در قانون مجازات اسلامی اخیر التصویب نسخ گردیده اند.

۳- ماده ۱۵ ق.م.ا.

۴- ماده ۱۶ ق.م.ا؛ دیه مقدر در ماده ۴۴۸ و دیه غیر مقدر در ماده ۴۴۹ ق.م.ا. پیش بینی شده است.

۵- تعریف مربوط به دیه مقدر و غیر مقدر به ترتیب در مواد ۴۴۸ و ۴۴۹ ق.م.ا. پیش بینی گردیده است.

۶- ماده ۱۷ ق.م.ا. این تعریف واجد ایرادی بدین شرح می باشد که در تعریف حدود مقنن به «شرع مقدس» استناد نموده اما در تعریف دیه اشعار می دارد «به موجب قانون»! این در حالی است که مقادیر دیه نیز در شرع مقدس پیش بینی گردیده است. در هر حال ممکن است این موضوع مورد توجه طراحان سوال آزمون های مختلف باشد که در این صورت عین عبارات مندرج در قانون هر چند که واجد ایراد نیز باشد ملاک خواهد بود.

حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم.

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن.

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم.

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تاثیر تعزیر بر وی^۱.

نکته: مقنن در ماده ۱۹ ق.م.ا اقدام به درجه بندی مجازات های تعزیری نموده است که در قوانین ماقبل، سابقه نداشته است. مطابق با این ماده، مجازات های تعزیری به هشت درجه تقسیم بندی می شوند.

مجازات های تعزیری		
درجه ۱	<ul style="list-style-type: none"> - حبس بیش از بیست و پنج سال - جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - مصادره کل اموال - انحلال شخص حقوقی 	<ul style="list-style-type: none"> - حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال - جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - مصادره کل اموال - انحلال شخص حقوقی
درجه ۳	<ul style="list-style-type: none"> - حبس بیش از پنج تا ده سال - جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی 	<ul style="list-style-type: none"> - حبس بیش از پنج تا ده سال - جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی
درجه ۵	<ul style="list-style-type: none"> - حبس بیش از دو تا پنج سال - جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال - ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی - ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی 	<ul style="list-style-type: none"> - حبس بیش از دو تا پنج سال - جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - شلاق از ۳۱ تا ۷۴ ضربه و تا ۹۹ ضربه در جرائم منافی عفت - محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال - انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها - ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی - حداکثر تا مدت پنج سال - ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی - حداکثر تا مدت پنج سال - ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
درجه ۷	<ul style="list-style-type: none"> - حبس از نود و یک روز تا شش ماه - جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - شلاق از یازده تا سی ضربه - محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه 	<ul style="list-style-type: none"> - حبس تا سه ماه - جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - شلاق تا ده ضربه
درجه ۸	<ul style="list-style-type: none"> - حبس تا سه ماه - جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - شلاق تا ده ضربه 	<ul style="list-style-type: none"> - حبس تا سه ماه - جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - شلاق تا ده ضربه

تبصره ۲ ماده ۱۹ ق.م.ا مقرر می دارد «در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است. همچنین اگر مجازاتی با هیچیک از بندهای هشت‌گانه این ماده مطابقت نداشته باشد مجازات درجه هفت محسوب می‌شود». برای مثال مجازات جرم رشا مطابق با ماده ۵۹۲ ق.م.ا از کتاب تعزیرات، شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق می باشد. اگر این مجازات‌ها را با ماده ۱۹ ق.م.ا تطبیق نمایم در خواهیم یافت که نسبت به مجازات حبس داخل در درجه ۵ و نسبت به مجازات شلاق داخل در درجه ۶ قرار می گیرد که در این صورت و با استناد به تبصره فوق مجازات این جرم، جرم تعزیری درجه ۵ (که شدیدتر می باشد) خواهد بود.

مطابق با تبصره ۵ ماده ۱۹ ق.م.ا: «ضبط اشیاء و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن به‌کارگیری در ارتکاب جرم بوده است از شمول این ماده- ماده ۱۹- و بند (ب) ماده (۲۰) خارج و در مورد آنها برابر ماده (۲۱۵) این قانون عمل خواهد شد. در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می‌شود باید هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنی شود».

۲- مجازات‌های اصلی برای اشخاص حقوقی :

در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.^۱

مطابق با ماده ۲۰ ق.م.ا: «در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسؤول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود. این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف- انحلال شخص حقوقی،

ب- مصادره کل اموال،

پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال،

ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال،

ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال،

ج- جزای نقدی،

چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها».

نکته: تبصره ماده اخیر نیز مقرر می دارد: «مجازات موضوع این ماده در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود».

نکته: مطابق با ماده ۲۱ ق.م.ا: «میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود».

نکته: به موجب ماده ۲۲ ق.م.ا: «انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که :

- ۱- برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا
- ۲- با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.»

گفتار دوم: مجازات تکمیلی

ماده ۲۳ ق.م.ا در خصوص مجازات های تکمیلی «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید...».

مجازات تکمیلی به مجازاتی گفته می‌شود که در تکمیل مجازات اصلی به آن افزوده می‌گردد.^۱ (به تنهایی مورد حکم قرار نمی‌گیرند)

انواع مجازات های تکمیلی مقرر در ماده ۲۳ اعم از «اقامت اجباری در محل معین، منع از اقامت در محل یا محل‌های معین، منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین و ...» حصری است. به این معنی که دادگاه نمی‌تواند بر اساس این قانون، مجازات تکمیلی از نوع دیگری تعیین نماید.^۲

نکته: مجازات تکمیلی باید همانند مجازات اصلی در دادنامه قید گردد.^۳ (هم نوع مجازات و هم مدت آن)

نکته: با توجه به قید «دادگاه می‌تواند...» مقرر در ماده ۲۳ استنباط می‌گردد که اعمال مجازات های تکمیلی برای دادگاه اختیاری است.^۴

نکته: مجازات های تکمیلی باید متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات مجرم باشد.

- ۱- حدود
- ۲- قصاص
- ۳- جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۶

- ۱- اردبیلی، پیشین، ص ۶۸
- ۲- همان، ص ۶۹
- ۳- همان
- ۴- ماده ۲۳ ق.م.ا

مجازات های تکمیلی در این جرایم قابل اعمال است

نکته: با این که جرایم حدود و قصاص فقط در فروض عمدی مصداق دارد، اما در قلمرو مجازات های تعزیری درجه ۱ تا ۶ این محکومیت ممکن است در جرایم غیر عمدی نیز مصداق داشته باشد از این رو در جرایم (تعزیری) غیر عمدی نیز دادگاه می تواند به صدور مجازات تکمیلی مبادرت ورزد.^۱

نکته: اصولاً تخفیف تا تعلیق اجرای حکم (مجازات اصلی) تاثیری بر محکومیت تعلیقی ندارد زیرا این اقدامات (مجازات های تکمیلی) به منظور پیشگیری از وقوع جرم و حمایت از جامعه اتخاذ می شوند، مگر در مواردی خاص.^۲

نکته: مدت مجازات های تکمیلی بیش از ۲ سال نیست مگر این که در قانون مدت تعیین شده باشد.^۳

نکته: مجازات تکمیلی نباید همچنس مجازات اصلی باشد. در این صورت فقط مجازات اصلی اجرا خواهد شد.^۴

ضمانت اجرایی تخلف از مقررات مجازات تکمیلی

- ۱- برای بار اول: تا یک سوم به مدت مجازات تکمیلی افزوده می شود.
- ۲- برای بار دوم: ادامه مدت به حبس یا جزای نقدی درجه ۷ یا ۸ تبدیل می گردد.

☉ مطابق با ماده ۲۵ ق.م.ا اعمال مقررات فوق (تشدید مجازات تکمیلی) الزامی است و با پیشنهاد قاضی اجرای حکم خواهد بود.

امکان لغو یا کاهش مدت مجازات تکمیلی در صورتی وجود دارد که

- ۱- اطمینان به عدم ارتکاب جرم وجود داشته باشد.
- ۲- اطمینان به اصلاح مجرم وجود داشته باشد.

☞ اعمال مقررات فوق (تخفیف یا لغو مجازات تکمیلی) اختیاری است و با پیشنهاد تصویب اجرای حکم خواهد بود.

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۶۹

۲- همان، ص ۷۱

۳- تبصره ۱ ماده ۲۲ ق.م.ا؛ در برخی موارد مقتن اقدام به تعیین مدت خاص برای مجازات های تکمیلی نموده است که در این صورت برابر با همان مورد خاص عمل خواهد شد، مانند ممنوعیت از رانندگی به مدت ۱ تا ۵ سال مقرر در ماده ۷۱۸ ق.م.ا از کتاب تعزیرات.

۴- تبصره ۲ ماده ۲۳ ق.م.ا؛ در این مورد می توان به بند ج ماده ۷ قانون صدور چک استناد نمود که مقرر نموده: «چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد». در این ماده ممنوعیت از داشتن دسته چک به صورت مجازات اصلی پیش بینی گردیده است حال دادگاه نمی تواند به موجب بند ج ماده ۲۳ ق.م.ا «منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارت»، یکبار دیگر مرتکب را از این حقوق اجتماعی محروم نماید. بنابراین چون این مجازات تکمیلی از جنس مجازات اصلی است صرفاً مجازات اصلی اعمال خواهد شد ولی با این حال مجازات های تکمیلی غیر همچنس دیگر در ماده ۲۳ می توانند اعمال گردند.

گفتار سوم: مجازات تبعی

ماده ۲۵ ق.م.ا در خصوص مجازات های تبعی مقرر می دارد: «محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می کند:

الف- هفت سال در محکومیت به مجازات های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی

ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهارم

پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنجم»

⊖ مجازات تبعی از آثار مترتب بر محکومیت به مجازات اصلی است.^۱

⊖ مجازات تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی است که مصادیق آن در ماده ۲۶ ق.م.ا پیش بینی گردیده است.

نکته: مجازات های تبعی هیچ گاه در دادنامه قید نمی شوند.^۲

نکته: برای اعمال مجازات تبعی، محکومیت کیفری باید قطعی شده باشد.

نکته: فقط جرایم عمدی واجد آثار تبعی است. (جرایم غیر عمدی فاقد آثار تبعی است)

نکته: مواعد مجازات های تبعی ۲، ۳ و ۷ ساله است که نسبت به جرایم مختلف متفاوت خواهد بود.

مجازات تبعی بعد از اجرای مجازات اصلی اعمال خواهد شد و مطابق با تبصره ۳ ماده ۲۵ محکوم علیه در زمان اجرای حکم اصلی نیز از حقوق اجتماعی محروم است.^۳

نکته: مجازات تبعی در همه جرایم وجود ندارد و اعمال آن بر حسب نوع و میزان جرایم خواهد بود:

— }
 - سالب حیات
 - حبس ابد

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۷۲

۲- همان

۳- همان، ص ۷۵؛ البته این مطلب نمی تواند مطلقاً صحیح باشد چرا که به تصریح مقنن اعمال مجازات های تبعی منحصر به اجرای حکم نیست و در برخی موارد ممکن است اصلاً مجازات اجرا نشود مانند شمول مرور زمان.

الف) هفت سال در محکومیت قطعی به مجازات‌های

- | | | |
|---|---|---|
| <ul style="list-style-type: none"> - قطع عضو - قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد - نفی بلد - حبس درجه ۱ تا درجه ۴ | } | <p>ب) سه سال در محکومیت قطعی به مجازات‌های</p> |
| <ul style="list-style-type: none"> - شلاق حدی - قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد - حبس درجه ۵ | } | <p>پ) دو سال در محکومیت قطعی به مجازات‌های</p> |

نکته: حبس‌های تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ فاقد آثار تبعی است.

نکته: گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت آثار تبعی آن را ذایل می‌کند.^۱

نکته: محکومیت کیفری اطفال فاقد آثار تبعی است.^۲

نکته: دادگاه می‌تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید. در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود.^۳

- | | | |
|---|---|-----------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> - از تاریخ اجرای حکم (ماده ۲۵) - از تاریخ شمول مرور زمان (همان) - از تاریخ توقف حکم، (در جرایم سالب حیات و حبس ابد؛ بند الف ماده ۲۵) - از تاریخ عفو (منظور عفو خصوصی است، عفو عمومی آثار مجازات را هم ذایل می‌کند؛ تبصره ۳ ماده ۲۵) - از تاریخ آزادی مشروط (در مورد مجازات‌های حبس قابل اجراست؛ همان) | } | <p>مواعد شروع مجازات‌های تبعی</p> |
|---|---|-----------------------------------|

نکته: مستخدمان دستگاه‌های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به عنوان مجازات اصلی و خواه

۱- تبصره ۲ ماده ۲۵ ق.م.ا.

۲- ماده ۹۵ ق.م.ا.

۳- ماده ۸۷ ق.م.ا.

مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در **حکم یا قانون**، از خدمت منفصل می‌شوند.^۱

نکته: هر کس به‌عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس از گذشت مواعد مقرر در ماده (۲۵) این قانون اعاده حیثیت می‌شود و آثار تبعی محکومیت وی زائل می‌گردد مگر در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده که از حقوق مزبور به‌طور دائمی محروم می‌شود.^۲

مبحث دوم: نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها

در تعیین نوع و مقدار مجازات برای ارتکاب عمل مجرمانه قواعد متنوعی مانند سبب‌های معافیت، سبب‌های تخفیف و تشدید مجازات موثر هستند که در این قسمت به بررسی آنها می‌پردازیم.

گفتار اول: موارد تخفیف و معافیت از مجازات

بند اول: معاذیر قانونی

معاذیر قانونی معافیت از مجازات به صورت حصری در قانون پیش‌بینی گردیده‌اند و هر کجا تاثیر بگذارند مانع از اجرای مجازات می‌گردند. مانند ماده ۵۰۷، ۵۰۸، ۱۱۴، ۶۳۰ ق.م.ا از کتاب تعزیرات.^۳

اثر معاذیر قانونی معاف‌کننده از مجازات این است که وقتی در دادگاه اقامه گردند قاضی را به پذیرش آن مجبور می‌کنند و صرفاً باعث معافیت از مجازات می‌گردند ولی وصف مجرمانه را زایل نمی‌دارند. در این صورت امکان اعمال اقدامات تامینی وجود دارد.^۴

نکته: معاذیر قانونی محدود به جرم خاصی نیست. (بر خلاف معاذیر قضایی که فقط در تعزیرات امکان اعمال آنها وجود دارد)

معاذیر قانونی تخفیف‌دهنده موجباتی است که هرگاه با اوضاع و احوال وقوع جرم قرین گردد مجازات مرتکب تخفیف می‌یابد. تخفیف مجازات از این حیث که در قانون وعده داده شده است و قاضی تکلیف به اعمال آن دارد عذر قانونی تخفیف‌دهنده نام دارد. مانند مواد ۵۲۱، ۵۸۵، ۵۵۴ ق.م.ا از کتاب تعزیرات.^۵

۱- تبصره ۱ ماده ۲۶ ق.م.ا

۲- تبصره ۲ ماده ۲۶ ق.م.ا

۳- اردبیلی، پیشین، صص ۱۳۳-۱۳۶

۴- همان، ص ۱۳۶

۵- ادریبیلی، پیشین، ص ۱۴۲

- ۱- معاذیر قانونی (اعم از معاف کننده و تخفیف دهنده) فقط محدود به موارد منصوص است.
- ۲- اعمال معاذیر قانونی (اعم از معاف کننده و تخفیف دهنده) برای دادگاه الزامی است.

بند دوم: معاذیر قضایی

⊖ معاذیر قضایی یا همان کیفیات مخففه اوضاع و احوالی هستند که در صورت وجود شرایط قانون گذار اختیار تخفیف را به دادگاه اعطا نموده که در مقام تخفیف می تواند مجازاتی را کاهش یا به مجازات مساعد دیگر تبدیل نماید.

نکته: اعمال کیفیات مخففه برای دادگاه **اختیاری** است^۱. (بر خلاف معاذیر قانونی که الزامی است)

نکته: اعمال کیفیات مخففه محدود به **جرایم تعزیری** است^۲. (بنابراین شامل حدود، قصاص و دیات نمی شود)

⊖ اعمال کیفیات مخففه منوط به احراز جهات آن می باشد^۳:

الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

- ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن
- پ- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم
- ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی
- ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری
- ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن
- چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیانبار جرم
- ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

نکته: دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند^۴.

نکته: هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد، دادگاه نمی تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد^۵.

۱- ماده ۳۷ ق.م.ا

۲- همان

۳- مقنن در ماده ۳۸ ق.م.ا، جهات مخففه را پیش بینی نموده است.

۴- تبصره ۱ ماده ۳۸ ق.م.ا

۵- تبصره ۲ ماده ۳۸ ق.م.ا؛ مثلاً اگر دادگاه یک بار به استناد تبصره ۲ ماده ۷۱۹ ق.م.ا از کتاب تعزیرات که مقرر می دارد «در تمام موارد مذکور هرگاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هر نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره ی او رعایت خواهد نمود» مجازات مرتکب را تخفیف دهد، دیگر نمی تواند به استناد بند «ج» ماده ۳۸ ق.م.ا که بیان گر همان جهت است دوباره مجازات را تخفیف دهد (اصطلاحاً گفته می شود به یک سبب نمی توان دوبار تخفیف داد) اما به جهات دیگر امکان پذیر است.

نکته: در برخی موارد دادگاه از اعمال کیفیات مخففه منع شده است:

- ۱- چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود.^۱
- ۲- در تکرار جرم سرقت در صورتی که سارق سه فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت داشته باشد دادگاه نمی‌تواند از جهات مخففه در تعیین مجازات استفاده نماید.^۲
- ۳- تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، هیچ از مجازات های مقرر در آن قانون اعم از اعدام، حبس و کیفرهای مالی را قابل تخفیف نمی‌داند.
- ۴- هر گاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب، محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید.^۳
- ۵- در مورد کلاهبرداری، تحصیل مال نامشروع، اختلاس، ارتشا، در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه، دادگاه می‌تواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف، مجازات مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد. (اعمال حداقل مجازات به معنی تخفیف نیست، در حقیقت در این موارد، دادگاه از تخفیف منع شده است)^۴
- ۶- جزای نقدی ناشی از قاچاق کالا قابل تخفیف نیست. (حبس آن قابل تخفیف می‌باشد)^۵

نکته: تعدد و تکرار جرم مانع تخفیف نیست اما مقنن ضوابط خاصی را برای تخفیف در این موارد پیش بینی کرده است.

- | | | |
|---|---|---------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱- اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر باشد : دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر تخفیف دهد. ۲- اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر نباشد : دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا نصف آن تخفیف دهد. | } | در تعدد جرم |
| <ol style="list-style-type: none"> ۱- اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر باشد : دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر تخفیف دهد. ۲- اگر مجازات ثابت یا دارای حداقل و حداکثر نباشد : دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا نصف آن تخفیف دهد. | } | در تکرار جرم |

۱- تبصره ۱ ماده ۱۳۹ ق.م.ا

۲- تبصره ۱ ماده ۶۶۶ ق.م.ا

۳- ماده ۷۱۹ ق.م.ا

۴- نگاه کنید به تبصره ۱ ماده ۱؛ تبصره ماده ۲ و همچنین تبصره ۶ ماده ۵ از قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری.

۵- رای وحدت رویه ۵۸۷ مورخ ۷۲

نکته: در مورد جرایم ارتكابی توسط اطفال دادگاه می تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات ها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید.^۱

نکته: مقنن در مقررات فعلی، میزان یا نوع تخفیف و تبدیل را مشخص نموده است

- الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه
- ب- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار
- پ- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال
- ت- تقلیل سایر مجازات های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر

نکته: مقنن امکان معافیت از مجازات به عنوان معاذیر قضایی را در قانون مجازات اسلامی جدید پیش بینی کرده است. اما شرایطی را نیز برای آن مقرر نموده که عبارت است از:

- ۱- معافیت از مجازات برای دادگاه اختیاری است
- ۲- در جرائم تعزیری درجه های هفت و هشت امکان پذیر است
- ۳- جهات تخفیف (جهات مندرج در ماه ۳۸ ق.م.ا) باید احراز گردد
- ۴- ابتدا باید مجرمیت مرتکب احراز گردد (تا در صورت عدم احراز مجرمیت حکم به برائت صادر گردد نه معافیت از مجازات)
- ۵- دادگاه تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می شود
- ۶- مرتکب سابقه محکومیت کیفری مؤثر نداشته باشد (محکومیت کیفری مؤثر در تبصره ماده ۴۰ ق.م.ا تعریف شده است)
- ۷- شاکی گذشت کرده باشد (منظور گذشت شاکی در جرایم غیر قابل گذشت است)
- ۸- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن شده باشد

گفتار دوم: مجازات های جایگزین حبس

قانون گذار در فصل نهم از بخش دوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی، فصلی را به مجازات های جایگزین حبس اختصاص داده است که به موجب آن دادگاه در برخی موارد به صورت اختیاری و در برخی موارد الزامی، مجازات حبس

را به مجازات جایگزین حبس تبدیل می نماید.

● مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از:

- ۱- دوره مراقبت (دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی محکوم می گردد)^۱
- ۲- خدمات عمومی رایگان (خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین مورد حکم واقع می شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجراء می گردد)^۲
- ۳- جزای نقدی
- ۴- جزای نقدی روزانه (جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم که با نظارت اجرای احکام وصول می گردد)^۳
- ۵- محرومیت از حقوق اجتماعی

● شرایط اعمال مجازات‌های جایگزین حبس:

- ۱- گذشت شاکی
- ۲- وجود جهات تخفیف
- ۳- ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال،
- ۴- تصریح به سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم با موارد مندرج در بند قبلی در حکم خود^۴،
- ۵- دادگاه نمی تواند به بیش از دو نوع از مجازات‌های جایگزین حکم دهد.^۵

● دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می کند تا در صورت **تعدر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی**، مجازات حبس اجراء شود^۶.

● چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجراء نشده آن بعد از رفع مانع اجراء می گردد. **چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای**

۱- ماده ۸۳ ق.م.ا

۲- ماده ۸۴ ق.م.ا؛ به استناد تبصره ۱ ماده اخیر «ساعات ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم شود» و به استناد تبصره ۳ همان ماده «دادگاه نمی تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آیین نامه موضوع این فصل حکم دهد. در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم، به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می شود».

۳- ماده ۸۵ ق.م.ا؛ همچنین به موجب تبصره همان ماده «محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید».

۴- تبصره ماده ۶۴ ق.م.ا

۵- همان

۶- ماده ۷۰ ق.م.ا

متوقف کردن مجازات ایجاد گردد مجازات اصلی اجراء می شود.^۱

*** موارد الزامی اعمال مجازات های جایگزین حبس**

۱- مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند.^۲

۲- مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:^۳

(الف) بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به

- ۱- حبس تا شش ماه
- ۲- جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال
- ۳- شلاق تعزیری (با هر میزان)

(ب) یک فقره سابقه محکومیت قطعی به

- ۱- حبس بیش از شش ماه
- ۲- حد
- ۳- قصاص
- ۴- پرداخت بیش از یک پنجم دیه

نکته: اگر از تاریخ اجرای حکم ۵ سال گذشته باشد، سابقه محکومیت به مجازات های فوق، مانعی برای اعمال مجازات جایگزین حبس ایجاد نخواهد کرد.

۳- مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند.^۴

۴- مرتکبان جرائم غیرعمدی در صورتی که مجازات قانونی آنها حبس تا ۲ سال باشد (خود ۲ سال را هم شامل می شود) به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند.^۵

*** موارد اختیاری اعمال مجازات های جایگزین حبس**

۱- ماده ۸۲ ق.م.ا
 ۲- ماده ۶۵ ق.م.ا
 ۳- ماده ۶۶ ق.م.ا
 ۴- ماده ۷۰ ق.م.ا
 ۵- ماده ۶۸ ق.م.ا

۱- دادگاه می تواند مرتکبان جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، در صورت وجود شرایط ماده (۶۶) این قانون اعمال مجازات های جایگزین حبس ممنوع است.^۱

۲- مرتکبان جرائم غیرعمدی که مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد.^۲

* موانع اعمال مجازات های جایگزین حبس

- ۱- اعمال مجازات های جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است.^۳
- ۲- تعدد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از شش ماه حبس باشد مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.^۴
- ۳- در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید.^۵ (در همه موارد، مجازات قانونی ملاک می باشد نه مجازات تعیین شده به وسیله دادگاه)

* امکان تخفیف یا تشدید یا لغو مجازات های جایگزین حبس وجود دارد

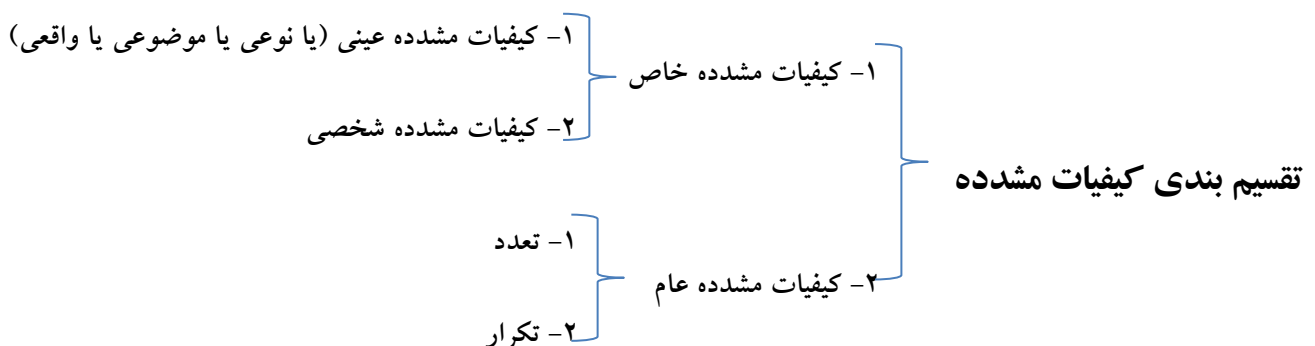
- | | | |
|---|---|---|
| <p>۱- رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد.</p> <p>۲- تخفیف مجازات جایگزین حبس برای یک بار امکان پذیر است.</p> <p>۳- میزان تخفیف مجازات جایگزین حبس، کاهش بقیه مدت تا نصفه، آن است.</p> <p>۱- محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید.</p> <p>۲- دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می شود.</p> <p>۳- در صورت تکرار، مجازات حبس اجراء می گردد.</p> | } | <p>شرایط لازم برای امکان تخفیف مجازات جایگزین حبس^۶</p> <p>شرایط لازم برای امکان تشدید مجازات جایگزین حبس^۷</p> |
|---|---|---|

۱- ماده ۶۷ ق.م.ا.
 ۲- ماده ۶۸ ق.م.ا.
 ۳- ماده ۷۱ ق.م.ا.
 ۴- ماده ۷۲ ق.م.ا.
 ۵- ماده ۷۳ ق.م.ا.
 ۶- ماده ۸۰ ق.م.ا.
 ۷- ماده ۸۱ ق.م.ا.

نکته: تخفیف یا تشدید مجازات جایگزین به پیشنهاد قاضی اجرای احکام خواهد بود.

گفتار سوم: تشدید مجازات

سبب های تشدید مجازات کیفیات و اوصافی هستند که قانون گذار تعیین نموده و دادرس به محض احراز آن آنها را به حداکثر و یا بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون برای همان جرم حکم خواهد داد. کیفیات مشدده یا به صورت خاص است که برای جرمی معینی پیش بینی گردیده است و یا به صورت عام است که به عنوان قاعده کلی در کلیه ی جرایم صدق می نماید. از جمله کیفیات مشدده عام یکی تعدد و دیگری تکرار جرم است.



بند اول: کیفیات مشدده خاص

این کیفیات مخصوص همه جرایم نیست و اعمال آن منوط به وجود نص قانونی در همان مورد می باشد. به عبارت دیگر جهات تشدید مجازات خاص، کیفیاتی است **مربوط به جرم مشخص** و موجب تشدید مجازات همان جرم است.

الف) کیفیات مشدده نوعی

کیفیات مذکور وقایعی است خارجی که اگر با افعال مادی جرم مقارن گردد بر حدت و خطرناکی آن می افزاید، و به تبع آن مجازات تشدید می شود.^۱ مثلاً اگر سرقت مقرون به آزار باشد یا سارق مسلح باشد مطابق با ماده ۶۵۲ ق.م.ا از کتاب تعزیرات، مجازات مرتکب تشدید می گردد. یا اگر آدم ربایی با وسیله نقلیه باشد مطابق با ماده ۶۲۱ همان قانون موجب تشدید مجازات خواهد شد. در جرایم غیر عمدی هم امکان تشدید وجود دارد. مثلاً اگر راننده مست بوده یا فاقد گواهینامه باشد یا از محل های عبور ممنوع رانندگی نماید و ... به استناد ماده ۷۱۸ از قانون اخیر الذکر مجازات مرتکب تشدید می گردد.

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۱۷۱

ب) کیفیات مشدده شخصی

این کیفیات از ایت جهت شخصی نامیده می شوند که به اوصاف بزهکار اعم از مباشر، معاون و شریک جرم بستگی پیدا می کند. کیفیات مذکور مجرمیت کسی را تشدید می کند که واجد این وصف یا صفت باشد. مثلاً به موجب تبصره ماده ۲۳۶ ق.م.ا در صورتی که فاعل تفخیز غیر مسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است. یا به موجب ماده ۵۲۷ ق.م.ا از کتاب تعزیرات جعل مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ التحصیلی و سایر مصادیق مندرج در ماده از طرف کارمندان دولتی موجب تشدید مجازات خواهد بود.

بند دوم: کیفیات مشدده عام

اوصافی هستند که با جرمی همراه شوند، باعث تشدید مجازات می شوند. جهات تشدید عام مختص جرم خاص نیست بلکه عموم جرایم را شامل می گردد. این اوصاف عبارت است از تعدد و تکرار جرم.

الف) تعدد جرایم

تعدد جرم عبارت است از ارتکاب جرایم متعدد بدون آنکه متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود به محکومیت کیفری قطعی رسیده باشد.

نکته: تعدد جرم از کیفیات مشدده ی عام محسوب می گردد.

قواعد تعدد جرم در جرایم مختلف بصورت جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد.

بند اول: تعدد در جرایم مستوجب حد

در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است (مثلاً اگر شخصی مرتکب یک فقره زنا غیر محصنه و یک فقره شرب خمر گردد، هر دو مجازات در حق مرتکب اجرا خواهد شد)

نکته: در جرایم حدی، در فرض تعدد جرایم، اصل بر تعدد مجازات است (قاعده جمع مجازات ها). مگر در موارد زیر:

۱- در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.^۱ (اگر هم نوع جرم و هم نوع مجازات ها یکسان باشد، مانند شخصی که مرتکب دو فقره زناي غير محصنه - به استناد ماده ۲۳۰ ق.م.ا، مجازات زناي غير محصنه صد ضربه شلاق است - شده باشد، فقط يك مجازات در مورد وی اجرا خواهد)

۲- چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء می شود^۲ (مثلاً شخصی مرتکب يك فقره زناي به عنف یا اکراه شده باشد - مجازات زناي به عنف یا اکراه مطابق با ماده ۲۲۴ ق.م.ا. مستوجب اعدام است - و يك فقره سرقت حدی برای بار سوم - مجازات سرقت حدی برای بار سوم مطابق با بند «پ» ماده ۲۷۸ ق.م.ا. مستوجب حبس ابد است - فقط مجازات اعدام در مورد مرتکب اجرا خواهد شد)

۳- چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در يك واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می شود.^۳

۴- اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجراء می شود.^۴

⊖ چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجراء می گردد.^۵ در این مورد با اینکه نوع جرم و مجازات آنها واحد است اما قانون گذار معتقد به اعمال قاعده جمع مجازات هاست. در این مورد هم باید قائل به تفکیک شد. یعنی اگر مطابق با ماده ۲۵۷ ق.م.ا «کسی که چند نفر را به يك لفظ قذف نماید هر کدام از قذف شوندهگان می تواند جداگانه شکایت نماید و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای آن را مطالبه کند. چنانچه قذف شوندهگان یکجا شکایت نمایند بیش از يك حد جاری نمی شود». ولی طبق ماده ۲۵۶ همان قانون «کسی که چند نفر را به طور جداگانه قذف کند خواه همه آنها با هم، خواه جداگانه شکایت کنند، در برابر قذف هر يك، حد مستقلی بر او جاری می شود».

نکته: در فرض تعدد جرایم حدی با قصاص، اصل بر تعدد مجازات است (قاعده جمع مجازات ها) و ابتدا حد اجرا می شود مگر اینکه^۶:

۱- اجرای حد محل قصاص را از بین ببرد (مثلاً فردی درست راست مجنی علیه را قطع نموده که مجازات آن قصاص همان عضو است و نیز مرتکب يك فقره سرقت حدی برای بار اول شده که مجازات آن مطابق با بند «الف» ماده ۲۷۸ ق.م.ا، قطع دست راست است. در این مثال چون اجرای حد، محل قصاص را از بین می برد، مجازات قصاص مقدم خواهد شد)

۱- ماده ۱۳۲ ق.م.ا

۲- تبصره ۱ ماده ۱۳۲ ق.م.ا

۳- تبصره ۲ همان

۴- تبصره ۳ همان

۵- تبصره ۴ همان

۶- ماده ۱۳۳ ق.م.ا

۲- اجرای حد موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد (مثلاً اگر شخصی برای بار دوم مرتکب جرم قوادی شود که مجازات آن در صورت تکرار، مطابق با ماده ۲۴۳ ق.م.ا. ۷۵ ضربه شلاق و تا یک سال تبعید است و نیز یک فقره جرح عمدی که مستوجب قصاص نفس است گردد، چون اجرای مجازات تبعید موجب تأخیر در اجرای قصاص می شود، مجازات قصاص بر مجازات حدی مقدم می شود. البته دقت شود در این موارد هم مجازات حدی و هم مجازات قصاص اجرا می شود و صرفاً به تقدم اجرای هر کدام حکم شده است مگر اینکه قصاص سالب حیات باشد که در این صورت اگر اجرای حد محل قصاص را منتفی یا موجب تأخیر در اجرای آن گردد، فقط مجازات قصاص اجرا خواهد شد)

⊖ در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجراء می شود.

نکته: در فرض تعدد جرایم حدی یا قصاص با جرایم تعزیری، اصل بر تعدد مجازات است (قاعده جمع مجازات ها) و ابتدا حد یا قصاص اجرا می شود مگر در موارد زیر که اجرای تعزیر مقدم می شود:

۱- حد یا قصاص سالب حیات باشد و

۲- تعزیر، تعزیر معین شرعی یا حق الناس باشد و

۳- موجب تأخیر در اجرای حد نگردد.

⊖ حکم ماده فقط از حیث تقدم در اجراست و همه مجازات ها اجرا خواهد شد. اما در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیر حدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می شود و مجازات تعزیری ساقط می گردد، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می شود.

بند دوم: تعدد در جرایم تعزیری

۱- تعدد معنوی

۲- تعدد مادی

تعدد در جرایم تعزیری به دو دسته تقسیم می شود

۱. تعدد معنوی یا اعتباری

مقصود از تعدد معنوی یا اعتباری جرایم، شمول چند وصف جزایی بر فعل با ترک فعل واحد است. به این معنی که گاه فعل یا ترک فعل واحد نقض چندین ماده از قوانین کیفری محسوب گردیده و به نظر چنین می رسد که جرایم متعددی ارتکاب یافته است. برای مثال در سرقت کتیبه ی منقوش که سارق برای ربودن آن ناگزیر از کندن و تخریب آن شده است.^۱ به استناد ماده ۱۳۱ ق.م.ا «در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می شود».

نکته: حکم این ماده ناظر به جرایم تعزیری است. بنابراین جرایم حدود، قصاص و دیه از شمول این ماده خارج هستند اما این به این معنی نیست که تعدد معنوی در جرایم مذکور غیر ممکن است. درباره جرایم مستوجب حد تبصره ۲ ماده ۱۳۲ ق.م.ا دقیقاً به امکان تحقق تعدد در این گونه جرایم اشاره می کند. با این مضمون که «چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می شود؛ مانند تخفیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می شود». در خصوص جنایات می توان به ماده ۲۹۶ و در خصوص دیات به ماده ۵۴۶ ق.م.ا استناد نمود.^۲

اگر فعل واحد واجد دو عنوان جرم باشد، یکی تعزیری و دیگری مستلزم قصاص یا دیه یا حدی باشد حکم قضیه چیست؟ مقنن در این مورد قائل به تعدد مادی و جمع مجازات ها گردیده است. نمونه ای از این مورد در خصوص جرایم تعزیری و حدی ماده ۶۳۹ ق.م.ا از کتاب تعزیرات است که مقرر می دارد: «... هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می گردد».^۳

* مصادیقی از تعدد معنوی عبارت اند از:

- ۱- ترک انفاق افراد خانواده (برای ترک انفاق یک خانواده چند نفره، فقط یک مجازات اعمال می گردد نه بیشتر چون از مصادیق تعدد معنوی است).
- ۲- استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری^۴ (جعل و کلاهبرداری تعدد مادی است)
- ۳- نداشتن گواهینامه در حین رانندگی و تحقق قتل یا صدمه بدنی غیر عمد ناشی از تخلفات رانندگی^۵
- ۴- خرید و نگهداری مواد مخدر به میزان کم جهت استعمال^۶

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۱۷۹

۲- همان، ص ۱۸۰

۳- همان، ص ۱۸۲

۴- در خصوص استفاده از سند مجعول و شروع به کلاهبرداری مقنن قائل به جمع مجازات ها گردیده است (تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری)

۵- رای وحدت رویه ۶۳۸ مورخ ۷۸

۶- نظریه ۷/۶۳۷۲ مورخ ۱۳۷۴

۲. تعدد مادی یا واقعی

جرائم ارتكابی به شرطی که در فواصل ارتكاب آنها درباره هیچ یک حکم محکومیت قطعی صادر نشده باشد وصفی را پیدا می کند به نام تعدد مادی. البته تشخیص رفتار مادی متعدد همیشه کار آسانی نیست؛ برای مثال:

- اگر کسی چند فقره رسید و چند اجاره جعل نماید بزه متعدد محسوب است.^۱
- اگر کارمندی از سه نفر در آن واحد رشوه گرفته باشد این تقارن زمانی موجب عدم رعایت مقررات تعدد جرم نخواهد بود.^۲
- کسی که غله موجد در انباری را در طرف چند روز سرقت نماید چون محل سرقت و نوع مال یکی است بزه متعدد محسوب نمی گردد.^۳
- اگر کارمندی یک مبلغ منتها در چند نوبت از کسی رشوه بگیرد تعدد دفعات تحویل گرفتن وجه مزور موجب تعدد جرم نخواهد شد.^۴

الف) تعدد مادی در جرائم تعزیری:

۱- فرض تعدد مادی در جرایمی که مجازات آنها: ^۵

۱. جرائم ارتكابی بیش از ۳ جرم نباشد: دادگاه برای هر یک از جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می کند ولی فقط مجازات اشد قابل اجرا خواهد بود.

۲. جرائم ارتكابی بیش از ۳ جرم نباشد: دادگاه مجازات هر یک از جرائم را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه

الف) دارای حداقل و حداکثر باشد

۱. جرائم ارتكابی بیش از ۳ جرم نباشد: دادگاه تا یک چهارم مجازات مقرر قانونی به اصل مجازات هر جرم اضافه می کند.

۲. جرائم ارتكابی بیش از ۳ جرم نباشد: دادگاه تا نصف مجازات مقرر قانونی به اصل مجازات هر جرم اضافه می کند.

ب) دارای حداقل و حداکثر نباشد

۱- حکم شماره ۲۷۳۵ مورخ ۱۳۱۷ از شعبه ۲ دیوان
 ۲- حکم شماره ۵۱۹۵ مورخ ۱۳۳۸ از شعبه ۸ دیوان
 ۳- حکم شماره ۱۲۸۸ مورخ ۱۳۲۵ از شعبه ۲ دیوان
 ۴- حکم شماره ۴۶۹ مورخ ۱۳۱۹ از شعبه ۵ دیوان
 ۵- ماده ۱۳۴ ق.م.ا.

نکته: علی رغم عدم تصریح ماده، در مواردی که مجازات‌ها دارای حداقل و حداکثر نیست هم، مجازات‌ها قابل اجرا خواهد بود.

ج در برخی جرایم تعزیری قانون گذار قائل به اعمال قاعده جمع مجازات‌ها می باشد، مثلاً در مورد استفاده از سند مجعول و شروع به کلاهبرداری چنین اظهار نظر می کند که «مجازات شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می شود».^۱ این در حالی است که استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری تعدد معنوی است!

ج مقررات راجع به تعدد جرم در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ اعمال نمی گردد. این مجازات‌ها با هم و نیز با مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش جمع می گردد.^۲

ج در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم، اعمال نمی شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می گردد. (مثلاً به موجب تبصره ۲ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، در صورتی که اختلاس توأم با جعل سند باشد - تعدد مادی - مرتکب به مجازات خاص مندرج در آن تبصره محکوم می گردد و مشمول ماده ۱۳۴ ق.م.ا.ن خواهد بود)

ب) تعدد مادی در حدود

در جرایم حدی ماده ۱۳۲ ق.م.ا. مقرر می دارد: «در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آن‌ها یکسان باشد».

پ) تعدد مادی در جنایات

ماده ۲۹۹ ق.م.ا. در این خصوص مقرر می دارد: «اگر کسی با ضربه های متعدد عمدی، موجب جنایات متعدد و قتل مجنی علیه شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، چنانچه برخی از جنایات‌ها موجب قتل شود و برخی در وقوع قتل نقشی نداشته باشند، مرتکب علاوه بر قصاص نفس، حسب مورد، به قصاص عضو یا دیه جنایت‌هایی که تأثیری در قتل نداشته است، محکوم می شود...».

ت) تعدد مادی در جرایم مستوجب دیه

در این خصوص نیز ماده ۵۳۸ ق.م.ا. مقرر داشته است: «در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها است مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است».

۱- تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری

۲- تبصره ۴ ماده ۱۳۴ ق.م.ا.

ث) تعدد جرایم مستوجب حد با جرایم مستوجب قصاص:

به استناد ماده ۱۳۳ ق.م.ا: «در تعدد جرائم موجب حد و قصاص، مجازات‌ها جمع می‌شود. لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجراء می‌شود».

ج) تعدد جرایم تعزیری با جرایم حدی یا جرایم مستوجب قصاص:

ماده ۱۳۵ ق.م.ا در این باره مقرر داشته است: «در تعدد جرائم موجب حد و تعزیر و نیز جرائم موجب قصاص و تعزیر مجازات‌ها جمع و ابتداء حد یا قصاص اجرا می‌شود مگر حد یا قصاص، سالب حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرای حد نیز نشود که در این صورت ابتداء تعزیر اجراء می‌گردد».

استثنایی که در این مورد وجود دارد تبصره ماده اخیر الذکر است که مقرر می‌دارد: «در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیرحدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود».

ب) تکرار جرایم

تکرار جرم وصف احوال کسی است که به موجب حکم قطعی لازم الاجرا از یکی از دادگاه‌های ایران محکومیت کیفری یافته و بعداً مرتکب جرم دیگری شده است که مستلزم محکومیت شدید کیفری است.^۱

* شرایط تحقق تکرار جرم در حدود:

- ۱- کسی که سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و
 - ۲- هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، (لازمه تحقق تکرار در جرایم حدی، اجرای مجازات حدی است)
 - ۳- حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.
- بنابراین تکرار جرایم حدی در صورتی که نوع جرم یکسان باشد، تاثیری در مجازات ندارد. مثلاً شخصی که مرتکب جرم شرب خمر شده و مجازات آن اجرا شده مجدداً مرتکب همان جرم شود، همچنان ۸۰ ضربه شلاق در حق وی اجرا خواهد شد. اما اگر هر بار تکرار کند و هر بار هم مجازات در حق وی اجرا شود در مرتبه چهارم، حد مرتکب اعدام خواهد بود.

۱- اردبیلی، پشبین، ص ۱۹۵

لازمه اعمال مجازات اعدام اجرای احکام سابق می باشد. بنابراین اگر شخصی مرتکب چهار فقره جرم شرب خمر شده که مجازات هیچ یک از آنها اجرا نشده باشد، فقط یک حد - ۸۰ ضربه شلاق - در مورد او اجرا خواهد شد.

© در برخی موارد مقنن شرایط خاصی را برای تکرار جرم در حدود پیش بینی کرده است:

۱. مثلاً حد سرقت به استناد ماده ۲۷۸ ق.م.ا:

الف- در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.

ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.

پ- در مرتبه سوم، حبس ابد است.

ت- در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد.

۲. در مورد حد قوادی برای مرد برای بار اول هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم (در صورت تکرار) علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می شود که مدت آن را قاضی مشخص می کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است.

* شرایط تحقق تکرار جرم در تعزیرات:

- ۱- هر کس مرتکب یکی از جرایم تعزیری از درجه یک تا شش شود، (حکم محکومیت پیشینی باید ماهیاً تعزیری باشد)
- ۲- حکم قطعی در مورد وی صادر شده باشد، (بر احکام غیر قطعی از حیث تکرار جرم هیچ گونه اثری بار نیست)
- ۳- از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، (شبهات جرم ارتكابی جدید به جرم سابق ملاک نیست اما باید تعزیری و از درجه ۱ تا ۶ باشد)
- ۴- میزان تشدید در صورت تکرار جرم تعزیری مشخص شده و مرتکب به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می شود.

نکته: بر خلاف حدود، اجرای حکم محکومیت اول برای تحقق تکرار جرم در تعزیرات ملاک نیست بلکه حتی اگر جرم اول مشمول مرور زمان شده باشد در صورت ارتكاب جرم تعزیری جدید، مقررات تکرار جرم اعمال خواهد شد.

نکته: مقررات تکرار جرم در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ اعمال نمی شود.

نکته: مقررات مربوط به تکرار جرم در جرایم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی شود.

نکته: اینکه تکرار جرم در جرایم عمدی یا غیر عمدی موجب تشدید است تصریحی نشده است. اما به نظر می رسد محدود به جرایم عمدی باشد.

موجباتی مانند عفو عمومی و یا نسخ قانون اساساً محکومست نخستین را محو و آثار آن را می زداید. از این رو، چون دیگر محکومیتی وجود ندارد و یا هیچ هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست احکام تکرار جرم شامل جرم جدید نمی شود.^۱

۱- از واجد حداقل و حداکثر باشد ← تا میانگین حداقل و حداکثر
 ۲- فاقد حداقل و حداکثر باشد ← تا نصف آن تقلیل می دهد

تخفیف مجازت
در تعدد جرایم

۱- دارای حداقل و حداکثر باشد ← تا میانگین حداقل و حداکثر
 ۲- ثابت یا فاقد حداقل و حداکثر باشد ← تا نصف مجازات مقرر تقلیل میدهد.

تخفیف مجازت
در تکرار جرایم

گفتار چهارم: تعویق صدور حکم

تعویق صدور حکم یعنی به تاخیر انداختن اجرای مجازات با نظر دادگاه صادر کننده حکم قطعی و به منظور اصلاح رفتار و باز اجتماعی کردن بزهکار.^۲

نکته: تعویق صدور حکم در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ امکان پذیر است.

نکته: تعویق صدور حکم برای دادگاه اختیاری است

نکته: تعویق صدور حکم پس از احراز مجرمیت متهم است (دادسرا مجاز به تعویق نیست)

نکته: تعویق صدور حکم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است خواهد بود

نکته: مدت تعویق صدور حکم ۶ ماه تا ۲ سال است.

۱- وجود جهات تخفیف
 ۲- پیش بینی اصلاح مرتکب
 ۳- جبران ضرر و زیان، برقراری ترتیبات آن
 ۴- فقدان سابقه کیفری موثر
 ۵- اخذ تعهد کتبی

شرایط تعویق صدور حکم
 (ماده ۴۰ ق.ا.م.)

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۱۹۹

۲- اردبیلی، پیشین، ص ۲۰۴

نکته: امکان تعویق صدور حکم در مورد اطفال و نوجوانان تمام جرایم تعزیری با رعایت مقررات وجود دارد.^۱

انواع تعویق (ماده ۴۱ ق.م.ا)

۱. **ساده:** کتباً تعهد می دهد مرتکب جرم نشود و اوضاع و احوال او دلالت بر ارتکاب جرم نکند.

۲. **مراقبتی:** علاوه بر شرایط تعویق ساده دستور ها و تدابیر مقرر به وسیله دادگاه را رعایت کند.

نکته: تعویق مراقبتی همراه با تدابیر مندرج در ماده ۴۲ ق.م.ا خواهد بود (الزامی است)

نکته: تعویق مراقبتی می تواند همراه با دستورات مندرج در ماده ۴۳ ق.م.ا باشد. (اختیاری است)

* ارتکاب جرم در مدت تعویق^۲:

ارتکاب جرم در مدت تعویق

قصاص

جنایات عمدی موجب دیه

تعزیر تا درجه ۷

قرار تعویق لغو می شود.

* ضمانت اجرای عدم انجام دستورات در مدت تعویق^۳:

۱- برای بار اول: تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر می گردد.

۲- برای بار دوم: تعویق لغو خواهد شد.

نکته: در صورت لغو قرار تعویق و صدور حکم امکان تعلیق وجود ندارد.

نکته: پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش های مددکار

اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می کند.^۴

نکته: در برخی جرایم امکان تعویق صدور حکم وجود ندارد. (ماده ۴۷ ق.م.ا)

۱- ماده ۹۴ ق.م.ا

۲- ماده ۴۴ ق.م.ا

۳- همان

۴- ماده ۴۵ ق.م.ا

گفتار پنجم: تعلیق مجازات

تعلیق اجرای مجازات عبارت است از متوقف ساختن مجازات کسی که به کیفری های تعزیری محکوم شده است تا اگر چنانچه در مدت معینی پس از آن مرتکب جرم دیگری نشود و از دستورات دادگاه تبعیت نماید محکومیت وی کان لم یکن تلقی گردد.^۱

نکته: تعلیق اجرای مجازات در جرایم تعزیری درجه ۳ الی ۸ امکان پذیر است.^۲

نکته: تعلیق اجرای مجازات برای دادگاه اختیاری است.

نکته: تعلیق اجرای مجازات می تواند نسبت به کل مجازات یا قسمتی از آن باشد.

نکته: مدت تعلیق اجرای مجازات ۱ تا ۵ سال است.^۳

نکته: تعلیق اجرای مجازات می تواند ضمن صدور حکم یا پس از آن یا در حین اجرای مجازات باشد. در تعلیق اجرای مجازات پس از اجراء باید یک سوم مجازات سپری شده باشد. دادستان، قاضی اجرای حکم یا خود محکوم علیه می توانند درخواست تعلیق نمایند.^۴

نکته: تعلیق اجرای مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم خواهد بود (شرایط مقرر در ماده ۴۰ ق.م.ا).

نکته: تعلیق اجرای مجازات می تواند بصورت ساده یا مراقبتی باشد.^۵

نکته: تعلیق ساده با رعایت مقررات تعویق ساده خواهد بود (اخذ تعهد کتبی)

نکته: تعلیق مراقبتی با رعایت مقررات تعویق مراقبتی خواهد بود (علاوه بر اخذ تعهد کتبی همراه با اعمال دستورات و تدابیر خواهد بود)

تخلف از دستورات دادگاه در مدت تعلیق

برای بار اول: دادگاه می تواند ۱ تا ۲ سال به مدت تعلیق اضافه نماید یا قرار تعلیق را لغو کند

بار دوم: لغو قرار تعلیق

۱- اردبیلی، پیشین، ص ۲۱۵

۲- ماده ۴۶ ق.م.ا؛ تعلیق تعقیب به موجب ماده ۸۲ ق.آ.د.ک منحصر به جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ می باشد.

۳- همان

۴- ماده ۴۶ ق.م.ا.

۵- ماده ۴۸ ق.م.ا.

در صورت ارتکاب جرایم مستوجب

حدی
قصاص
جنايات عمدی موجب ديه
تعزیر تا درجه ۷

قرار تعلیق لغو می شود.

نکته: تعلیق مجازات تأثیری در حقوق مدعی خصوصی ندارد.^۱

*موانع تعویق و تعلیق:

صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست^۲:

- الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور^۳، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات^۴
- ب- جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار^۵، آدم ربایی^۶ و اسیدپاشی
- پ- قدرتمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا
- ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی^۷ و سلاح و مهمات و قاچاق انسان^۸
- ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض^۹
- ج- جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

نکته: جرایم تعزیری توسط نوجوانان قابل تعلیق است.^{۱۰}

نکته: در صورت عدم ارتکاب جرایم حدی، قصاص، ديه یا تعزیر تا درجه ۷ محکومیت تعلیقی بی اثر می شود.^{۱۱}

۱- ماده ۵۱ ق.م.ا

۲- ماده ۴۷ ق.م.ا

۳- موضوع مواد ۴۹۸ الی ۵۱۲ ق.م.ا

۴- موضوع ماده ۶۸۷ ق.م.ا

۵- موضوع ماده ۶۵۲ ق.م.ا

۶- موضوع ماده ۶۲۱ ق.م.ا

۷- علاوه بر قاچاق عمده مشروبات الکلی، به استناد تبصره ۳ ماده ۷۰۳ ق.م.ا از کتاب تعزیرات، دادگاه نمی تواند هیچ یک از جرایم مندرج در مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ را تعلیق نماید. اما امکان تعویق در مورد مشروبات الکلی، فقط در فرض قاچاق آن وجود ندارد در مورد سایر مصادیق مندرج در مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ باید به مجازات ها رجوع کرد و اگر مجازات آنها جزو جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ باشد امکان تعویق وجود خواهد داشت.

۸- در مورد «مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات» قاچاق باید عمده باشد اما در مورد «قاچاق انسان» لزومی به عمده بودن قاچاق آن نیست.

۹- منظور معاونت در محاربه و افساد فی الارض است.

۱۰- ماده ۹۴ ق.م.ا

۱۱- ماده ۵۲ ق.م.ا

- نکته:** در صورت ارتکاب جرایم حدی، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه ۷ در مدت تعلیق، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادر کننده قرار تعلیق اعلام می کند.^۱
- نکته:** صدور چک از حساب مسدود قابل تعلیق نیست اما سایر جرایم مندرج در قانون چک قابل تعلیق می باشد.^۲

گفتار ششم: نظام آزادی مشروط

نکته: اعطای آزادی مشروط اختیاری است

نکته: آزادی مشروط فقط در مورد حبس های تعزیری است

- | | | |
|---|---|--|
| <p>اگر مدت حبس بیش از ۱۰ سال باشد ← بعد از گذراندن یک دوم مجازات</p> <p>اگر مدت حبس ۱۰ سال و کمتر از آن باشد ← بعد از گذراندن یک سوم مجازات</p> | } | <p>برای اعطای آزادی مشروط، محکوم علیه باید مدتی از محکومیت حبس خود را سپری کرده باشد</p> |
|---|---|--|

نکته: اعطای آزادی مشروط منوط به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای حکم است

مرتکب باید شرایط ماده ۵۷ ق.م.ا را داشته باشد:

- الف- محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.
- ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی شود.
- پ- به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.
- ت- محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

- | | | |
|---|---|------------------------|
| <p>۱- شامل بقیه مدت حبس خواهد بود.</p> <p>۲- در هر حال نمی تواند بیشتر از ۵ سال و کمتر از ۱ سال نباشد. جز در مواردی که مدت باقیمانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است.</p> | } | <p>مدت آزادی مشروط</p> |
|---|---|------------------------|

۱- ماده ۵۴ ق.م.ا

۲- ماده ۱۰ قانون چک

نکته: دادگاه می تواند ضمن آزادی مشروط، محکوم علیه را به اجرای دستورات مندرج در تعویق صدور حکم (ماده ۴۳ ق.م.ا) ملزم نماید.

<p>۱- اوضاع و احوال وقوع جرم</p> <p>۲- خصوصیات روانی و شخصیت محکوم علیه</p>	}	<p>اعمال دستورات در طول آزادی مشروط با توجه به</p>
---	---	--

*** ضمانت اجرای تخلف از اجرای دستورات ماده ۴۳ در طول آزادی مشروط (بدون عذر موجه):**

- ۱- برای بار اول ← ۱ تا ۲ سال حبس به مدت آزادی مشروط اضافه می شود
- ۲- در صورت تکرار یا ارتکاب جرم عمدی قصاص، حد، دیه، یا تعزیر تا درجه ۷ ← علاوه بر مجازات جرم جدید، باقی مانده محکومیت نیز به اجراء در می آید. (ماده ۶۱)

*** نظارت الکترونیکی:**

نکته: در حبس های تعزیری درجه ۵ تا ۸ اعمال می گردد.

نکته: اعمال نظارت الکترونیکی برای دادگاه اختیاری است.

<p>۱- وجود جهات تخفیف</p> <p>۲- پیش بینی اصلاح مرتکب</p> <p>۳- جبران ضرر و زیان، برقراری ترتیبات آن</p> <p>۴- فقدان سابقه کیفری موثر</p> <p>۵- اخذ تعهد کتبی</p>	}	<p>شرایط تعویق مراقبتی باید وجود داشته باشد</p>
--	---	---

نکته: محکوم علیه خودش رضایت داشته باشد

نکته: محدوده مکانی باید مشخص باشد

نکته: در مورد حبس ابد، ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط مصوب ۳۷ مقرر می دارد که این محکومان بعد از گذشت ۱۲ سال می توانند از آزادی مشروط استفاده کنند.

نکته: ملاک استفاده از آزادی مشروط، مجازات مقرر در دادنامه است، حتی اگر پس از عفو تقلیل یابد. مثلاً اگر شخصی به ۱۲ سال حبس محکوم شود، وی بعد از سپری شدن یک دوم مدت حبس می توان از آزادی مشروط استفاده کند حتی اگر در مدت تحمل محکومیت مجازت وی به علت عفو به کمتر از ۱۰ سال تقلیل یابد.

نکته: استفاده از آزادی مشروط در مورد اطفال و نوجوانان نیز پیش بینی شده است.^۱

گفتار هفتم: نظام نیمه آزادی

نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه‌آزادی است که در سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود.^۲

☉ در حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ اعمال می‌شود.^۳

☉ اعطای نظام نیمه آزادی اختیاری است

☉ اعطای نظام نیمه آزادی با دادگاه صادرکننده حکم قطعی است

☉ اعطای نظام نیمه آزادی با رضایت خود محکوم علیه خواهد بود.

☉ شاکی باید گذشت کرده باشد

☉ تأمین مناسب سپرده باشد

☉ تعهد به انجام فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه آموزشی و ... توسط مرتکب شده باشد

۱- ماده ۹۰ ق.م.ا

۲- ماده ۵۶ ق.م.ا

۳- ماده ۵۷ ق.م.ا

گفتار هشتم: سقوط مجازات و زوال محکومیت کیفری

الف) فوت متهم یا محکوم علیه:

نکته: فوت متهم باعث صدور قرار موقوفی تعقیب نسبت به جنبه عمومی جرایم می شود.

نکته: البته باید خاطر نشان شد که «سقوط دعوی عمومی موجب سقوط دعوی خصوصی نیست. هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است، در صورتی که دعوی خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید^۱». بنابراین فوت متهم هر چند موجب سقوط دعوی عمومی می شود اما باعث تضييع حقوق خصوصی نخواهد شد

نکته: هر گاه کسی که مرتکب قتل مستوجب قصاص شده بمیرد، **قصاص و دیه ساقط می شود.** (ماده ۲۵۹ ق.م.ا)

نکته: اگر دیه را بعد از فوت محکوم علیه ساقط کنیم این مطلب به حقوق خصوصی لطمه وارد می کند اما چون اسقاط جزای نقدی موجب لطمه به حقوق خصوصی نمی شود بهتر است که با فوت متهم ساقط شود. به همین دلیل تبصره ۱ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک تعیین تکلیف در مورد دیه را به قانون مجازات اسلامی محول نموده است.

ب) گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت: (استرداد شکایت)

⊖ گذشت شاکی تنها زمانی منجر به صدور قرار موقوفی تعقیب می گردد که جرم مورد نظر، قابل گذشت باشد.

⊖ اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرایم است، قابل گذشت بودن استثناء است و نیاز به تصریح دارد. (احصاء جرایم ق.گذشت در ماده ۱۰۴ ق.م.ا صورت گرفته است). همچنین مطابق با ماده ۱۰۳ ق.م.ا که مقرر می دارد «چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیرقابل گذشت محسوب می شود مگر اینکه از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد». با عنایت به مطالب پیش گفته می توان دریافت هم اکنون جرایم در دو صورت قابل گذشت محسوب می گردد، یکی تصریح قانون و دیگری تعیین شرع که در حق الناس امکان پذیر است.^۲

۱- ماده ۲۰ ق.ا.د.ک

۲- خالقی، علی، پیشین، ص ۱۰۸؛ همچنین برای مشاهده نظر موافق نگاه کنید به آشوری، محمد، پیشین، ص ۲۲۱؛

۳- همان، ص ۱۰۴

نکته: گذشت ممکن است بعد از صدور حکم باشد که در این صورت قرار موقوفی اجرا صادر می شود و مطابق با تبصره ۲ ماده ۲۵ ق.م.ا آثار تبعی هم نخواهد داشت.^۱

نکته: پس از صدور کیفرخواست و قبل از ارسال به دادگاه، هرگاه شاکی در **جرائم قابل گذشت**، رضایت قطعی خود را به دادستان اعلام کند، در صورت وجود پرونده در دادرسی، دادستان از کیفرخواست عدول می کند. در این صورت، قرار موقوفی تعقیب توسط بازپرس صادر می شود. در جرائم غیرقابل گذشت، هرگاه شاکی رضایت قطعی خود را اعلام کند، دادستان در صورت فراهم بودن شرایط صدور قرار تعلیق تعقیب، می تواند از کیفرخواست عدول و تعقیب را معلق کند و در صورتی که در نتیجه رضایت شاکی نوع مجازات تغییر کند، دادستان از کیفرخواست قبلی عدول و بر این اساس کیفرخواست جدید صادر می کند». (ماده ۲۸۳ ق.آ.د.ک)

● گذشت شاکی در مرحله دادرسی (دادگاه) هم از موجبات صدور قرار موقوفی تعقیب است (بند پ ماده ۳۸۹ ق.آ.د.ک)

نکته: عدم حضور شاکی و عدم پی گیری او به معنی گذشت نیست. (رای وحدت رویه ۵۲۵ مورخ ۶۸)

● گذشت (اعم از کتبی یا شفاهی) باید بعد از وقوع جرم باشد اگر قبل از وقوع جرم باشد رضایت نامیده می شود.^۲

● گذشت نوعی استیفاء حق است بنابراین گذشت کننده باید عاقل و بالغ و مختار باشد و با توجه به ملاک تبصره ماده ۷۲ ق.آ.د.ک می توان رشید بودن وی را نیز در صورتی که موضوع جنبه مالی داشته باشد اضافه نمود.^۳

● گذشت قیم اتفاقی منوط به اجازه دادستان می باشد. (تبصره ۲ ماده ۱۰۱ ق.م.ا)

● گذشت باید منجز باشد. (ماده ۱۰۱ ق.م.ا)

● گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد. (ماده ۱۰۱ ق.م.ا)

گذشت مشروط آن است که گذشت کردن شاکی همراه با وضع شرطی مبنی بر انجام یا عدم انجام کاری باشد، مثل اینکه شاکی بگوید اگر متهم هزینه های درمانی یک سال آینده مرا که در اثر ارتکاب جرم تحمیل خواهد شد بپردازد من هم گذشت می کنم. گذشت معلق آن است که اثر گذشت از ابتدا از سوی شاکی موکول به تحقق نتیجه ای معین باشد، مثل این که شاکی بگوید در صورت پرداخت کلیه هزینه هایی که تا کنون متقبل شده ام من دیگر شکایتی ندارم. در هر حال از

۱- همان، پاورقی شماره ۲، ص ۱۰۸

۲- همان

۳- همان

نظر نتیجه تفاوتی بین گذشت معلق و مشروط نیست. مطابق با تبصره همان ماده «گذشت مشروط یا معلق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست، ولی اجرای مجازات در جرائم قابل گذشت منوط به عدم تحقق شرط یا معلق علیه است. در این صورت، محکوم علیه با قرار تأمین مناسب آزاد می شود». در همین راستا ماده ۳۶۱ ق.م.ا مقرر می دارد «اگر مجنی علیه یا ولی دم، گذشت و اسقاط حق قصاص را مشروط به پرداخت وجه المصلحه یا امر دیگری کند، حق قصاص تا حصول شرط، برای او باقی است».

⊖ حد قذف مطابق با ماده ۲۶۰ ق.م.ا قابل گذشت است.^۲

⊖ حد سرقت تا قبل از ثبوت جرم قابل گذشت و بعد از آن غیر قابل گذشت است.^۳

⊖ مجازات قصاص قابل گذشت می باشد.^۴

نکته: اگر شکات چند نفر باشند برای موقوف شدن تعقیب، گذشت همگی آنها لازم است. (ماده ۱۰۲ ق.م.ا)

نکته: گذشت حق است و قابل توراث می باشد (تبصره ماده ۱۰۲ ق.م.ا)

پ) مشمولان عفو:

عفو یعنی بخشیدن متهم (البته این به معنی بخشیدن متهم از جانب شاکی نیست) این بخشش از طرف جامعه می باشد. اقدام به عفو از جانب جامعه توسط نمایندگان آن صورت می گیرد.^۵ عفو به دو نوع تقسیم می شود:

۱- عفو عمومی:

ماده ۹۷ ق.م.ا مقرر می دارد «عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می شود». بنابراین:

⊖ عفو عمومی به موجب قانون اعمال می شود. (قوه مقننه)

نکته: چون عفو عمومی به موجب قانون صورت می گیرد بنابراین سبب سلب عنوان مجرمانه از اعمال افراد مشمول عفو می گردد در نتیجه نسبت به معاونین - همچنین شرکا - جرم نیز موثر است.^۶

نکته: عفو عمومی در جرائم موجب تعزیر (اعم از منصوص و غیر منصوص شرعی) اعطاء می شود.

۱- خالقی، علی، پیشین، ص ۱۰۹

۲- مطابق با ماده ۲۶۰ ق.م.ا «حد قذف اگر اجراء نشده و مقذوف نیز گذشت نکرده باشد به همه ورثه به غیر از همسر منتقل می گردد و هریک از ورثه می تواند تعقیب و اجرای آن را مطالبه کند هر چند دیگران گذشت کرده باشند». همچنین بند پ ماده ۲۶۱ همان قانون یکی از شرایط اسقاط حد قذف را گذشت مقذوف و در صورت فوت وی، گذشت ورثه او می داند.

۳- بند ذ ماده ۲۶۸ ق.م.ا یکی از شرایط سرقت حدی را موردی می داند که به موجب آن «صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد».

۴- ماده ۳۶۳ ق.م.ا مقرر می دارد «گذشت یا مصلحه، پیش از صدور حکم یا پس از آن، موجب سقوط حق قصاص است».

۵- خالقی، پیشین، ص ۱۱۱

۶- همان

عفو عمومی تعقیب و دادرسی را موقوف می کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار (مجازات های تبعی و تکمیلی) محکومیت نیز زائل می شود.^۱

عفو عمومی هم مجازات و هم اثر آن را هم از بین می برد (مجازات های تبعی و تکمیلی)

امکان شمول قاعده تکرار جرم در عفو عمومی وجود ندارد.^۲

نکته: امکان مطالبه خسارت مدعی خصوصی وجود دارد.^۳ (ادعای خصوصی به قوت خود باقی است)

۲- عفو خصوصی:

ماده ۹۶ ق.م.ا مقرر می دارد «عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است».^۴ بنابراین:

این عفو به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با رهبری است (ماده ۹۶ ق.م.ا)

نکته: برخلاف عفو عمومی که در صورت تصویب در هر مرحله تاثیر گذار بود، حتی شامل حال متهمانی که تعقیب آنها هنوز شروع نشده بود نیز می شد اما به موجب صدر ماده ۹۶ ق.م.ا عفو خصوصی فقط بعد از صدور حکم می تواند تاثیر گذار باشد (در حق محکومان تأثیر دارد)

نکته: فقط اجرای مجازات اصلی را متوقف می کند نه مجازات های تبعی مگر اینکه تصریح شده باشد.^۵

عفو عمومی در حدود موازین اسلامی امکان پذیر است و در حدود، قصاص و دیات با توجه به ضوابط حاکم بر تفکیک حق الله از حق الناس و آثار مترتب بر آن صورت می پذیرد.^۶

^۱ - ماده ۹۷ ق.م.ا

^۲ - آشوری، محمد، پیشین، ص ۲۲۹

^۳ - ماده ۹۸ ق.م.ا مقرر می دارد «عفو... تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیده ندارد».

^۴ - این عفو به عنوان یکی از اختیارات رهبری در بند ۴ اصلا ۱۱۰ ق.م.ا هم پیش بینی شده است.

^۵ - هر چند که ماده ۹۸ ق.م.ا به صورت عام، «عفو» را فاقد آثار محکومیت می داند «عفو، همه آثار محکومیت را منتفی میکند...» اما سوال اینجاست که منظور مقنن در تبصره ۳ ماده ۲۵ ق.م.ا از عفو «در عفو... اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می شود» چه نوع عفوئی است؟! اگر عفو را به صورت عام (عمومی و خصوصی) و به استناد ماده ۹۸ اخیر الذکر فاقد آثار تبعی بدانیم، تبصره ۳ ماده ۲۵ قابلیت اجرایی پیدا نمی کند که چنین کار لغو و بیهوده ای از مقنن بعید است. تفسیر در پرتو اصول حقوق کیفری عمومی، به این شکل باید باشد که تبصره ۳ ماده ۲۵ را باید ناظر بر عفو خصوصی بدانیم و عفو عمومی را به دلیل صدور آن از سوی قوه مقننه و تاثیر آن بر وصف مجرمانه فاقد آثار تبعی بدانیم. (خالقی، پیشین، ص ۱۱۳؛ البته چنین تفسیری پیش از این مورد توجه برخی از حقوقدانان نیز قرار گرفته بود. ر.ک. ساولانی، اسماعیل، حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، ص ۳۹۲)

^۶ - آشوری، محمد، پیشین، ص ۲۳۱

ت) نسخ مجازات قانونی^۱:

☉ به موجب ماده ۹۲ ق.م.ا «نسخ قانون، تعقیب و اجرای مجازات را موقوف می کند».

☉ نسخ مجازات قانونی به معنای مباح کردن عمل مجرمانه است.^۲

نکته: اگر در فاصله زمان ارتکاب جرم تا زمان رسیدگی به آن، قانونی وضع شود و مجازات مقرر در زمان ارتکاب جرم را حذف کند این قانون چون مساعد به حال متهم است عطف بماسبق می شود و سبب موقوف شدن دعوی عمومی گردد.

نکته: قانون خفیف را شامل نمی شود (عطف می شود اما موقوفی صادر نمی شود).

نکته: نسخ مجازات به موجب قانون بعمل می آید.

نکته: با نسخ قانون به علت این که منجر به امحای آثار قانونی جرم می شود و به شکل نسخ موضوع عمل می کند نه شخصی، به شرکا و معاونین جرم نیز تسری میابد.^۳

* نسخ بر دو نوع است:

۱- **نسخ صریح:** قانون گذار نسخ قانون را صریحاً اعلام می کند مثل ماده ۵۷۰ ق.آ.د.ک که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۷۸ را صریحاً نسخ نموده است.

۲- **نسخ ضمنی:** از تعارض میان دو قانون سابق و لاحق به نحوی که مانع اجرای همزمان آن گردد و به طور ضمنی حکایت از قصد قانونگذار به لغو قانون قدیم نماید.^۴

نکته: حتی اگر قانون جدیدی وضع نشود ولی قانون سابق اعتبار اجرایی خود را از دست بدهد باز هم نوعی نسخ محسوب می شود.^۵ (قوانین موقت)

☉ با نسخ مجازات عمل دیگر جرم نیست (پس باید قرار منع تعقیب صادر می شد چون با نسخ قانون عمل دیگر جرم نیست و از موارد صدور قرار منع تعقیب است) اما چون در ماده ۶ ق.آ.د.ک پیش بینی شده قرار موقوفی تعقیب صادر شود.

^۱ برخی از حقوق دانان معتقدند اصطلاح «نسخ مجازات» اشتباه است و باید می گفت نسخ قانون چون نمی شود که مجازات نسخ شود ولی عنوان مجرمانه برقرار باشد ر.ک. خالقی، پیشین، ص ۱۱۸؛ البته مقنن در ماده ۹۹ ق.م.ا به درستی از اصطلاح نسخ قانون استفاده نموده است.

^۲ خالقی، پیشین، ص ۱۱۹

^۳ آشوری، محمد، پیشین، ص ۲۴۰

^۴ خالقی، پیشین، ص ۱۱۹

^۵ همان، ص ۱۲۰

پ) مرور زمان:

مرور زمان عبارت است از گذشتن مدتی که پس از آن از دیدگاه قانونی، اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوای عمومی و سرانجام اجرای مجازات امکان پذیر نیست.^۱

نکته: بر خلاف امور حقوقی، در امور کیفری مرور زمان همیشه مسقط است اما هیچ گاه موجب امحای محکومیت نمی گردد و به این علت فقط مجازات به مرحله اجرا گذاشته نمی شود و در صورت ارتکاب جرم مجدد از سوی مرتکب، با رعایت مقررات تکرار جرم برای او مجازات تعیین می شود.^۲

نکته: مرور زمان از جمله قواعد آمره است و قابل اسقاط از طرف ذی نفع نیست.^۳

مقنن این بار در قانون مجازات اسلامی، مواد ۱۰۵ الی ۱۱۳ این قانون را به تبیین احکام مرور زمان اختصاص داده است. سقوط دعوای عمومی در همه مکاتب و کشورها پذیرفته نشده است. مثلاً بکار یا با مرور زمان در جرایم مهم مخالف است. در برخی از کشورها مانند انگلستان مرور زمان پذیرفته نیست. در فقه امامیه نیز ظاهراً قول مشهور بر عدم پذیرش مرور زمان است.^۴

نکته: به دلایل شرعی، در قوانین ما مرور زمان در حدود، قصاص و دیات پذیرفته نشده است و تنها در جرایم تعزیری مورد شناسایی قرار گرفته است. در مورد تعزیرات هم، مقنن مرور زمان را در برخی موارد جاری نمی داند؛ دسته اول در مورد تعزیرات منصوص شرعی^۵ و دسته دوم در مورد جرایم مندرج در ماده ۱۰۹ ق.م.ا که شامل: الف) جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور؛ ب) جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا با رعایت مبلغ مندرج در آن؛ پ) جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر می شود.

*** اقسام مرور زمان**

نکته: با توجه به مواد ۱۰۶ و ۱۰۹ ق.م.ا هم اکنون ۴ نوع مرور زمان در قوانین ما شناخته شده است:^۶

۱- مرور زمان شکایت: انقضاء مدتی از تاریخ اطلاع بزه دیده از وقوع یک جرم قابل گذشت و عدم شکایت از متهم ظرف مدت یک سال^۱ که پس از آن وی نمی تواند از متهم شکایت کند.^۲ ماده ۱۰۶ ق.م.ا در خصوص مرور زمان شکایت واجد نکات زیر می باشد:

۱- همان، ص ۲۰۵

۲- همان ص ۲۰۹

۳- همان

۴- همان، ص ۲۰۵

۵- تبصره ماده ۱۱۵ به نحو سوال برانگیزی از میان مواد مربوط به مرور زمان، فقط ماده ۱۰۵ را نام برده و اشاره ای به مواد ۱۰۶ و ۱۰۷ همان قانون که دو نوع دیگر مرور زمان را بیان می کند، نکرده است. استثنائی بودن حکم تبصره فوق مستلزم تفسیر محدود آن است، ولی بسیار بعید به نظر می رسد که مقصود قانون گذار و شورای نگهبان، که بر اساس رای فقهای آن، تبصره مذکور به قانون اضافه شده است، پذیرش مرور زمان مندرج در مواد ۱۰۶ و ۱۰۷ نسبت به تعزیرات منصوص شرعی باشد. (خالقی، پیشین، پاورقی شماره ۱، ص ۱۳۱)

۶- خالقی، پیشین، ص ۱۳۰

Ⓒ مدت مرور زمان شکایت ۱ سال از تاریخ اطلاع وقوع جرم است.

Ⓒ اگر متهم به دلیل عدم امکان شکایت از جانب شاکی وی را تحت سلطه خویش نگه دارد موعده یکساله جریان نخواهد داشت.^۳

Ⓒ در صورت فوت متضرر از جرم، هر یک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت خواهند داشت.

Ⓒ مرور زمان شکایت فقط در جرایم تعزیری قابل گذشت جریان دارد.

۲- **مرور زمان تعقیب:** گذشت مدتی از تاریخ وقوع جرم است که پس از آن متهم قابل تعقیب نیست.^۴ ماده ۱۰۵ ق.م.ا در خصوص مرور زمان تعقیب واجد نکات زیر می باشد:

Ⓒ مدت مرور زمان تعقیب از ۳ سال تا ۱۵ سال متغیر می باشد که بسته به درجه جرم تعزیری متغیر خواهد بود.^۵

Ⓒ در جرایم تعزیری قابل گذشت، اگر قبل از اطلاع بزه دیده از وقوع جرم یا قبل از شمول مرور زمان شکایت (یک سال) مدت های مقرر در ماده ۱۰۵ ق.م.ا سپری شده باشد و جرم مشمول مرور زمان گردد شاکی دیگر حق شکایت ندارد.^۶ مگر اینکه تحت سلطه متهم باشد. بنابراین اگر شاکی بعد از ۲ سال و نیم از وقوع جرم تعزیری درجه ۷ مطلع گردد، ۶ ماه وقت دارد شکایت کند نه یک سال چون بعد شش ماه (۳ سال کامل می گردد) جرم مورد نظر مشمول مرور زمان مقرر در ماده ۱۰۵ ق.م.ا خواهد شد.

۳- **مرور زمان صدور حکم:** این نوع مربوط به پرونده های تشکیل شده در جهت تعقیب متهم جرم است. در این شکل، مرور زمان با انقضای مدتی از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی در پرونده منجر به صدور حکم قطعی نگردد موضوع

۱- مدت هایی که قبلاً برای شکایت بزه دیده در مورد برخی قوانین خاص پیش بینی شده بود همچنان معتبر بوده و تحت تاثیر حکم فوق قرار ندارد. مانند مدت شش ماهه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت برای شکایت دارنده چک از صادر کننده، مقرر در ماده ۱۱ قانون صدور چک (خالقی، پیشین، پاورقی شماره ۱ ص ۱۳۲)

۲- ماده ۱۰۶ ق.م.ا در خصوص مرور زمان شکایت مقرر می دارد «در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می شود مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می شود. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نباشد هر یک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت دارد». تبصره ماده فوق نیز مقرر می دارد «غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می شود که جرم موضوع شکایت طبق ماده (۱۰۵) این قانون مشمول مرور زمان نشده باشد».

۳- تبصره ماده ۱۰۷ ق.م.ا مقرر می دارد «غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می شود که جرم موضوع شکایت طبق ماده (۱۰۵) این قانون مشمول مرور زمان نشده باشد». به نظر می رسد مباشرت متهم در تحت سلطه قرار دادن شاکی لازم نیست و حتی اگر این کار توسط شخص دیگری به خواست متهم انجام گیرد باز هم مشمول ماده خواهد بود. اما این که آیا حکم تحت سلطه قرار گرفتن شاکی توسط متهم به ورثه وی هم تسری می یابد یا خیر قابل تامل است!

۴- خالقی، پیشین، ص ۱۳۲

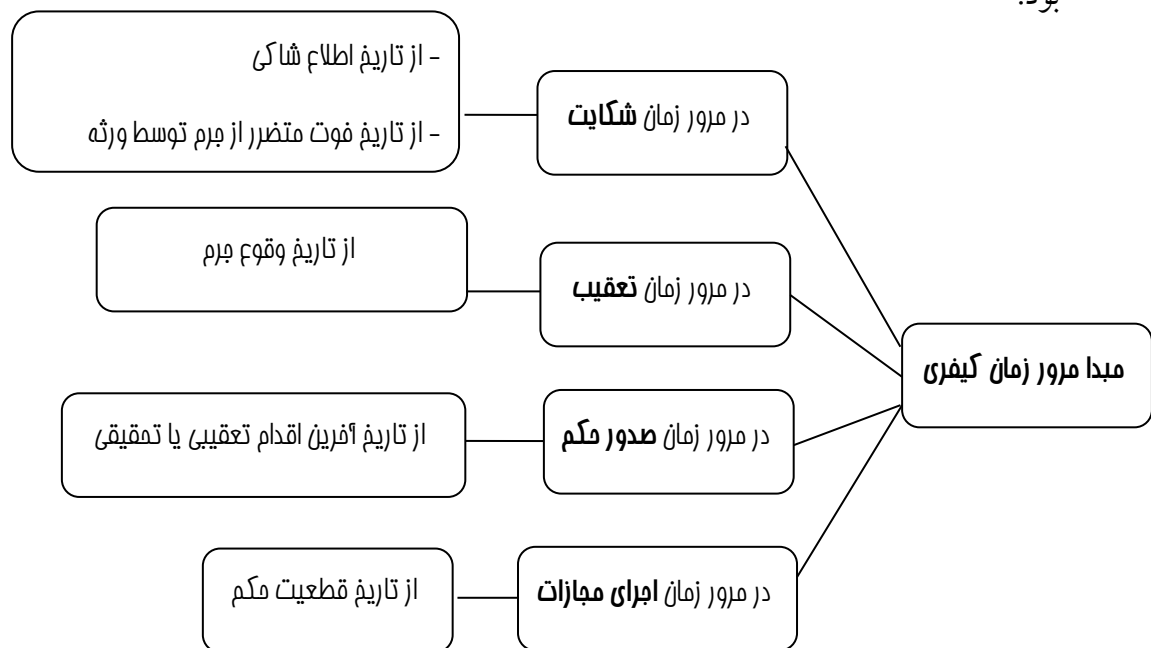
۵- به صفحه ۵۳ جزوه مراجعه فرمایید

۶- همان

مشمول مرور زمان شده و دیگر نمی توان به آن رسیدگی نمود.^۱ ماده ۱۰۵ ق.م.ا در خصوص مرور زمان صدور حکم واجد نکات زیر می باشد:

- ⊖ مواعد مرور زمان صدور حکم همان مواعد پیش بینی شده برای مرور زمان تعقیب است.
- ⊖ مرور زمان صدور حکم از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیق محاسبه می گردد.
- ⊖ اقدام تعقیبی یا تحقیقی، اقدامی است که مقامات قضائی در اجرای یک وظیفه قانونی از قبیل احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعان، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضائی انجام می دهند. (تبصره ۱ ماده ۱۰۵ ق.م.ا)
- ۳- **مرور زمان اجرای مجازات** : گذشت مدتی از تاریخ قطعی شدن حکم محکومیت است که پس از آن دیگر امکان اجرا وجود ندارد. ماده ۱۰۷ ق.م.ا در خصوص مرور زمان اجرا واجد نکات زیر می باشد:
- ⊖ مرور زمان اجرا از تاریخ قطعیت حکم کیفری شروع می شود.^۲
- ⊖ مواعد مرور زمان اجرا نسبت به انواع دیگر آن بیشتر بوده و بین ۵ تا ۲۰ سال بسته به درجه جرم تعزیری متغیر خواهد

بود.^۳



۱- همان، ص ۱۳۳

۲- ماده ۴۹۰ ق.آ.د.ک آراء کیفری قطعی را به چهار دسته تقسیم بندی می کند:

الف- رأی قطعی که دادگاه نخستین صادر می کند.

ب- رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام آن رد شده باشد.

پ- رأیی که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد.

ت- رأیی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد.

۳- مواعد مرور زمان اجرا در ماده ۱۰۷ ق.م.ا پیش بینی شده است. (به صفحه ۵۳ جزوه مراجعه فرمایید)

* قطع مرور زمان

- ⊖ قطع مرور زمان به این معنی است که واقعه یا رویدادی در مدت مرور زمان رخ دهد که اثر مدت قبلی را از بین ببرد به گونه ای که گویی مرور زمان آغاز نشده است.
- ⊖ در مرور زمان شکایت آنچه باعث قطع مرور زمان می شود «شکایت کیفری» توسط بزه دیده در مراجع ذی صلاح (اعم از کلانتری، دادسرا، شورای حل اختلاف و...) است.^۱
- ⊖ در مرور زمان تعقیب عامل قطع مرور زمان «تعقیب متهم» است. البته منظور از تعقیب، شروع به تعقیب است.^۲
- ⊖ عامل قطع مرور زمان در مرور زمان صدور حکم «قطعیت یافتن حکم» کیفری است.
- ⊖ عامل قطع مرور زمان اجرای مجازات «شروع به مجازات» مقرر در حکم است. و اگر بعد از شروع مجازات، مجدداً قطع گردد که در این صورت از تاریخ «قطع اجرای حکم» مرور زمان کیفری به جریان می افتد.^۳
- ⊖ قطع مرور زمان مطلق است و نسبت به کلیه شرکا و معاونین اعم از این که تعقیب شده یا نشده باشند اعمال می گردد هر چند تعقیب فقط در مورد یک نفر از آنها شروع شده باشد. همچنین شروع به اجرای حکم در مورد برخی از شرکا یا معاونان جرم قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان است. (ماده ۱۱۲ ق.م.ا.)
- ⊖ از تاریخ قطع مرور زمان، مرور زمان جدیدی آغاز می گردد^۴ (بر خلاف تعلیق مرور زمان) و مدت آن بستگی به مرحله انقطاع (قبل از صدور حکم باشد یا بعد از آن) متغیر خواهد بود.

* تعلیق مرور زمان

- ⊖ تعلیق مرور زمان وضعیتی است که در آن جریان مرور زمان به دلیل عاملی خارجی متوقف می شود.^۵

^۱ - خالقی، پیشین، ص ۱۳۶

^۲ - همان، ص ۱۳۸

^۳ - مطابق با ماده ۱۰۸ ق.م.ا «هرگاه اجرای مجازات، شروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ قطع اجرای مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان اعمال نمی شود.»

^۴ - آشوری، پیشین، ص ۲۱۵

^۵ - در مورد تعلیق، بر خلاف قطع مرور زمان، اولاً اگر مدتی قبلاً سپری شده باشد، مدت مزبور بعد از رفع حالت تعلیق محاسبه خواهد شد و ثانیاً بعد از دوره تعلیق امکان شمول مرور زمان وجود دارد. برای مثال در مرور زمان شکایت از زمانی که شاکی تحت سلطه متهم قرار می گیرد مرور زمان تعلیق شده و جریان نمی یابد. حال اگر مدتی بعد سلطه متهم رفع شد مرور زمان مجدداً به جریان می افتد در این حالت مدت قبل و بعد از تعلیق با یکدیگر جمع شده و مجموعاً مدت مرور زمان یک ساله را تشکیل می دهند (خالقی، پیشین، ص ۱۳۹)

در مورد تعلیق مرور زمان در مراحل مختلف تعقیب، صدور حکم و اجرا می توان مواردی را به عنوان مثال ذکر کرد:

- در مورد مرور زمان تعقیب، اگر متهم مثلاً از افرادی باشد که برای تعقیب آنها کسب اجازه از مقامی خاص ضروری باشد، مانند تعقیب کیفری قضات، در این صورت چون امکان تعقیب قبل از کسب اجازه ممکن نمی باشد بنابراین مرور زمان به حالت تعلیق در می آید و از تاریخ اخذ اجازه مرور زمان محاسبه خواهد شد. اصولاً قرار اناطه هم از عوامل تعلیق مرور زمان است به نحوی که جریان مرور زمان را تا هنگام صدور رای از مرجع حقوقی به حالت تعلیق در آورده، پس از آن مجدداً مرور زمان جاری می شود. با این حال تبصره ۲ ماده ۱۰۵ ق.م.ا مقرر می دارد «در مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می شود». از این حکم پیداست که اولاً؛ قانونگذار، اناطه را از عوامل قطع و نه تعلیق مرور زمان دانسته است چون می گوید مرور زمان از تاریخ قطعیت رای مرجعی دیگر شروع می شود. ثانیاً؛ وی صدور قرار اناطه را موثر بر مرور زمان «تعقیب» دانسته است در حالیکه قبل از صدور قرار اناطه تعقیب کیفری شروع شده و مرور زمان تعقیب از هم گسسته است. پس صدور قرار اناطه باید موثر بر مرور زمان صدور حکم باشد نه مرور زمان تعقیب.^۱

- در مرور زمان صدور حکم باید عواملی که بعد از انجام آخرین اقدام تعقیبی با تحقیقی، قانوناً رسیدگی و صدور حکم قطعی را به تاخیر می اندازند باید موجب تعلیق مرور زمان دانست. مانند حدوث جنون^۲

- در مرور زمان اجرای مجازات هر عاملی که با وجود آن نتوان قانوناً مجازات قطعی را به اجرا در آورد باعث تعلیق مرور زمان دانست. مانند بارداری زن محکوم به شلاق (ماده ۵۰۱ ق.آ.د.ک) یا صدور قرار تعلیق اجرای مجازات (ماده ۴۶ ق.م.ا).^۳

اصولاً علل تعلیق مرور زمان یا عملی است مانند قوه قاهره (جنگ، اشغال نظامی و امثال آنها که در اثر آن دستگاه قضایی از کار افتاده باشد) یا حقوقی است مانند قرار اناطه، مصونیت پارلمانی، کسب مجوز و تعلیق قاضی متهم و ...^۴

نهایتاً این که تبصره ۲ ماده ۱۰۷ ق.م.ا مبنی بر فرضی است که در ایران حکم دادگاه خارجی نسبت به اتباع ایرانی اجراء می شود

«مرور زمان اجرای احکام دادگاه های خارج از کشور درباره اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقت نامه های قانونی، مشمول مقررات این ماده است.» (اصولاً احکام دادگاه هایی که توسط کشورهای بیگانه صادر می شود در کشورها اجراء نمی

۱- خالقی، پیشین، ص ۱۳۹

۲- همان، ص ۱۳۸

۳- همان؛ همچنین می توان به تبصره ۲ ماده ۱۰۷ ق.م.ا اشاره نمود که مقرر می دارد «اگر اجرای تمام یا بقیه مجازات موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می شود». همچنین ماده ۱۱۱ ق.م.ا مقرر می دارد «در موارد تعلیق اجرای مجازات یا اعطای آزادی مشروط در صورت لغو قرار تعلیق یا حکم آزادی مشروط، مبدأ مرور زمان، تاریخ لغو قرار یا حکم است».

۴- آشوری، پیشین، ص ۲۱۶

شود مگر در پاره‌ای استثنائات) این یک نوع همکاری بین‌المللی است که انتقال محکومان نام دارد. یعنی اگر ایرانی در ترکیه محکوم می‌شود ولی برای اجرا مجازاتش به کشور متبوع خود یعنی ایران منتقل می‌گردد و اگر به علی حکم اجرا نشود مشمول مرور زمان خواهد شد.^۱

نکته: ملاک محاسبه مدت های مرور زمان، مجازات های مقرر در قانون است نه در حکم دادگاه.^۲

Ⓒ به موجب ماده ۱۱۰ ق.م.ا «هرگاه در مورد یک شخص به موجب حکم یا احکامی محکومیت‌های قطعی متعدد صادر شود، شروع به اجرای هر یک از محکومیت‌ها، نسبت به دیگر محکومیت‌ها، قاطع مرور زمان است».

نکته: موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع از استیفای حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می‌تواند دعوای خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید. (ماده ۱۱۳ ق.م.ا)

طبق ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی موارد پیش بینی شده در ماده ۳۶ این قانون هم مشمول مرور زمان نمی‌شوند. که عبارت اند از :

الف _ رشا و ارتشا.
ب _ افتلاس
پ _ اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی در صورت تمصیل مال توسط مجرم یا دیگری
ت _ مدافله وزرا. و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری
ث _ تبانی در معاملات فاربی
ج _ آفد پورسانت در معاملات فاربی
چ _ تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت
م _ جرائم گمرکی
ن _ قاچاق کالا
د _ جرائم مالیاتی
ذ _ پولشویی

۱- حدود، قصاص و دیات
۲- تعزیرات منصوص شرعی
۳- تعزیرات پیش بینی شده در ماده ۱۰۹ ق.م.ا :
الف- جرائم علیه امنیت داخلی و فاربی کشور
ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده
پ- جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مفدر

برایمی که مرور زمان در آنها جاری نمی‌شود

نکته: جرایم مندرج در بند ب ماده ۱۰۹ ق.م.ا و تبصره ماده ۳۶ همان قانون، زمانی مشمول مرور زمان نمی‌شوند که میزان مال موضوع جرم ارتكابی یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد. بنابراین کلاهبرداری و سایر جرایم اقتصادی با مبلغ کمتر از یک میلیارد ریال مشمول مرور زمان خواهد شد.

نکته: مطابق با بند ت ماده ۱۱ ق.م.ا قوانین مربوط به مرور زمان نسبت به جرایم سابق بر وضع آن فوراً اجرا خواهد شد.

^۱ - همان، ص ۱۴۱

^۲ - آشوری، پیشین، ص ۲۱۷

جدول مرور زمان		
مرور زمان اجرا	مرور زمان تعقیب و صدور حکم	جرایم تعزیری
۲۰ سال	۱۵ سال	<p>تعزیری درجه ۱ و ۲ و ۳ :</p> <ul style="list-style-type: none"> - حبس بیش از ۱۰ سال - جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال - مصادره کل اموال - انقضاء شفص مقوقی
۱۵ سال	۱۰ سال	<p>تعزیری درجه ۴ :</p> <ul style="list-style-type: none"> - حبس بیش از پنج سال تا ده سال - جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا سیصد و شصت میلیون (۳۶۰۰۰۰۰۰۰) ریال - انقضاء دائم از خدمات دولتی و عمومی
۱۰ سال	۷ سال	<p>تعزیری درجه ۵</p> <ul style="list-style-type: none"> - حبس بیش از دو سال تا پنج سال - جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰۰۰۰۰۰۰) ریال - مرمومیت از مقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال - ممنوئیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشفاص مقوقی - ممنوئیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشفاص مقوقی
۷ سال	۵ سال	<p>تعزیری درجه ۶</p> <ul style="list-style-type: none"> - حبس بیش از شش ماه تا دو سال - جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰۰۰۰۰۰۰) ریال - شلاق از سی و یک تا نود و نه ضربه - مرمومیت از مقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال - انتشار حکم قطعی در رسانه ها - ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشفاص مقوقی مداکثر تا مدت ۵ سال - ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشفاص مقوقی مداکثر تا مدت ۵ سال - ممنوعیت از اصدار برفی از اسناد تجاری توسط اشفاص مقوقی مداکثر تا مدت ۵ سال
۵ سال	۳ سال	<p>تعزیری درجه ۷ و ۸</p> <ul style="list-style-type: none"> - تا شش ماه حبس - جزای نقدی تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال - شلاق تا سی ضربه - مرمومیت از مقوق اجتماعی تا شش ماه

نکته : در مواردی که مجازات قانونی جرم حبس یا جزای نقدی یا شلاق یا هر سه باشد، قانون آیین دادرسی کیفری مجازات حبس را ملاک قرار داده بود. در قانون مجازات عمومی در مبحث مربوط به قواعد مرور زمان، در این خصوص تکلیفی پیش بینی نشده است اما شاید بتوان حکم مقرر در تبصره ۳ ماده ۱۹ ق.م.ا را ملاک قرار داد؛ « در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است. همچنین اگر مجازاتی با هیچ‌یک از بندهای هشت گانه این ماده مطابقت نداشته باشد مجازات درجه هفت محسوب می‌شود.

نکته : تبصره ماده ۲۵ قانون نظارت بر نحوه رفتار قضات مصوب ۹۰، مدت مرور زمان تعقیب انتظامی قضات را از تاریخ وقوع تخلف و یا آخرین اقدام تعقیبی سه سال می‌داند.

ت) توبه مرتکب

☉ توبه، به عنوان یکی از عوامل سقوط دعوای عمومی و در نهایت صدور قرار موقوفی در ماده ۱۳ ق.آ.د.ک پیش بینی نشده است ولی مقنن مواد ۱۱۴ الی ۱۱۹ ق.م.ا را به توبه، به عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات اختصاص داده است.

☉ به نظر می‌رسد توبه باید نزد قاضی دادگاه (اعم از بدوی و تجدید نظر) صورت گیرد و با توبه نزد بازپرس و دادیار، تعقیب و مجازات موقوف نخواهد شد. در این حال، مقامات دادرسی، ضمن ثبت اظهارات متهم، پرونده را پس از تکمیل تحقیقات با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست جهت اتخاذ تصمیم در مورد توبه متهم به دادگاه ارسال می‌کنند.^۱

۱- خالقی، پیشین، ص ۱۱۴

تأثیر توبه در جرایم مفتلف

اگر توبه قبل از اثبات جرم باشد:

- همه جرایم مدی غیر از معاربه و قذف، مجازات مدی ساقط می شود (ماده ۱۱۴ ق.م.ا).
- منظور از قبل از اثبات جرم، قبل از صدور رای قطعی است (این موثد از لفظه ا رتکاب جرم شروع می شود).
- در مورد مد معاربه، مقنن توبه مرتکب را زمانی از موارد سقوط مجازات می داند که قبل از دستگیری باشد (تبصره ۲ ماده ۱۱۴ ق.م.ا).

اگر توبه بعد از اثبات جرم باشد:

همه جرایم مدی غیر از قذف، در صورتی که مد با اقرار مرتکب ثابت شده باشد دادگاه می تواند عفو مرتکب را از طریق رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.

زناى به عنف و اکراه مستوجب مجازات اعدام است (بند ت ماده ۲۲۴ ق.م.ا). توبه زانی به عنف و اکراه، با رعایت شرایط فوق، هر چند باعث زوال مجازات اعدام می گردد اما مرتکب به میس یا شلاق درجه شش یا هر دو آنها محکوم فواید شد (تبصره ۲ ماده ۱۱۴ ق.م.ا).

مد قذف، در هیچ شرایطی (په قبل از اثبات په بعد از آن) با توبه مرتکب ساقط نمی گردد (مواد ۱۱۴ و ۱۱۶ ق.م.ا).

در مدود

قصاص، با توبه مرتکب ساقط نمی گردد (ماده ۱۱۶ ق.م.ا).

در قصاص

برایم مستوجب ديه، با توبه مرتکب ساقط نمی گردد (ماده ۱۱۶ ق.م.ا).

در دیات

در جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۵: توبه مرتکب از موارد تفریف مجازات برای دادگاه به شمار می رود که اعمال تفریف در این مورد برای دادگاه اختیاری است نه الزامی! (ماده ۱۱۵ ق.م.ا)

در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸: در این جرایم با توبه مرتکب مجازات ساقط می گردد (ماده ۱۱۵ ق.م.ا).

در تعزیرات

مقررات رابع به توبه در مورد **تعزیرات منصوص شرعی** (تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا) و کسانی که مقررات تکرار جرایم تعزیری در مورد آنها اعمال می شود، باری نفواید شد. (تبصره ۱ ماده ۱۱۵ ق.م.ا)

Ⓒ در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی‌شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجراء می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود (ماده ۱۱۷ ق.م.ا.).

Ⓒ متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید (ماده ۱۱۸ ق.م.ا.)

Ⓒ چنانچه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می‌تواند به مرجع تجدیدنظر اعتراض کند (ماده ۱۱۹ ق.م.ا.).

- ۱- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات میزان، سال ۱۳۹۳
- ۲- -----،-----، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات میزان، سال ۱۳۹۳
- ۳- -----،-----، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، انتشارات میزان، سال ۱۳۹۳
- ۴- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، سال ۱۳۸۰
- ۵- -----،-----، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات سمت، سال ۱۳۸۰
- ۶- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، سال ۱۳۸۶
- ۷- -----،-----، محشا قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد، سال ۱۳۹۲
- ۸- ساولانی، اسماعیل، حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، سال ۱۳۹۲
- ۹- شمس ناتری، محمد ابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، جلد اول، انتشارات میزان، سال ۱۳۹۲
- ۱۰- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، انتشارات طرح نو، سال ۱۳۸۲
- ۱۱- محمد، معین، فرهنگ فارسی، نشر امیر کبیر، سال ۱۳۶۲
- ۱۲- نوربها، رضا، زمینه ی حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین، سال ۱۳۸۳